



وزارت اقتصاد
جمهوری اسلامی افغانستان

افغانستان مولد
سټراټیژی تعویض واردات (2019-2025)
افغانی سازی، صنعتی سازی، تجارتی سازی



عقرب 1397



GENERAL CONFERENCE ON
AFGHANISTAN

مخففات

اتاق تجارت و صنایع افغانستان	ACCI
ریاست گمرکات وزارت مالیه افغانستان	ACD
مرکز حل اختلافات تجارتي افغانستان	ACDR
مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان	ACEPA
بانک بین المللی افغانستان	AIB
اداره حمایت از سرمایه گذاری در افغانستان	AISA
چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان	ANPDF
پالیسی ملی تجارت افغانستان	ANTP
موافقتنامه تجارت و ترانزیت افغانستان - پاکستان	APTTA
اداره مستقل اراضی افغانستان	ARAZI
خدمات انکشاف و بازسازی افغانستان	ARDS
سیستم اتومات اطلاعات گمرکی (اسیکودا)	ASYCUDA
اتاق تجارت و صنایع زنان افغانستان	AWCCI
برنامه انکشاف حقوقی تجارتي	CLDP
اداره مرکزی مشارکت عامه و خصوصی	CPA
ریاست پالیسی حفاظت از مصرف کنندگان و رقابت وزارت صنعت و تجارت	CPCPD
اداره ملی احصائیه و معلومات	CSO
د افغانستان برشنا شرکت	DABS
شاخص کسب و کار	DBI
صندوق تقویت تولیدات داخلی و صادرات	DPEPF
اداره انکشاف صادرات افغانستان	EPAA
فدراسیون صنعت کاران و تجار افغانستان	FACT
تولید ناخالص داخلی	GDP
دولت جمهوری اسلامی افغانستان	GoIRA
شورای عالی اقتصادی	HEC
بورد مشورتي سرمایه گذاری	IAB
صندوق بین المللی پول	IMF
اداره پارک های صنعتی	IPA
صنعتی سازی تعویض واردات	ISI
وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	MAIL
کمیته نظارت و ارزیابی	MEC
وزارت معارف	MoE
وزارت اقتصاد	MoEC
وزارت مالیه	MoF
وزارت امور خارجه	MoFA
وزارت صنعت و تجارت	MoIC
وزارت عدلیه	MoJ
وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین	MoLSAD
وزارت صحت عامه	MoPH
وزارت احیا و انکشاف دهات	MRRD
ستراتیژی ملی صادرات	NES
موسسات غیرحکومتي	NGOs
اداره تدارکات ملی	NPA
برنامه ملی دارای اولویت	NPP
حکومت وحدت ملی	NUG
سازمان همکاری های اقتصادی و انکشاف	OECD
مشارکت عامه و خصوصی	PPP
واحد پالیسی تدارکات وزارت مالیه	PPU
کمیته اجرایی انکشاف سکتور خصوصی	PRISEC

انکشاف سکتور خصوصی	PSD
تحقیق و انکشاف	R&D
برنامه منطقی انکشاف زراعت- EAST	RADP-E
مزیت آشکار نسبی	RCA
کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقی در باره افغانستان	RECCA
کمیته رهبری تعویض واردات	SCIS
اهداف انکشاف پایدار	SDGs
زون های خاص اقتصادی	SEZ
تشیثات کوچک و متوسط	SMEs
نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصتها و تهدیدها	SWOT
آموزش های تکنیکی و حرفه پی	TVET
بانک جهانی	WB
سازمان تجارت جهانی	WTO

پیشگفتار



جلالتمآب محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

قرار دادن تولیدات داخلی در جایگاه اول از اهدافی است که از حمایت سرسختانه‌ی من برخوردار بوده است و جای خُرسندی است که اکنون راهبردی در این زمینه تهیه شده تا در جهت رسیدن به اهداف چارچوب ملی صلح و توسعه به ما کمک کند.

از دیر زمان به این طرف برایم روشن بوده که اگر ما به سیاست "اول افغانستان" روی نیاوریم، خوشه‌های صنعتی ما به ظرفیت بهینه نخواهند رسید، توانایی رقابت ما پایین خواهد آمد و میزان بیکاری و فقر افزایش خواهد یافت. این راهبرد در ادامه‌ی اصلاحاتی قرار دارد که به منظور تشویق تشبث‌های تجاری قبلاً معرفی کرده ام. تمرکز آن بالای تجارت برای روحیه بخشیدن به سرمایه‌گذاری خصوصی خیلی مهم خواهد بود تا سطح تولید را بالا ببرند و باشند که جایگزینی برای تعداد زیادی از واردات بیرونی فراهم آید. یکی از چالش‌های جدی کشور کسری تجاری است، نه تنها به خاطر این‌که چنین حالتی پایدار نیست، بلکه برای این‌که به ما کمک می‌کند بدانیم اقتصاد کشور در چی وضعی قرار دارد و هم این‌که به عنوان مصرف‌کننده چی اقلامی را ترجیح می‌دهیم.

چارچوب تشویقی که در این راهبرد شرح داده شده است برای خانوارها، تشبث‌های خُرد، متوسط و بزرگ کمک خواهد کرد تا سطح درآمدشان را بالا ببرند، ریسک را خوبتر مدیریت کنند، و به کمک‌های مالی بهتر دسترسی پیدا کنند. به همین گونه، از پارک‌های زراعتی-تجاری و حوزه‌های ویژه‌ی اقتصادی نیز بهره ببرند، که امکانات محیط تجاری و سرمایه‌گذاری‌شان امتیازی است برای بهبود بخشیدن توان رقابت. برای بخش‌های زراعت، تولید سمنت و ادویه‌جات امیدواری‌ام بیشتر است از آنجا که توجه سرمایه‌های خصوصی به آن‌ها رو به افزایش است. اطمینان دارم که اصلاحاتی که زیر نظارت من اجرا شده اند و آغاز و پیش‌برد تجارت را تسهیل می‌کنند، برای دست یافتن به یک افغانستان مولد در آینده‌ی نزدیک ما را یاری خواهد رساند.

پیام



جلالتمآب دوکتور عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه دولت جمهوری اسلامی افغانستان

یکی از آرزوهای دیرینه‌ی من رسیدن به روزی است که افغانستان به عالی‌ترین ظرفیت‌هایش نایل آید. این راهبرد که مکمل راهبرد ملی صادرات است، امیدواری برای این که نگرش‌های توسعه‌ای کشور در آینده به سوی دست‌یابی به اولویت‌ها و نیازهای هم‌میهنان عزیز افغان سوق داده شوند، را بیش‌تر می‌سازد. با در نظر داشت این که کمک‌های جهانی ناگزیر کاهش خواهند یافت، این راهبرد کمک می‌کند که به پای خود بایستیم و ریسک‌های که آینده‌ای نامطمین و بی‌ثبات را در بر دارند، را به حد اقل کاهش دهیم.

به حیث جامعه‌ی تجارت‌پرور، این توانایی تشبث‌های خصوصی است که در نهایت برای کامگاری اقتصادی کشور تعیین‌کننده خواهد بود. حکومت در این زمینه نقش مهمی را بازی خواهد کرد اما کارکرد ما بایستی بر این اساس سنجیده شود که تا چه حد برای رشد و نه ایجاد موانع برای تجار منجر خواهد شد. چنانچه ما در تلاش هستیم تا صادرات افزایش یابند و کسری تجاری رفع شود، این مأمول تنها در صورتی قابل دست‌رس است که بخش خصوصی از حمایتی برخوردار شود که شایسته‌اش است. ما به این باور رسیده ایم - پس از مصرف بیلیون‌ها دالر پول امدادی - که پول به تنهایی باعث توسعه اقتصادی نخواهد شد و باید تدابیری در سیاست اقتصادی اتخاذ شوند که ریسک برای رشد بخش خصوصی را کم کنند، هم برای تشبث‌های کوچک و هم کلان.

کاهش بخشیدن کسری تجاری و کسری حساب جاری زمانی ممکن است که تشویق صادرات هم‌زمان با جایگزین واردات به پیش برده شود. ما باید قادر شویم تا مصارف‌مان را خود به عهده بگیریم، و سرنوشت‌مان را خود رقم بزنیم. برای این‌که به این اهداف دست یابیم، انگیزه‌ها باید به سوی سرمایه‌گذاری‌های درازمدت تغییر کنند که بعداً تقویه شوند و افزونی بیابند. تا زمانی که ما به ایجاد کار در داخل نپردازیم، مشکل پناهنده‌ها به طرف اروپا ادامه خواهد یافت و نسل‌های آینده نیز در بیرون از کشور در جست‌وجوی فرصت‌ها خواهند درآمد، نه در داخل کشور.

کارشناسان اقتصاد توسعه اتفاق نظر دارند که توسعه موفق مستلزم "افزونی‌یابی" است. افزونی‌یابی به این معنی که ارزش رو به تزاید یک سرمایه هم از بابت سودی ناشی از سرمایه‌ی اصلی و هم از مسیر انباشت سود ممکن شود. در ماهیت، این بدان معنی است که درآمدهای آینده محصول سرمایه‌گذاری‌های امروزی است. بزرگ‌ترین هزینه‌ی فرصت برای ما زمان است، و زمان پدیده‌ای است برگشت‌ناپذیر.

من با اطمینان کامل حمایت‌ام از رویکرد این راهبرد را اعلام می‌کنم و به حیث رییس اجرائیه کشور، پشتیبانی کامل خود را برای تأیید آن از طرف شورای عالی اقتصادی ابراز می‌دارم. به تعقیب آن، با همکاران کابینه، جامعه مدنی و بخش خصوصی تلاش خواهم کرد تا تعهدات آن به گونه‌ی کامل عملی شوند.

پیشگفتار

جلالتمآب دوکتور مصطفی مستور وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی افغانستان



به نماینده گی از حکومت وحدت ملی، خوش هستم که سند "افغانستان مولد- ستراتیژی تعویض واردات(2019-2025)" را که روی افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی متمرکز است، پیشکش مینمایم. این ستراتیژی تکمیل کننده و با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و ستراتیژی رشد که رشد تولید ناخالص داخلی 8 درصد و بیشتر از آنرا الی سال 2025 پیشبینی مینماید، همسویی کامل دارد.

حکومت در مورد کسر تجارت و و اتکای بیش از حد بالای اجناس و خدمات تورییدی نسبت به کالاهای داخلی عمیقاً نگران است. باتوجه به میزان روزافزون بیکاری و فقر، افزایش میزان تولید داخلی (به شمول پایین آوردن هزینه های تولید) باید در صدر اولویتهای حکومت قرار گیرد. هزینه های وارداتی به علت کاهش ارزش پول افغانی افزایش می یابد. در چنین محیط پرچالش برای تجارت، میدانیم که سرمایه گذاران ترجیح میدهند تا از سرمایه گذاری بزرگ اجتناب ورزیده، و به عوض پایه گذاری رشد درازمدت به بدست آوردن منقعت های کوتاه مدت به پردازند. همه این مشخصات سرمایه گذاری در شرایط جنگ و بی ثباتی کاملاً منطقی به نظر میرسند.

در شرایط کنونی، قدرت خرید ملی ما اشتغال را در خارج از کشور بوجود آورده درحالیکه نیاز مبرم به اشتغال زایی در داخل کشور داریم. درحالیکه امکان تعویض بخش اعظم کالاهای وارداتی وجود ندارد، این ستراتیژی تعداد مشخص محصولات را شناسایی کرده که نشان دهنده ظرفیت قابل ملاحظه برای تعویض میباشد. ما میدانیم که اولویتهای مصرفی همیشه توسط قیمت معین نشده و در نتیجه ما باید به بهبود بازاریابی برای محصولات و علایم تجارتی به مثابه بخشی از پروسه سرمایه گذاری که باعث توسعه صنایع کوچک میگردد، مبادرت ورزیم.

از همین جهت خوش هستم که این ستراتیژی را پیشنهاد میکنم که روی افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی متمرکز میباشد. *افغانی سازی* به معنی سرمایه گذاری بالای تولیدات داخلی به عوض اجناس و خدمات خارجی میباشد. *صنعتی سازی* به معنی بهبود و انکشاف تولیدات داخلی و پیچیده گی اقتصادی به هدف حمایت از افزایش ارزش و تحت تصرف در آوردن بازارهای داخلی میباشد. *تجارتی سازی* به معنی استفاده از طرق و راه های جدید برای تقویت برتری رقابتی سکتور خصوصی، و انتقال بسوی فعالیتهای بزرگتر تجارتی میباشد. ما دارای زمین، نقدینگی زیاد در سکتور بانکی، نسلی از کارگران تشنه کسب دانش و مهارتها بوده در حالیکه جامعه جهانی علاقه مند حمایت از ما میباشد.

نوآوریهای زیادی که درین ستراتیژی پیشنهاد شده باعث خوشی ما میگردد. ما باید پالیسی اقتصادی خویش را تقویت نموده و آنرا در عمل پیاده کنیم. همکاران بین المللی ما طور مثال گندم و سایر محصولات را از بیرون خریداری میکنند درحالیکه امکانات تهیه آنها از بازار داخلی موجود است. ما باید از اشکال مختط تمویل که خطرات در برابر توسعه سرمایه خصوصی را کاهش میدهد، استفاده کرده و همچنان باید شمولیت مالی را تقویت کنیم. ما باید از پالیسی صنعتی سازی تدریجی حمایت کرده و بدانیم که بلند بردن تعرفه های وارداتی به تنهایی روی تعویض و تعویض اثرگذار نخواهد بود. ما همچنان باید از پروسه های عرضه از بالا به پایین به سرمایه گذاری در تقاضای هرچه موثرتر و همگرایی بیشتر بازارهای داخلی انتقال نماییم. از همه مهمتر، باید قبول کنیم که خواب یک افغانستان خودکفا در نهایت میتواند به واقعیت تبدیل شود.



تعویض کالاهای وارداتی با
کالاهای داخلی

فهرست مندرجات

مخففات ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

XIII.....

خلاصه گذارش ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

1. وضعیت و پیشینه مشکلات رشد و تعویض واردات 1

1.1. مقدمه	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
1.2. رشد متغییر و متکی بر زراعت	2
1.3. بیلانس تجارت، ترکیب واردات و کشورهای مبدأ	4
1.4. سهم سکتور تولیدی و صنعتی در تولید ناخالص داخلی	6
1.5. اصلاح شرایط تجارت	7
1.6. اشتغال	7
1.7. رشد نفوس	8
1.8. رقابت و تجارت عادلانه	8
1.9. هزینه های بلند تولید	8
1.10. کاهش ارزش پول	9
1.11. شمولیت مالی	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

2. ستراتیژی تعویض واردات 11

2.1. شواهد چی را نشان میدهد؟	11
2.2. دیدگاه	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
2.3. اهداف عمومی	14
2.4. انتخاب معیارها برای انکشاف کلسترهای صنعتی	14
2.5. انتخاب اقلام پیشنهادی و گروپ محصولات	16
2.6. شیوه عمومی تعویض واردات	16
2.7. غلبه بر مشکلات بخش عرضه	16
2.8. غلبه بر مشکلات بخش تقاضا	17
2.9. شیوه انکشاف شبکه کالا	17
2.10. خلاصه ستراتیژی تعویض واردات	18

3. اقدامات تشویقی تعویض واردات 21

3.1. اقلام صنعتی پیشنهادی	21
3.2. انجام کسب و کار	23
3.3. ماتریس اقدامات تعویض واردات	24

4. شاخصهای مهم کارکرد در زمینه افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی 31

4.1. افغانی سازی- تقویت قابلیت های تولید داخلی	31
4.1.1. شیوه:	31
4.1.1. شاخص های مهم کارکرد:	31
4.2. صنعتی سازی- بهبود افزودن ارزش	32
4.2.1. شیوه:	32
4.2.1. شاخصهای مهم کارکرد:	Error! Bookmark not defined.
4.3. تجارتی سازی- افزایش سرمایه خصوصی	33
4.3.1. شیوه:	33
4.3.1. شاخصهای مهم کارکرد:	33

5. تاثیرات درازمدت متوقعه 35

4.2. حالتهای سرمایه گذاری	35
4.3. حالت اول رشد: صلح، تعویض واردات و رشد صادرات	37
4.4. هزینه های سرمایه گذاری:	ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
4.5. تاثیر درازمدت روی تولید ناخالص داخلی	37
4.6. تاثیر درازمدت روی بیلانس تجارت	38
4.7. تاثیر درازمدت روی حساب جاری	38
4.8. تاثیر درازمدت روی اشتغال	38
4.9. حالت دوم رشد: ادامه جنگ، تعویض واردات و رشد صادرات	38
4.10. هزینه های سرمایه گذاری	39
4.11. تاثیر درازمدت روی تولید ناخالص داخلی	39
4.12. تاثیر درازمدت روی بیلانس تجارت	39

39.....	تاثیر درازمدت روی حساب جاری	4.13
39.....	حالت سوم رشد: کار طبق معمول	4.14
39.....	هزینه های سرمایه گذاری.....	4.15
40.....	تاثیر درازمدت روی تولید ناخالص داخلی	4.16
40.....	تاثیر درازمدت روی بیلانس تجارت	4.17
40.....	تاثیر درازمدت روی حساب جاری	4.18
40.....	تاثیر درازمدت روی اشتغال	4.19

6 وظایف کمی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

45.....	تصویب پالیسی صنعتی	6.1
45.....	هماهنگی میان کابینه و شورای عالی اقتصادی	6.2
45.....	انسجام پالیسی و ستراتیژی	6.3
45.....	تهیه مدل جدید اقتصاد ملی	6.4
45.....	ایجاد شرایط مساعد برای تولیدات داخلی	6.5
46.....	دسترسی به قرضه	6.6
46.....	نیازمندی محصولات داخلی در تدارکات حکومتی	6.7
47.....	بهبود مدیریت زمین برای توسعه زراعت تجارتی	6.8
47.....	بهبود شاخصهای انجام تجارت با استفاده از تحلیل وضعیت در سطح ولایات	6.9
49.....	اصلاح سیستم دسترسی به برق صنعتی	6.10
49.....	اصلاح سیستم مالیاتی	6.11
50.....	سندردسازی، بازاریابی و توسعه	6.12

7 پلان تطبیقی..... 53

53.....	شیوه تطبیق	7.1
54.....	دوره سالانه پلانگذاری در چوکات پلان درازمدت	7.2
54.....	ساختارهای جدید تحقیق در مورد پالیسی و هماهنگی	7.3
54.....	7.3.1 مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان	7.3.1
54.....	7.3.2 کمیته رهبری تعویض واردات	7.3.2
55.....	زمان برای تطبیق	7.4
55.....	7.5 ترتیبات نهادی	7.5
55.....	7.5.1 نقش وزارتها و ادارات حکومتی	7.5.1
55.....	7.6 هزینه	7.6

8 نظارت و ارزیابی..... 59

فهرست کتبی که در تهیه این ستراتیژی از آنها استفاده شده است..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
 ضمایم..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

جداول

11.....	جدول 1: سیستم مشوقهای صنعتی همراه با حفاظت
13.....	جدول 2: طبقه بندی اقدامات عمده تعویض واردات
13.....	جدول 3: اولویتهای اقدام صنعتی
25.....	جدول 4: ماتریس اقدامات تعویض افغانستان مولد
25.....	جدول 5: خلاصه سه حالت- تاثیر درازمدت الی سال 2025 (به میلیارد دالر امریکایی)
Bookmark not defined.	
38.....	جدول 6: افزایش دهنده ها (ضریبهای) اشتغال اقلام صنعتی
41.....	جدول 7: حالتیهای خط مبداء، اصلاحات و جنگ، و اصلاحات و صلح

چارتها

3.....	چارت 1. رشد تولید ناخالص داخلی (2012-2017) و سهم سکتورها در آن
3.....	چارت 2. حالتیهای رشد تولید ناخالص داخلی (2015-2023)
6.....	چارت 3. واردات و صادرات (2008-2017)
6.....	چارت 4. عناصر متشکله رشد غیرزراعتی
6.....	چارت 5. بیکاری به اساس جنسیت و بخش های شهری و روستایی
24.....	چارت 6. بهبود شرایط قانونی افغانستان
46.....	چارت 7. گرایشها در نسبت سپرده ها و قرضه
46.....	چارت 8. عناصر متشکله انجام کسب و کار در افغانستان برای سال 2018
defined.	
46.....	چارت 9. فاصله افغانستان تا نقاط سرحدی در مقایسه با منطقه (2018)

49.....	عواید حکومت افغانستان(2008-2016)	چارت 10.
50.....	ترکیب عواید مالیاتی	چارت 11.
Error! Bookmark not defined.	ترکیب واردات افغانستان(2016-2017)	چارت 12.

اشکال

4.....	ترکیب واردات افغانستان(2016)	شکل 1.
5.....	مبدای واردات افغانستان(2016)	شکل 2.
11... ..	سهم چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، ستراتیژی ملی صادرات و ستراتیژی تعویض واردات	شکل 3.
Error! Bookmark not defined.	شیوه صنعتی سازی تحت رهبری زراعت	شکل 4.
18.....	شیوه سرمایه گذاری اصلی، کمکی و خدماتی	شکل 5.
19.....	خلاصه ستراتیژی تعویض واردات	شکل 6.
53.....	شیوه کلی پلان تطبیقی	شکل 7.
Error! Bookmark not defined.	چارچوب کلی نظارت برای ستراتیژی افغانستان مولد	شکل 8.

سپاس گذاری:

وزارت اقتصاد از کمک مالی دفتر اتحادیه اروپا در افغانستان بخاطر تدارک کمک تخنیکي شان سپاسگذاری مینماید. همچنان وزارت اقتصاد از برنامه انکشاف جامع زراعت و دهانت(CARD-F) وزارت زراعت، آبیاری و مالداري به خاطر تهیه عکسها برای این ستراتیژی اظهار سپاس و امتنان مینماید.



اصطلاحات مهمی که
در اینستراتیژی استفاده شده
است

اصطلاحات مهم	
افغانی سازی	به معنی پالیسی دادن حق اولویت به تقویت پایدار ظرفیت های افغانها در گام نخست و ترجیح دادن به محصولات داخلی نسبت به اجناس خارجی، تقویت همسویی و تطابق با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستانو حمایت از اتخاذ تدابیر جدیدی که در شرایط افغانستان موثر باشند.
صنعتی سازی تعویض کالاها و وارداتی	پالیسی تجارت و اقتصاد افغانستان که از تعویض کالاهای وارداتی با محصولات داخلی، از بین بردن کسر تجارت کسر حسابهای دارایی، و تقویت اشتغال و خودکفایی جایی که مزیت نسبی وجود دارد، حمایت میکند. پالیسی افغانستان روی شیوه صنعتی سازی برنامه ریزی شده، استوار میباشد.
مزیت آشکار نسبی	تدابیر برتری آشکار نسبی برای کمک به بررسی ظرفیت های صادراتی یک کشور مورد استفاده قرار میگیرد. برتری آشکار نسبی نشان میدهد که آیا یک کشور در پروسه توسعه محصولات قرار دارد که در آنها برخلاف وضعیتی که در آن تعداد کالاهایی که میتوانند بصورت رقابتی صادر شوند ثابت میباشد، دارای ظرفیت تجارتی هست یانه. برتری آشکار نسبی همچنان معلومات مفیدی را در مورد دورنمای تجارت بالقوه با شرکای جدید بدسترس قرار میدهد. کشورهای دارای مشخصات مشابه برتری آشکار نسبی نمیتوانند دارای شدت در تجارت دوجانبه بوده باشند مگر آنکه تجارت صنعتی شامل آن بوده باشد. تدابیر مربوط به برتری آشکار نسبی، در صورتیکه در سطوح بلند عدم تراکم کالاها تخمین شوند، میتواند توجه را روی سایر محصولات غیر سنتی که موفقانه صادر میشوند، متمرکز سازد. شاخص برتری آشکار نسبی یک کشور برای یک کالا توسط سهم آن کالا در صادرات کشور در ارتباط با سهم آن در تجارت جهانی سنجش میشود.
شبکه کالاها	شبکه کالاها به معنی شبکه است که کالاهایی را باهم پیوند میدهد که میتوانند بصورت مشترک صادر شوند و میتواند برای پیشبینی تکامل ساختار صادراتی یک کشور استفاده شود. پس، اگر افغانستان هم اکنون انار را صادر میکند درینصورت امکانات بهتری را برای صادر نمودن جوس انار نسبت به تولید وسایط نقلیه زرهی دارا میباشد. افغانستان دارای برتری آشکار نسبی در صادر کردن 63 قلم کالا بوده است(این بدان معنی است که سهم آن در صادرات جهانی از آنچه از حجم اقتصاد صادراتی و از حجم بازار جهانی یک کالا انتظار میرود، بیشتر میباشد).
مجاورت کالاها	شبکه کالاها عبارت از شبکه است که مفکوره نسبت را میان کالاهایی که در اقتصاد جهانی مورد دادوستد قرار میگیرند، رسمیت میبخشد. شبکه کالاها دارای اثرات قابل ملاحظه بالای پالیسی اقتصادی بوده چون ساختار آن به توضیح این مسئله کمک میکند که چرا شماری از کشورها دارای رشد ثابت اقتصادی بوده ولی دیگران راکد شده و قادر به رشد نیستند. این مفهوم توسط نقشه های صادرات کالاها و شاخص های جدید چون شاخص پیچیده گی اقتصادی که در اطلس پیچیده گی اقتصادی در نظر گرفته شده، توسط دفتر ناظر پیچیده گی اقتصادی بیشتر انکشاف داده شده است.
رابطه های روبه جلو و رو به عقب	رابطه رو به جلو وقتی وجود می آید که سرمایه گذاری در یک پروژه مشخص سرمایه گذاری در مراحل بعدی تولید را تشویق میکند. رابطه رو به عقب زمانی ایجاد میشود که یک پروژه، سرمایه گذاری در تاسیساتی را تشویق کند که پروژه را به موفقیت میرساند. بصورت عادی، پروژه ها ارتباطات به جلو و عقبی هر دو را ایجاد میکنند.
سرمایه گذاری های اساسی، کمکی و خدماتی	پروژه اساسی عبارت از سرمایه گذاری عمده است که یک سرمایه گذاری اساسی چون سرکها، زونهای خاص اقتصادی، فابریکه برق آبی ویا بندرگاه را حمایت میکند. سرمایه گذاریهای کمکی عبارت از سرمایه گذاریهایی است که توسط سرمایه گذاریهای اساسی امکان پذیر شده که شامل سرکهای فرعی دسترسی به بازارها، برق ویا تمویل میگردد. پروژه های خدماتی عبارت از سرمایه گذاریهایی است که توسط عرضه کارها، خدمات و مواد در نتیجه سرمایه گذاریهای اساسی و کمکی امکان پذیر میشوند. طورمثال، اگر یک زون خاص اقتصادی به عنوان یک سرمایه گذاری اساسی ایجاد میشود، و خدمات مالی، رژیم های تنظیم کننده و سایر خدمات تجارتی فراهم میشود، تعداد زیاد پروژه های خدماتی شامل تشبثات کوچک و متوسط عرض میتوانند در بازار اندام کرده که از تعمیرات نگه داری کرده، حمل و نقل را تامین کرده، و تامین مواد خوراکی و خدمات مدیریت تجارت را ارائه میکنند.



خلاصه گزارش

خلاصه گزارش

افغانستان از جهات مختلفی یک جامعه پیش‌صنعتی¹ به شمار می‌رود، که برای دسترسی به واردات ضروری‌اش نیازمند کمک‌های هنگفت بیرونی است. از آنجا که دولت افغانستان می‌خواهد اقتصاد این کشور تا سال 2024 به خودکفایی برسد، تعویض واردات با تولیدات داخلی – در بخش‌هایی که ممکن است – راهکار مهمی در این راستا خواهد بود. با در نظر داشت این، راهبرد² افغانستان مولد دسته‌ای از انگیزه‌های تشویقی را شامل می‌شود که برای بهبود تراز تجاری، رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی کمک خواهند کرد. رویکرد این راهبرد مبتنی بر سیاست حمایت‌گری صنایع داخلی³ نه بلکه بر پایه‌ی مشوق‌های تولیدی بنیان یافته است. این راهبرد نقش مهمی را برای دسترسی به اهداف "چارچوب ملی برای صلح و توسعه افغانستان"⁴ بازی خواهد کرد، که موارد زیر را برای آن می‌توان برشمرد:

- رسیدن به رشد اقتصادی ۴ درصد در مدت شش سال (تا 2024)
- بهبود چشمگیر تراز تجاری
- بسیج بیشتر سرمایه‌ی خصوصی برای اهداف توسعه‌ای
- بالا بردن سطح صادرات به ارزش دو بلیون دالر⁵ تا سال 2024
- بالا بردن عواید داخلی به هشت بلیون دالر تا سال 2024
- کاهش سطح فقر، به شمول مناطق محروم (دیدگاه درازمدت و فراتر از 2024)

با آن که در کل سیاست جایگزین واردات⁶ نسبت به سیاست تشویق صادرات در جهان کم‌اهمیت‌تر پنداشته می‌شود، در حالت کنونی اقلامی که از افغانستان بتوانند به بیرون صادر شوند، منفی تولیدات معدنی، تعدادشان ناچیز است. با در نظر داشت چالش‌های اقتصادی و محدودیت‌های ناشی از محیط سرمایه‌گذاری و تجاری در افغانستان، آسان‌تر خواهد بود تا این کشور بالای تعویض برخی اقلام وارداتی تمرکز کند به جای این که با پیش گرفتن سیاست "تشویق صادرات"، در بازار جهانی به رقابت بپردازد، عرصه‌ای که در آن زیربناها به مراتب با کیفیت‌تر و پیشرفته‌تر هستند. با این حال، پیش گرفتن سیاست دوگانه‌ای که تعویض واردات را همزمان با تشویق صادرات هماهنگ کند، از اتکای بیش از حد بالای یک رویکرد (تشویق صادرات) کم خواهد کرد. رقابت در بازارهای پرهزینه‌ی جهانی برای تراز تجاری افغانستان چندان هم مفید واقع نشده است.

اصلاح رشد اقتصادی کاذب

از سال 2001 به این سو، بیش از 900 بلیون دالر پول خارجی در افغانستان به مصرف رسیده است. تنها هزینه‌ی جنگ در سال 2018 در این کشور به 45 بلیون دالر رسید. در همین سال، 66 درصد بودجه افغانستان هنوز هم از طرف شرکای خارجی این کشور پرداخته شد. در حالی که، میزان کمک‌های رسمی برای توسعه⁷ از 13 بلیون دالر در سال 2011 به 5 بلیون دالر در سال 2016 کاهش یافت. سرازیر شدن پول‌های هنگفت نقش یارانه (سوسید)⁸ را در اقتصاد افغانستان بازی کرده است، که انگیزه برای سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داده و باعث بالا رفتن مصنوعی قدرت خرید⁹ مردم شده است.

این در حالی است که کسری تجاری¹⁰ افغانستان در سال 2016 اندکی کمتر از 7 بلیون دالر بود که برابر بود با 40 درصد درآمد ناخالص ملی¹¹ همان سال. بدین معنی که بالا رفتن قدرت خرید مردم به بالا رفتن و تقاضای بیشتر به تولیدات و خدمات داخلی منتج نشده است. به جای آن، افغانستان به شکل گسترده‌ای یک اقتصاد تجاری (وارداتی) باقی مانده است. این در حالی است که در آینده قدرت خرید مردم هم با کاهش کمک‌های مالی بیرونی به تدریج پایین خواهد آمد.

با توجه به این که افغانستان شاهد گذار جمعیتی¹² است و فرصت برای اتخاذ رویکرد "اول افغانستان" هم مغتنم است، راهبرد این سند (افغانستان مولد) چارچوب به‌موقعی را برای سرمایه‌گذاری برای تعویض واردات – در بخش‌هایی که تولیدات مزیت نسبی¹³ دارند – ارائه می‌کند.

¹ Pre-Industrial Society

² Strategy

³ Protectionism

⁴ Afghan National Peace and Development Framework (ANPDF)

⁵ هدف از "دالر" در این سند "دالر امریکایی" است – م

⁶ Import Substitution

⁷ Official Development Assistance (ODA)

⁸ Subsidy

⁹ Purchasing Power (PP)

¹⁰ Trade Deficit

¹¹ Gross Domestic Product (GDP)

¹² Demographic Transition

¹³ Comparative Advantage

از مهم‌ترین یافته‌های این سند، این است که این نحوه‌ی قیمت‌گذاری¹⁴ نه بلکه ناکامی‌های بازار¹⁵ است که باعث کُند شدن رُشد، مانع تعویض واردات و پایین ماندن توان صادراتی افغانستان می‌شود. شاهد این مدعا این است که، با آن که ارزش افغانی به تدریج در مقابل ارزهای بین‌المللی رو به کاهش بوده اما این کاهش باعث بالا رفتن سطح صادرات یا به میان آمدن امتیاز قیمتی¹⁶ برای تولیدات داخلی نشده است¹⁷. افزون بر این، بالا بردن سطح تعرفه بالای واردات تخم مرغ از 8 به 20 درصد نشان می‌دهد که تغییری در سطح تولید آن در داخل نیامده است. در عوض، باعث بالا رفتن قیمت (تورم) این کالا شده است. بدین خاطر، دولت قصد ندارد به حمایت‌گری صنایع داخلی از طریق تعرفه دست بزند و به جای آن، اکیدا تلاش خواهد کرد تا مشوق‌های تولیدی را زیاد بسازد و از ریسک سرمایه‌گذاری کم کند. در عین حال، دولت می‌خواهد شیوه‌های جدیدی برای رُشد اقتصادی روی دست بگیرد، مثل سرعت بخشیدن تولیدات زراعتی تجاری در سطح بزرگ.

بررسی اقلام وارداتی اما نشان می‌دهند که در حالت کنونی، اکثریت این کالاها و خدمات نمی‌توانند در داخل تولید شوند. ایجاد فضای محصولات¹⁸، توسعه زنجیره‌های ارزش¹⁹، و بالا بردن توانایی رقابت، رویکردهایی هستند که اجرای آن‌ها فرصت به تولیدات داخلی را بهبود خواهد بخشید. تنها زمانی که انگیزه‌ها برای غنای‌سازی²⁰ تولیدات داخلی به میان نیامده و اجرا نشده اند، میزان رُشد اقتصادی روی ثبات نخواهد دید تا باعث ایجاد کار و بلند رفتن درآمد ملی شود. در پایان، تجارت‌های که به هدف نفع بردن از کمک‌های مالی جهانی ایجاد شده اند مجبور خواهند شد تا بالای بازار داخلی تمرکز کنند، که مسیری پایدارتر برای استحکام رُشد واقعی در کشور خواهد شد.

چرا سیاست جایگزین واردات؟

هرچند سیاست جایگزین واردات از دهه هفتاد میلادی بدینسو در جهان اقبال چندانی نداشته و به حاشیه رانده شده است، واقعیت امر این است که بیش‌تر کشورهای همسایه افغانستان به انحای مختلفی سیاست صنعتی‌شان برپایه‌ی جایگزین واردات بنیان یافته است. با آن که اجرای این سیاست در گذشته نتایج یکسانی نداشته و گاهی مثبت و گاهی منفی بوده است، به طور عام باور به این است که بیش‌تر کشورهای توسعه‌یافته در گذشته از این سیاست مثل تخته‌ی خیز برای رسیدن به غنای اقتصادی استفاده کرده اند. اضافه بر این، کشورهای همسایه افغانستان تنوع تولیداتی‌شان²¹ مشابه به هم است و به بازارهای جهانی نزدیک‌تر هستند، که برایشان کمک می‌کند میزان واردات‌شان را کم کنند، به جای این که به بالا بردن صادرات و رسیدن به بازارهای جدید تلاش کنند.

در افغانستان، تداوم خشک‌سالی در هر چهار سال، به اندازه‌ی یک سال محصولات زراعتی را نابود می‌کند، تداوم ناامنی بالای سرمایه‌گذاری خصوصی تأثیر منفی می‌گذارد، و در درازمدت، پرداخت کمک‌های جهانی هم نباید دایمی تلقی شود. اگر ارزش پول ملی هنوز هم کاهش یابد، ارزش واردات را بالاتر خواهد بُرد، که احتمال زیاد می‌رود باعث بالا رفتن قیمت مواد اولیه شود که اغلب از طرف فقیرترین اقشار جامعه به مصرف می‌رسند. با آن هم، در چارچوب یک سیاست عاقلانه‌ی اقتصادی و تجاری، هم رُشد بخش زراعتی و هم غیرزراعتی بهبود خواهد یافت که برای حل معضله‌های مشترک کنونی کمک خواهد کرد. از جمع این معضله‌ها، سرازیر شدن تعداد زیاد پناهانده افغان به بیرون است که زیان‌های درازمدت کاهش رُشد اقتصادی در کشور را نمایان می‌سازد.

راهبردی مبتنی بر شواهد

وزارت اقتصاد به این باور است که ایجاد تنوع در تولیدات به ثبات و تداوم رُشد اقتصادی در کشور می‌انجامد، و اقتصاد کشور را در برابر تکانه‌های اقلیمی و اقتصادی - دو عاملی که افغانستان از آن آسیب‌پذیر است - از استقامت بیشتری برخوردار می‌سازد. این راهبرد به گونه‌ی مکمل راهبردهای دیگری مثل راهبرد توسعه بخش خصوصی²² (در جمع برنامه‌ی اولویت‌های ملی²³) و راهبرد ملی صادرات²⁴، نقش بازی خواهد کرد و تطبیق آن برای رسیدن به اهداف چارچوب ملی صلح و توسعه حیاتی است.

¹⁴ Pricing

¹⁵ Market Failure

¹⁶ Pricing Advantage

¹⁷ معمولاً کاهش یافتن ارزش پول ملی بالای صادرات تأثیر مثبت می‌گذارد - م

¹⁸ Product Space Development

هدف از "فضای محصولات" ارتباط شبکه‌ای محصولات صادراتی است؛ به این معنی که اگر یک کشور گندم صادر می‌کند، بسیار محتمل است که در قدم بعدی برنج یا جو صادر کند، نه هواپیما یا وسایطی با فناوری پیشرفته. توسعه فضای محصولات کمک می‌کند تا مسیر رُشد و تنوع صادرات یک کشور به خوبی شناسایی و توضیح داده شود. این دیدگاه برای اولویت‌بندی کالاهای صادراتی برای رُشد میزان صادرات نیز مفید است - م

¹⁹ Value Chain Development

²⁰ Economic Complexity

²¹ Production Profile

²² Private Sector Development (PSD)

²³ National Priority Programs (NPP)

²⁴ National Export Strategy (NES)

توجه اصلی این راهبرد بالای سه اصل متمرکز است: **بومی‌سازی، صنعتی‌سازی و تجارتي‌سازی**. این راهبرد، پس از بررسی موانع اولیه، بر پایه‌ی شواهد تهیه شده و رویکرد خلاقانه‌ای را پیش می‌گذارد که هدف آن توضیح برنامه‌های تشویقی برای رشد سطح تولید در قسمت کالاهای خاص است. این راهبرد به سوال‌های مهم زیر پاسخ می‌دهد:

- کدام کالا، مواد و تجهیزات تولیدی می‌توانند در داخل تولید شوند و کدام خدمات می‌توانند در افغانستان ارایه شوند؟
 - کدام روش‌های جایگزین واردات می‌توانند در وضعیت افغانستان بیش‌ترین موثریت را داشته باشند و سیاست بومی‌سازی تولید مستلزم چی می‌باشد؟
 - کشاورزان و شرکت‌ها چگونه حمایه شوند تا به توانمندی‌های لازم برسند و توانایی رقابت‌شان بالا برود؟
 - در موجودیت نقدینه‌گی زاید در بانک‌ها، اقتصاد متکی به دالر، ساختار ضعیف نظارت پولی و نبود زیربنای کافی، کدام شیوه‌های جدیدی روی دست گرفته شوند تا به راه حل‌های درازمدت بیانجامند؟
 - دولت چگونه اطمینان حاصل کند که شرکت‌های تحت حمایه‌اش به سوی خودکفایی حرکت کنند؟
- برای تهیه این راهبرد یک رویکرد فراگیر و همه‌شمول به کار رفته و برای آن وزارت اقتصاد موضوعات اصلی را ارایه کرده است. اما، بیش‌تر اصلاحات پیشنهادی بر پایه‌ی اسناد و راهبردهای قبلی جمع‌آوری شده و یا هم اولویت‌های جدیدی معرفی شده اند. این راهبرد با در نظر داشت دستگاه حکومت در کلیت آن ایجاد شده است.

بومی‌سازی – قرار دادن افغانستان در اول

در اساس، "بومی‌سازی" ابتکاری از طرف حکومت افغانستان برای به حد اعلی رساندن رشد اقتصادی و کارایی برای شهروندان و شرکت‌های افغان است، که بالترتیب صاحب شغل خوب (در بخش خصوصی یا دولتی) و صاحب توانمندی تولید در داخل کشور شوند. تا به حال بیش از حد بالای کمک خارجی و واردات تکیه شده است، که به کسری تجاری، کسری حساب جاری²⁵، کمبود سرمایه‌گذاری و پایین ماندن سطح توانمندی‌ها منجر شده است. بسته‌ی تشویقی برای بومی‌سازی شامل تدابیری می‌شود که برای بالا بردن توان تولید داخلی طراحی شده اند. تدابیر اساسی آن این‌ها هستند:

- اتخاذ سیاست "اول افغانستان" در تمامی مراحل توسعه اقتصادی
- ارجحیت به شرکت‌های افغان برای بستن قراردادهای موقعی که ممکن و مناسب باشد
- ایجاد رهنمود و مقررات برای به کارگیری مواد خام داخلی²⁶ در تولید
- تسریع تلاش‌ها برای کاهش نقش دالر در اقتصاد کشور
- ایجاد بازار ثانویه²⁷ به شمول صدور صکوک
- فایق آمدن بر ناتوانی‌ها برای افزایش سطح تولید داخلی
- کم کردن هزینه‌ی تولید داخلی و ریسک سرمایه‌گذاری
- ایجاد کار و افزایش رشد اقتصادی

صنعتی‌سازی – تحول فوری برای ارزش‌افزایی

تا به حال توجه کافی برای سرعت بخشیدن به صنعتی‌سازی افغانستان صورت نگرفته است. خوشه‌بندی صنایع²⁸ به گونه متواتر صورت نگرفته، ضریب موثریت واردات اندازه‌گیری نشده و هیچ عامل افزون‌کننده‌ی کار²⁹ هم شناسایی نشده است. بسته‌های تشویقی برای بخش تولید ایجاد نشده اند، که به کاهش فعالیت‌های تولیدی و صنعتی منجر شده است. این به نوبه‌ی خود بالای نرخ کار³⁰ تأثیر منفی گذاشته است. در نتیجه، جا انداختن و عملی کردن سیاست جایگزین واردات در قدم اول باید کمبود معلومات و تحلیل‌های اقتصادی را رفع کند تا بتواند به نتیجه‌ی مطلوب دست یابد. بنا بر این، رویکرد

²⁵ Current Account Deficit

²⁶ Local Content

²⁷ بازاری که در آن اوراق بهادار داد و ستد می‌شود

²⁸ Industrial Cluster Analysis


خوشه‌بندی صنایع تحلیلی است برای تقسیم صنایع در گروه‌ها یا دسته‌ها و شناسایی مشابهت‌های یک دسته یا خوشه یا خوشه‌ی دیگر

²⁹ Employment Multiplier

³⁰ Employment Rate

مقدماتی باید مبتنی باشد بر ارایه کمک‌های مستقیم برای پیش‌برد صنعت و تولید، نه تنها منتظر ماندن برای ایجاد "فضای محصولاتی" و زنجیره‌های جدید ارزش. با همکاری نزدیک با بخش خصوصی، جبران ریسک با پاداش باید روی دست گرفته شود:

- سه سال معافیت مالیاتی برای شرکت‌های تازه‌تأسیس به منظور تشویق سرمایه‌گذاری
- شناسایی و حمایت از زنجیره‌های ارزشی در خوشه‌های صنعتی قبلاً شناسایی‌شده، که دورنمای بهتر برای ارزش‌افزایی دارند
- ارایه‌ی مشوق‌های مالی و غیرمالی
- بهبود بخشیدن دسترسی به منابع مالی و دسترسی به خدمات بانکی به منظور حمایت از صنعت و شرکت‌های خرد و متوسط
- تقویه بسته‌های تشویقی برای تولیدکننده‌های داخلی در جهت حمایت از تجارت و سرمایه‌گذاری داخلی
- شناسایی سرمایه‌گذاری‌هایی که توان فایق آمدن بر ناکامی‌های بازار را دارا هستند، مثل تهیه انرژی ارزان، تجمع بهتر کالاها، ارایه‌ی کمک در قسمت دسترسی به سردخانه، بسته‌بندی، تصدیق‌نامه، حمل و نقل و معلومات در باره‌ی بازار
- بهبود وضعیت برخورداری از خدمات مالی
- تسریع ایجاد حوزه‌های ویژه‌ی اقتصادی و زراعتی-صنعتی
- به‌کارگیری هر چه بیشتر مشارکت عامه و خصوصی به شمول دادن امتیاز انحصاری



1 . رشد و پیشینه صنعت

1. وضعیت و پیشینه رشد و مشکلات در تعویض واردات

این قسمت وضعیت اقتصاد کلان را ارائه نموده که در آن تعویض واردات صورت خواهد گرفت. در یک محیط متغیر رشد و سرمایه گذاری، جایی که میزان سرمایه گذاری بوسیله هزینه های بلند تولید (زمین و برق)، شمولیت ضعیف مالی و دسترسی محدود به کمکهای کاهش خطرات با موانع روبرو میشود، به یک چارچوب تشویقی جدید نیاز است. طوریکه در قسمت های بعدی مشاهده خواهد شد، واردات بسیاری از اقلام صنعتی پیشنهادی معنی واقعی آن روبه کاهش بوده گرچه طبق ارقام سال 2016، ظرفیت برای تعویض وجود دارد.

1.1. مقدمه

وزارت اقتصاد یکجا با سایر ادارات حکومتی از نزدیک کار نموده و میخواید تا به ایجاد شرایط مساعد کاروبار و تجارت در افغانستان کمک نموده، تولیدات داخلی و رشد اقتصادی را تشویق کرده، فرصت های کاری را توسعه داده، و عدم توازن تجارت را کاهش دهد. برای این کار، این وزارت برای تسریع تجارتی سازی زراعت که با توسعه صنعتی در مقیاس کوچک همراه بوده کار نموده تا صنعتی سازی جایگزین واردات را افزایش دهد. چنین یک شیوه همچنان میتواند نابرابری در عواید و مصرف را کاهش داده و به حکومت در تحقق اهداف آن برای خودکفایی تا سال 2024 که توسط اهداف ذیل تقویت میگردد، کمک نماید:

- میزان رشد 9 درصد تا سال 2024 (در ظرف 6 سال)،
- بهبود قابل ملاحظه بیلانس تجارت،
- بکارگیری روزافزون سرمایه خصوصی برای انکشاف،
- توسعه و افزایش صادرات به 2 میلیارد دالر امریکایی تا سال 2024 (در ظرف 6 سال)،
- افزایش عواید داخلی به 8 میلیارد دالر امریکایی تا سال 2024 (در ظرف 6 سال) و
- کاهش فقر به شمول عرضه های عقب ماده (درازدت).

برای تحقق این مامول، وزارت اقتصاد سند "افغانستان مولد- ستراتیژی تعویض واردات (2019-2025) - افغانی سازی، صنعتی سازی- تجارتی سازی" که درین سند بنام ستراتیژی یاد میشود، را پیشنهاد مینماید. این ستراتیژی بر تسریع روند افزایش تولیدات داخلی مبتنی بر عرضه بالقوه مزیت آشکار نسبی افغانستان متمرکز می باشد. این ستراتیژی از ستراتیژی جدید ملی صادرات افغانستان: "صلح از طریق شگوفایی- شگوفایی از طریق تجارت" ³¹ حمایت مینماید.

چالشهای موجود عبارت اند از:

- رشد اقتصادی کند (معلومات و ارقام اداره ملی احصائیه و معلومات نشان میدهد که در مقایسه با سال های گذشته، تولید ناخالص داخلی فقط 2.9 رشد داشته است)،
- میزان بلند بیکاری 24 درصد ³²، و
- میزان بلند عدم توازن تجارت (صادرات افغانستان فقط 1.2 میلیارد دالر امریکایی بوده در حالیکه واردات آن به 9 میلیارد دالر امریکایی بالغ میگردد که این کار منجر به بیلانس منفی تجارت یعنی 7.81 میلیارد دالر امریکایی در سال 2016 شده است)

افغانستان محل نامناسب برای کاروبار و سرمایه گذاری بوده که در شاخص کسب و کار در رده بندی 183 قرار داشته که بسیار پایین تر از حد اوسط رده بندی 159 برای کشورهای جنگ زده و دارای شرایط شکنند و بحرانی بوده است. چالشهای دیگر شامل ناامنی جاری در کشور (که باعث کاهش تولید، افزایش در زنجیره ارزش و دسترسی به بازار میگردد)، بی ثباتی سیاسی، اتکا روی کمکهای خارجی (که بازارها را به بیراهه میبرد) و وابستگی بیش از حد بالای سکتور زراعت برای اشتغال (در حدود 40 درصد نیروی کار در بخش زراعت مشغول کار است ³³) میشود. افغانستان همچنان از خلای بزرگ پس انداز- سرمایه گذاری آینه عدم توازن تجارت) رنج برده، میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی پایین بوده و فرار سرمایه به کشورهای چون ترکیه و امارات متحده عربی نقدینگی داخلی برای سرمایه گذاری را هرچه بیشتر کم ساخته است.

در سال 2017 (بصورت واقعی) و در سال 2018 (بصورت پیشبینی شده) میزان رشد تولید ناخالص داخلی به اساس تخمین صندوق بین المللی پول در حدود 2.5 درصد بوده گرچه با تورم پولی 5 درصد و میزان رشد نفوس 2.7 درصد، تاثیر رشد برای پیشرفت و کاهش فقر کافی نمیباشد. افزایش تولید داخلی از همین جهت باید در صدر پالیسی حکومت قرار داشته باشد. میزان فقر در کشور در حدود 55 درصد بوده است. چون ³⁴ کالاهای اساسی که به خارج صادر میشوند دارای گواهینامه رسمی نبوده، قیمت صدور

³¹ ستراتیژی ملی صادرات شش سکتور دارای اولویت را که دارای امکانات بلند برای صادرات، ایجاد اشتغال و نوآوری بوده شناسایی میکند: میوه های خشک، میوه های تازه و سبزیجات، زعفران، سنگ مرمر و گرانیت، قالبین، سنگهای قیمتی و زیورات. برای هر یکی از این شش قلم، این ستراتیژی به اصلاحات پالیسی و سرمایه گذاری سازمانی آغاز کرده تا به مشکلاتی فایز گردد که در حال حاضر مانع کار تشبثات کوچک و متوسط برای استفاده از امکانات کامل شان برای تجارت میگردد.

³² سروی شرایط زندگی در افغانستان سال 1395، اداره ملی احصائیه و معلومات

³³مانند معلومات فوق الذکر

کالاها پایین بوده و بسیاری از کالاها ازین سبب به قیمت بلند به کشورهای سوی دویاره صادر میشوند. عرصه اساسی انکشاف در آینده، در صورتیکه تعویض واردات ممکن گردیده و بیلانس تجارت کنترول شود، تمرکز روی زنجیره ارزش و انکشاف شبکه کالا، جایی که مزیت آشکار نسبی کالاها مثبت بوده و در حالت دلخواه گرایش صعودی داشته باشد، خواهد بود. به عبارت دیگر، گرچه تقویت تولید داخلی برای رشد مهم بوده، ولی اقتصاد باید در حال حاضر با استفاده از وضعیت ضعیف پول افغانی به سرعت متنوع ساخته شود. بر علاوه، طوریکه این ستراتیژی واضح میسازد، به عوض تمرکز روی ظرفیت سازمانی و سایر اصلاحات اساسی، بهتر است تا موانع اساسی از سر راه تولید و توسعه بازار برداشته شوند.

چالشهای فوق الذکر پیچیده و در اصل دارای چندین بخش بوده و در صورتیکه در سطح کل حکومت - در حقیقت تلاشها در سطح تمام بازار - برای رفع آنها صورت نگیرد، غلبه بالای آنها ناممکن است. از همین جهت، ستراتیژی غلبه بر این چالشها باید چندجانبه باشد. این ستراتیژی از رشد اقتصادی، انکشاف و تقویت کالاهای داخلی و کاهش در واردات (که هم اکنون صورت میگیرد) و افزایش صادرات (و ازین طریق بهبود بیلانس تجارت) مستقیماً حمایت میکند. تصرف بازارهای افغانی از طریق تولیدات داخلی باعث ایجاد شغل های دایمی شده، و ازین طریق بصورت بالقوه میزان فقر را کاهش میدهد. شغل های دایمی بیشتر و رشد اقتصادی بالا به مرور زمان اتکا روی کمکهای خارجی را کاهش داده و باعث خودکفایی درازمدت خواهد شد. این کار با دیدگاه چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که توسط رهبری حکومت وحدت ملی اعلان شد، مطابقت دارد. ستراتیژی هدفمند و فعال برای تولیدات داخلی هم اکنون میتواند گامی در جهت رسیدگی به مسئله عدم توازن سکتوری درازمدت بوده باشد. در مجموع، این ستراتیژی باعث ثبات بیشتر، معیارهای بهتر زندگی، کاهش فعالیتهای غیرقانونی، و پیشرفت در جهت خودکفایی درازمدت برای اقتصاد افغانستان خواهد شد.

در مطابقت با این دیدگاه مبتنی رشد، بالابردن میزان عواید داخلی که در چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان روی آن تاکید شده، این ستراتیژی روی شرکت های داخلی تولیدی (تثبثات کوچک و متوسط و شرکتهای بزرگ) تمرکز نموده و آنها را به مثابه نیروی محرکه برای رشد تلقی میکند چون این شرکتهای اشخاص را استخدام کرده و باعث ایجاد سود خالص شده و در نهایت به رشد تولید ناخالص داخلی کمک میکنند. وزارت اقتصاد وظیفه دارد تا تطبیق این ستراتیژی را هماهنگ سازد.

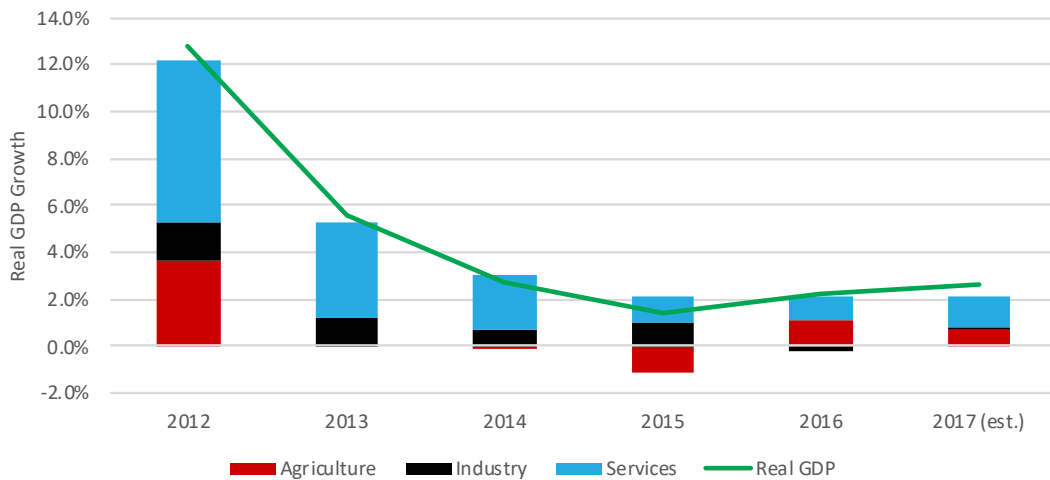
دلایل زیادی برای پیشنهاد این ستراتیژی که روی افزایش تولیدات داخلی متمرکز میباشد، وجود دارد. افغانستان، طوریکه قبلاً ذکر شد، دارای کسر کلان تجارتی بوده که در اثر توریید اجناسی که در کشور موجود بوده و یا به آسانی میتوان آنها را در داخل تولید کرد، بوجود آمده است. اینکار نشاندهنده یک فرصت کلان برای تسخیر بازارهای اجناس وارداتی از طریق تعویض کالاهای وارداتی توسط تولیدات داخلی میباشد. در زمینه صادرات، همچنان فرصتها برای افزایش تولید و صدور اجناسی که در آنها افغانستان دارای برتری نسبی و ظرفیت برای افزایش صادرات میباشد، وجود دارد. ضرور است در زمینه عرضه اقداماتی برای کمک به کارایی و مولدیت بیشتر صورت گرفته و همچنان در زمینه تقاضا اقداماتی جهت تشویق روند انتقال از واردات به تولیدات داخلی رویدست گرفته شود.

1.2. رشد اقتصادی نوسانی و متکی بر زراعت

تولید ناخالص داخلی در افغانستان نوسانی بوده است. بخشی ازین نوسانات نتیجه ناامنی بوده ولی بخش اعظم آنها از خشک سالی های دوامدار و سرمایه گذاری محدود در بخش مدیریت آب که اقتصاد کشور را در برابر خشک سالی حفاظت کند، ناشی میشود. افزایش تولید داخلی مهم بوده و همچنان مهم است تا برای کاهش خطرات خشک سالی های دورانی اقتصاد کشور را ضد خشک سالی ساخت. در نتیجه، عاید سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی در افغانستان در سال 2016 مبلغ 676 دالر امریکایی و تولید ناخالص داخلی واقعی به 2.1 درصد³⁵ افزایش یافت. مطابق تخمین صندوق بین المللی پول عاید سرانه تولید ناخالص داخلی در سال 2016 مبلغ 561 دالر امریکایی بوده است. تخمین های تازه از اداره ملی احصائیه و معلومات نشان میدهد که عاید سرانه در سال 2017 به 2.6 درصد افزایش یافته در حالیکه در سال 2009 در بالاترین حد 20.6 درصد بوده ولی در سال 2015 قبل از بهبود اندک آن در سالهای 2016 و 2017 به پایین ترین حد خود رسید (به چارت یک مراجعه کنید).

خط فقر نشاندهنده نورم ملی برای هزینه است که نیازهای اساسی به شمول مواد غذایی عرضه کنده 2100 کیلوکالوری برای هر شخص در هر روز و همچنان مصارف ضروری غیر غذایی روی مسکن، لباس، معارف و حمل و نقل را شامل میگردد. در سال 1395، خط فقر برای هر نفر در هر ماه 2064 افغانی بوده که در حدود یک دالر امریکایی در روز به نرخ فعلی تبادل دالر به افغانی میشود. بین سالهای 1390 و 1395، میزان فقر در کشور از 38.3 درصد به 54.5 درصد افزایش داشته است.

چارت شماره 1. رشد تولید ناخالص داخلی (2012-2017) و سهم سکتورها دران



منبع: بانک جهانی (سال 2018)

دلیل عمده نوسانات در میزان رشد تولید ناخالص داخلی افغانستان در 15 سال گذشته اتکای بیش از حد آن بالای سکتور زراعت بوده چون این بخش اقتصاد تا اندازه زیادی وابسته به میزان بارنده گی و مدیریت آب (طور مثال در سال 2009 بارندگی کافی صورت گرفت که میزان رشد را به بالاترین حد آن یعنی 20.6 درصد رساند) بوده است. میزان رشد تولید ناخالص داخلی با رشد و یا کاهش در سکتورهای زراعتی و غیرزراعتی و برعکس آن رابطه مستقیم دارد. زراعت تا حد زیادی وابسته به بارنده گی و مدیریت موثر آب بوده در حالیکه بخش معادن وابسته به اعطای امتیازات و متصدیان فعال درین بخش میباشد. رشد تولید ناخالص داخلی طی سالهایی که رشد زراعت در آنها بلند است، بهبود می باید. در چارت شماره دوم در ذیل این موضوع نشان داده شده است. در مقایسه با حد اوسط میزان رشد جهانی، افغانستان در مقایسه با سایر کشورهای روبه انکشاف دارای بالاترین رشد بوده است. ولی، از سال 2012 به بعد، افغانستان نسبت به کشورهای روبه انکشاف سطح پایین رشد را داشته است. این بدتر شدن رشد بخصوص ناشی از کم شدن مصارف نظامیان خارجی در افغانستان در نتیجه کاهش تعداد سربازان خارجی و همچنان بی ثباتی سیاسی در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال 2014 و بعد از آن بوده است. پیشبینی ها برای پنج سال آینده نشاندهنده افزایش طور اوسط 2.3 درصد رشد بوده در حالیکه این رقم برای بهبود معیارهای زندگی و مقابله با فقر کافی نیست. تخمین های صندوق بین المللی پول (به چارت شماره 3 ذیل مراجعه شود) حالت های رشد را تا سال 2023 ارائه نموده که طبق پیشبینی های برنامه تمدید شده کردیت، میزان رشد تا سال 2023 بین 2.5 درصد تا 5 درصد خواهد بود البته در صورتیکه وضع امنیتی بدتر نشده، اصلاحات ادامه یافته و تغییرات منفی در میزان کمکهای خارجی صورت نگیرد.

چارت شماره 2: سناریوهای رشد تولید ناخالص داخلی (2015-2023)



منبع: لحمین صندوق بین المللی پول (ماه می سال 2018)

چون زراعت تجارتی یکی از بخش های بالقوه بوده که میتواند به افزایش میزان رشد تولید ناخالص داخلی کمک نماید، اقداماتی در سکتورهای موردنظر که درین ستراتیژی پیشنهاد شده- چون سیستم آبیاری، شبکه های ذخیره و توزیع آب میتوانند باعث بهبودی

در میزان فقر بخصوص در مناطق روستایی که در آنها زراعت تجارتی بسیار مهم است، گردد. سهم زراعت در اقتصاد افغانستان مهم بوده مگر تحت سلطه دهاقین کوچک قرار داشته و از همین جهت، نیاز است تا زراعت تجارتی در تمام عرصه ها همراه با صنعتی سازی کوچک توسعه یابد. زراعت بعد از سکتور خدماتی دومین ستون بزرگ اقتصاد افغانستان بوده که سهم آن در تولید ناخالص داخلی 25 درصد بوده ولی این درصدی حتی بالاتر خواهد شد در صورتیکه پروسیس محصولات زراعتی شامل آن گردد.

سکتور زراعت در حدود 40 درصد نیروی کاری افغانستان را استخدام نموده و نزدیک به 80 درصد نفوس کشور را مورد حمایت قرار میدهد. افغانستان در سالهای قبل عمده ترین عرضه کننده محصولات باغداری به بازارهای جهانی محسوب میشد. باغداری به علت تنوع اقلیمی با انواع مختلف محصولات، با دوره های طولانی و مرحله پی برداشت حاصل که برای صادرات مفید است، زمین های نسبتاً حاصلخیز، و موجودیت آبهای زمینی بخش عمده اقتصاد افغانستان بوده است. در سالهای 1970، افغانستان بیشتر از 30 درصد همه زردآلوی خشک، 18 درصد کشمش، 12 درصد پسته، و نزدیک به 6 درصد انگور و زردآلوی تازه بازارهای جهانی را تامین میکرد. به ارتباط معادن (که به علت ناامنی های جاری، زیربنای ناکافی، و کاهش قیمت محصولات در سطح جهانی)، چون ابتکار شفافیت صنایع استخراجی بیشتر انکشاف داده میشود، قانون معادن تحت بازنگری قرار دارد.

1.3. بیلاس تجارت، ترکیب واردات و کشورهای مبدا

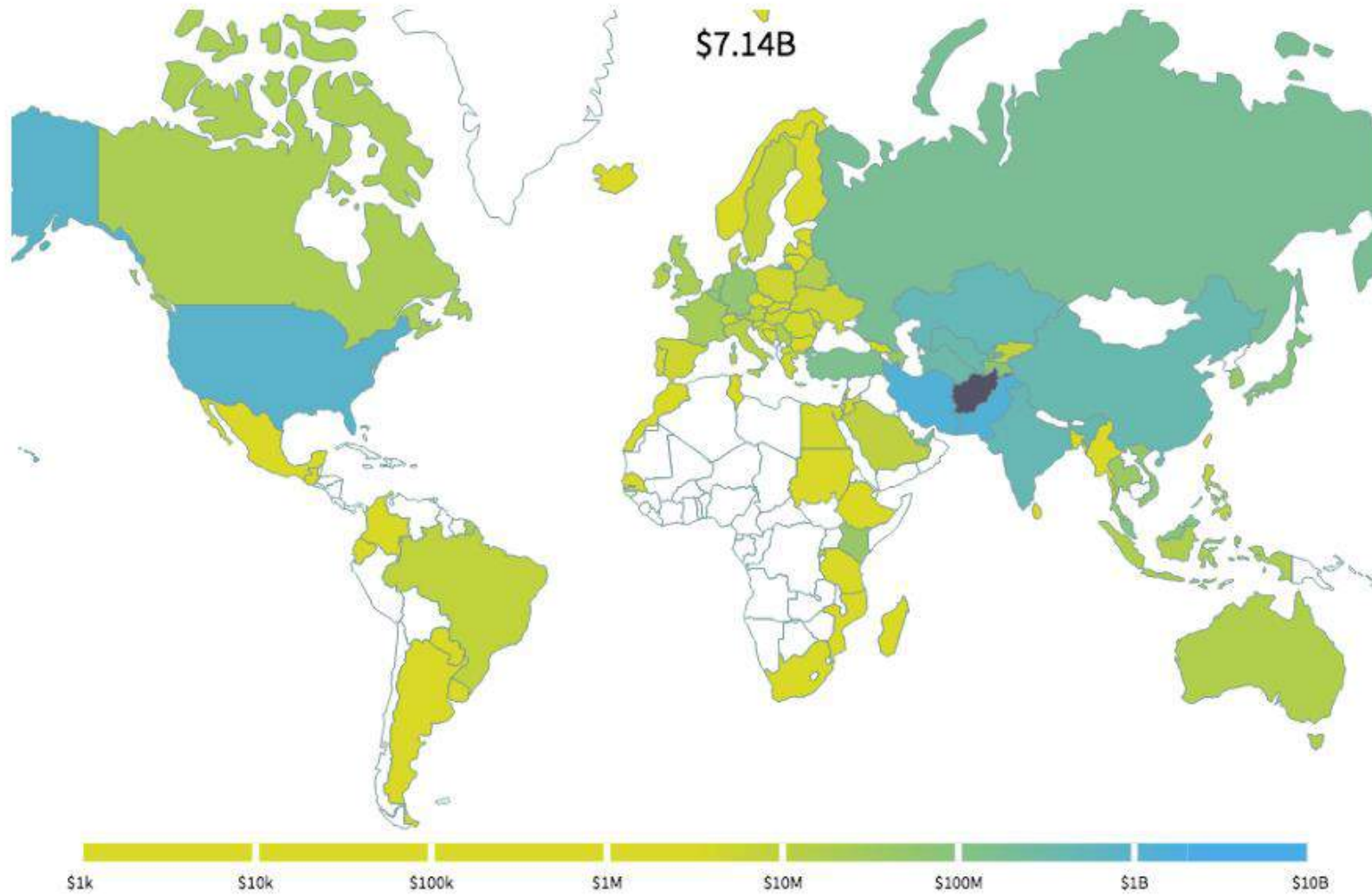
در حالیکه صادرات درین مدت بصورت قابل ملاحظه افزایش یافته (قسماً در نتیجه کاهش بها)، ولی نتوانسته با واردات رقابت کنند که این کار منجر به کسر بزرگ تجارتی شده است. طبق معلومات بانک جهانی، طی سالهای 2012-2016، صادرات اجناس و خدمات افغانستان از 1.13 میلیارد دالر امریکایی به 1.34 میلیارد دالر امریکایی افزایش یافته که فقط 18.5 درصد افزایش را نشان میدهد. واردات هم با عین میزان (18.7 درصد) از 8.04 میلیارد دالر امریکایی به 9.54 میلیارد دالر امریکایی افزایش یافته است. ساختار کسر تجارتی در اجناس و خدمات در سالهای اخیر در حدود 40 درصد تولید ناخالص داخلی بوده که در سال 2016 به 42.1 درصد رسیده ولی صادرات در سال 2016 فقط به 6.9 درصد تولید ناخالص داخلی بالغ گردیده است. خوشبختانه ذخایر ارز خارجی بیشتر از 8.2 میلیارد دالر امریکایی بوده که میتواند واردات کالا را طی یکسال تحت پوشش قرار دهد. جریان بزرگ کمکهای خارجی (به شمول کمک های حکومتی امریکا که تا هنوز در اقتصاد کشور ردیابی نشده) به کشور، قدرت خرید مردم را تقویت کرده که این کار منجر به چنین عدم توازن شده است. اثر منفی این وضعیت اینست که باوجود اینکه حکومت و کمک کننده گان بین المللی از افزایش اشتغال در داخل کشور ناامید شده اند، افغانستان در خارج از کشور اشتغال زایی میکند. ترکیب واردات افغانستان در سال 2016 در ذیل ارائه شده که نشاندهنده وابستگی به کالاهای وارداتی بوده که تعدادی از آنها را نمیتوان در داخل کشور تولید کرد (طور مثال وسایط زرهی) ولی عده را میتوان در داخل تولید کرد (طور مثال آرد گندم).

شکل یک. افغانستان- ترکیب واردات (2016)



در شکل دوم ذیل مبدای واردات برای افغانستان نشان داده شده که بر اهمیت تجارت در یک منطقه وسیع تر تاکید مینماید. بسیاری از اجناس وارداتی از ایالات متحده امریکا دارای ارزش افزوده بالا هستند.

شکل 2. میدای واردات افغانستان (2016)



طوریکه در چارت 3 ذیل نشان داده شده، واردات و صادرات اجناس و خدمات خیلی متغییر و غیرقابل پیشبینی بوده که در نتیجه مسیر بسوی تعویض واردات و تقویت صادرات هیچگاه بسیار مهم نبوده است. گرچه تریاک با داشتن ارزش 2 میلیارد دالر امریکایی کالای صادراتی رسمی نبوده ولی معامله آن به افزایش قدرت خرید ملی تا حد زیادی کمک میکند. تعویض اقتصاد تریاک فقط بعد از باز شدن بازارهای رسمی برای صادرات با محصولات قابل داد و ستد تایید شده و مطابق با شرایط سازمان تجارت جهانی امکان پذیر میباشد.

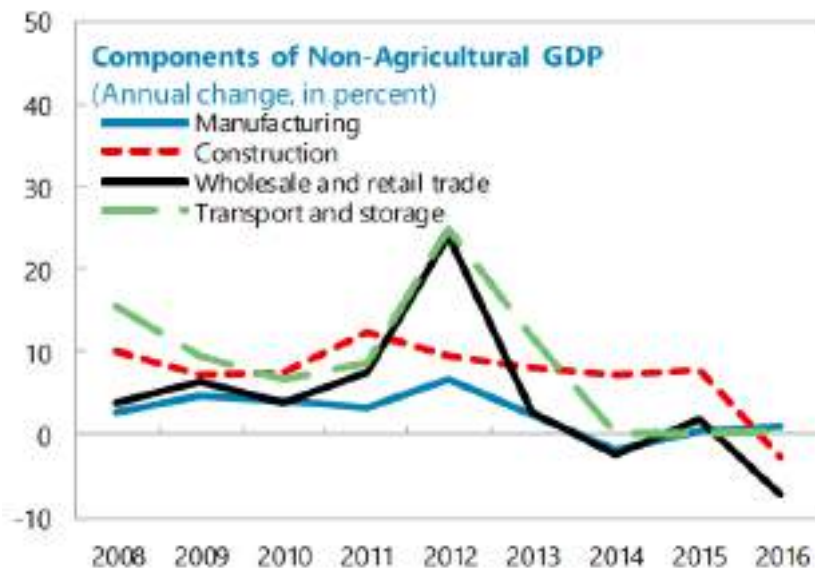


منبع: تخمین های صندوق بین المللی پول (ماه می 2018)

1.4 سهم سکتور تولید و صنعت در تولید ناخالص داخلی

میزان تولید بین سالهای 2002 و 2005 به سرعت افزایش یافته که سپس بین سالهای 2005 و 2011 دوبرابر شد ولی از سال 2012 به بعد میزان تولید، تولید ناخالص داخلی، بصورت دوامدار کاهش یافته که در چارت شماره 4 ذیل نشان داده شده است. ارزش تولید، ارزش افزوده (فیصدی رشد سالانه) در افغانستان تا سال 2016 به اندازه 1.02 بوده ولی در سالهای اخیر تولید در سال 2012 به ارزش اعظمی آن یعنی 7.32 درصد افزایش یافته درحالیکه در سال 2014 به پایین ترین حد یعنی 2.49 تقلیل یافته است. کاهش به مثابه فیصدی تولید ناخالص داخلی در تمام سکتورها مشاهده شده که نشاندهنده کاهش در میزان کمکهای خارجی و بدتر شدن شرایط تجارت میباشد. بهبود این وضعیت مستلزم ثبات بیشتر سیاسی و امنیت، کنترل بیشتر بالای نرخ تبادل اسعار خارجی و تلاش بیشتر در جهت غلبه بر مشکلات اقتصاد کوچک که سرمایه گذاری داخلی را محدود میسازد، میباشد.

چارت شماره 4. عناصر متشکله رشد غیرزراعتی



1.5. اصلاحات در بخش تجارت

حکومت در بخش ایجاد شرایط مساعد برای تجارت به اصلاحات مهمی چون تصویب قانون برق، پالیسی دسترسی باز به فابریک نوری، قانون مشارکت عامه و خصوصی و تهیه پالیسی ملی تجارت مبادرت ورزیده است. علاوه بر کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی، حکومت به گشایش دهلیزهای هوایی اقدام نموده و دسترسی به زمین برای صنایع را از مجاری مختلف یعنی ایجاد پارکهای صنعتی، زونهای خاص اقتصادی، زونهای اقتصادی رایگان، زونهای تجارتي رایگان، زونهای طی مراحل صادرات و پارکهای زراعتی افزایش داده است. تاکنون، در 18 ولایت کشور به تعداد 26 قطعه زمین به این منظور اختصاص داده شده است. با کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی و تصویب ستراتیژی ملی صادرات، انتظار می رود فعالیت های تجارتي افزایش یابد. علاوه بر تصویب ستراتیژی ملی صادرات، حکومت پالیسی ملی تجارت افغانستان، برنامه ملی دارای اولویت انکشاف جامع زراعت و منشور زراعت تجارتي را تصویب نموده که هدف همه آنها حمایت از شبکه کالا و انکشاف زنجیره ارزش میباشد.

علیرغم کارهای فوق الذکر، شرکتها از وجود مشکلات در سطوح مختلف شکایت دارند. طبق سروی تشبثات افغانستان (2014) دسترسی به مواد مهم تولیدی مانع رشد تجارت میشود ولی دسترسی به زمین، منابع مالی و برق ارزان به مثابه عوامل مهم ممانعت کننده مشخص شده است. در برنامه انکشاف سکتور خصوصی ذکر شده که دسترسی به زمین صنعتی سرمایه گذاری را تضعیف ساخته، و پالیسی جدید پارکهای صنعتی همراه با قانون مشارکت عامه و خصوصی امتیازات بزرگی را به تجار اعطا مینماید. برای انجام اینکار، هزینه انجام تجارت باید کاهش یافته، موانع بر سر راه سرمایه گذاری کاهش داده شده و نرخ درآمد مالی به سطحی رسانده شود که پاداش بیشتر از خطر باشد.

1.6. اشتغال

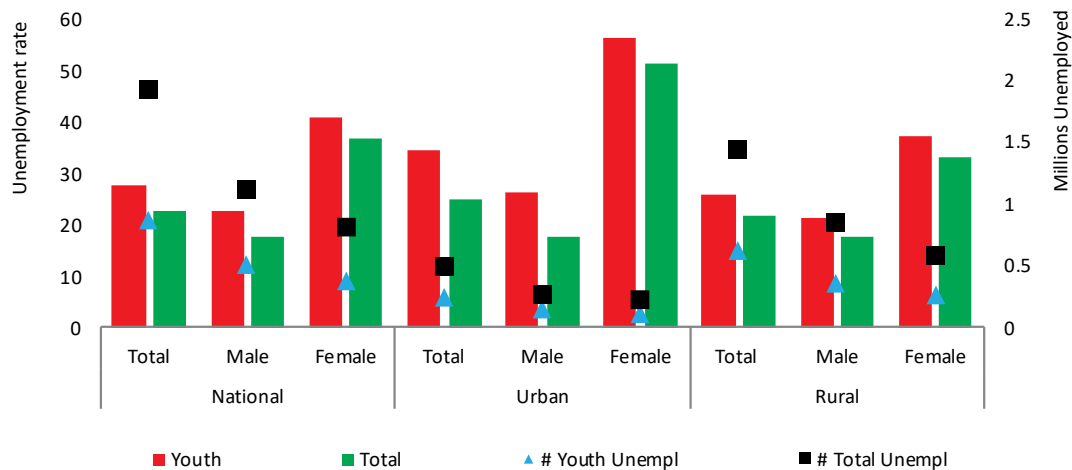
نتایج سروی شرایط زندگی در افغانستان (سال 1395) نشان میدهد که در مجموع 24 درصد نیروی کاری در کشور بیکار بوده، در حالیکه درصدی زنان بیکار در کشور در سطح بسیار بالای 41 درصد قرار دارد. علاوه برین، بیشتر از 400 هزار افغان همه ساله به بازار کار داخل شده که به عرضه بیش از حد در نیروی کار افزوده میشود. سهم جوانان بیکار، بدون تحصیل و بدون آموزش نشاندهنده میزان بلند بیکاری در میان جوانان افغانستان میباشد. میزان بیکاری و عدم تحصیل و آموزش برای زنان و مردان در حدود 42 درصد بوده ولی برای زنان در حدود 68 درصد میباشد. مشکلات مرتبط با بازار کار بدتر از آنست که درین شاخصها نشان داده شده است. این تدابیر شامل کیفیت شغلها، تکافوی معاشات، و شرایط کاری در افغانستان نمیشود. طور مثال، 20 درصد نیروی کار دارای شغل به عنوان نیروی بیکار طبقه بندی شده³⁶ است. این بدان معنی است که 1.3 میلیون اشخاص دارای شغل دارای شغل های تمام وقت نبوده و شاید هم آسیب پذیر و غیرمحموظ بوده باشند.

در قدم اول، اکثریت افغانهای روستایی برای معیشت شان وابسته به زراعت هستند.³⁷ زراعت در حدود 40 درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده و آنرا در صدر اقتصاد ملی افغانستان قرار میدهد. اقلیم طبیعی کشور به رفاه افغانهای روستایی که برای معیشت شان به زراعت متکی اند، مساعد نیست. زمین قابل زرع سرانه و میزان بارندگی کم بوده و شرایط اقلیمی در بسیاری از مناطق افغانستان دشوار میباشد. فقر در افغانستان همچنان به کیفیت پایین زیربنا و سرعت کند انکشاف زیربنایی ارتباط دارد. در نتیجه، طبق معلومات بانک جهانی، 75.6 درصد افغانهای فقیر بیسواد بوده و مردم فقیر دسترسی کمتری به برق (63.8 درصد)، آب آشامیدنی پاک (40.3 درصد)، و بهداشت (2.8 درصد) دارند. (بانک جهانی، سال 2015). بانک جهانی دریافته که "به هر اندازه که وضعیت مالی رئیس خانواده بیشتر باشد، به همان اندازه خطر فقیر بودن آن پایین تر است." (بانک جهانی، سال 2015). به این ترتیب، آنهایی که در روستاهای افغانستان زندگی میکنند و دسترسی کمتری به معارف دارند، دارای خطر بلند زندگی در فقر میباشد. (بانک جهانی، سال 2015).

³⁶ اشخاصی که در هفته برای کمتر از 40 کار میکنند ولی حاضر اند تا برای ساعات بیشتر کار کنند.

³⁷ اندازه اوسط مزرعه بین 2 تا 5 جریب (0.4 تا 1.0 هکتار) برای مولدین کوچک، از 5 تا 10 جریب (1.0 تا 2.0 هکتار) برای مولدین بزرگ بوده است. بسیاری از دهاقین فقیر برای امنیت غذایی خانواده های شان غله کشت میکنند. 80 درصد غله را گندم تشکیل داده (در حدود 45 درصد کل زمین برای کشت گندم را زمین آبی تشکیل میدهد) و 70 درصد مجموع مصرف غله را در سطح ملی گندم احتوا میکند. گندم از مهمترین حاصلات از نظر تولید زراعتی و هم از نظر مصرف منجبت ماده غذایی برای افغانها میباشد (بانک جهانی، راه بسوی رشد همه جانبه، سال 2014)

چارت شماره 5: میزان بیکاری به اساس جنسیت در مناطق شهری و روستایی



بیکاری/کمکاری یک پدیده چندجانبه بوده که شماری از عوامل آن شامل ذیل اند: کمیت و کیفیت پایین کارها، سطح پایین مهارتها و عدم تطابق مهارتها، و همچنان نبود اسناد تایید شده آموزش تکنیکی و عمومی. در همسویی با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، سکتورهای باید شناسایی شوند که اشتغال را تقویت نموده و شغل های ثابت و درازمدت را ایجاد کنند. از همین جهت، دیدگاه برای طرح پروژه های انکشافی باید رشد پایدار و ایجاد شغل های بیشتر دایمی بوده باشد.

1.7. رشد نفوس

افغانستان دارای یکی از جوانترین نفوس در جهان بوده که نزدیک به 46.2 درصد (14.32 میلیون نفر) نفوس (31 میلیون نفر) آن زیر سن 15 سال قرار دارد. میزان رشد نفوس کشور سالانه 2.14%³⁸ درصد بوده است. به اساس این نرخ، نفوس افغانستان در 25 سال آینده دوبرابر خواهد شد. رشد سریع نفوس دو نگرانی را ایجاد میکند: 1) رشد کند تولید ناخالص داخلی ناپایدار بوده و باعث کاهش عواید برای بسیاری از مردم و همچنان افزایش میزان فقر شده که این کار در سالهای اخیر صورت گرفته است، و 2) طبق ارقام اداره مرکزی احصائیه، افغانستان دارای ضریب بسیار بالای 99 وابستگی بوده و این بدان معنی است که برای هر صد نفر بین 15 و 64 سال، 99 نفر دیگر در گروپ وابسته زیر سن 15 و بالاتر از 65 سال موجود اند. برعکس، در سال 2016، رقم اوسط در جهان 64 بوده است. ضریب بسیار بالای وابستگی به این معنی است که فیصدی نفوس که شامل نیروی کار نمی باشد، بسیار بالا است. داشتن نفوس بسیار جوان بار اضافی بالای اقتصاد تلقی شده گرچه این کار در صورتیکه با هوشیاری و به اساس یک ستراتیژی و پالیسی فعال که روی سرمایه گذاری در سرمایه بشری و تحقیق و انکشاف تاکید می ورزد، صورت گیرد میتواند نتایج مثبت داشته باشد. میزان بلند بیکاری در میان جوانان باعث عقبگرد و بی ثباتی در کشور میشود.

1.8. رقابت و تجارت عادلانه

تجارت و شیوه های کار غیر عادلانه، سرمایه گذاری را کاهش داده و در اکثر موارد باعث تجمع سکتورهای شده که تعداد زیاد شرکتها در آنها رقابت میکنند. محصولات نامرغوب در بازار افغانستان، که نتیجه اجرای ضعیف مقررات و قوانین بوده، امکانات توسعه شرکتها داخلی را تضعیف میسازد. بزرگترین خطر به کارکرد دولت بخصوص در مشارکت عامه و خصوصی و وضعیت تاسیسات صنعتی مربوط شده جایی که ترجیحات غیر عادلانه میتواند به سود بعضی از شرکتها تمام شده درحالیکه این کار دیگران را متضرر میسازد. برعلاوه، با توجه به موجودیت تصدیهای دولتی، بخش اعظم اقتصاد کشور در حقیقت از خدمات دولتی برخوردار شده، و برتری رقابتی تولیدکننده گان و عرضه کننده گان بازار را کاهش میدهد. علاوه برین، طوریکه در ستراتیژی ملی صادرات ذکر شده، ایجاد یک سیستم موثر سنجش ملی برای یقینی ساختن تجارت عادلانه و تضمین کیفیت مهم میباشد. در حال حاضر، "هیچ اداره برای حفظ معیارهای ملی اندازه گیری و اطمینان از ردیابی اندازه گیری در کشور وجود ندارد." (ستراتیژی ملی صادرات، صفحه 40)

1.9. هزینه بالای تولید

یکی از اثرات جریان بزرگ کمک های خارجی به اقتصاد کشور، بخصوص کمکهای انکشافی، تاثیر تورمی بالای دستمزدها و قیمتها در نتیجه تقاضای تقابلی بوده است. برعلاوه، اندازه وابستگی افغانستان بالای واردات و کاهش ارزش پول افغانی در برابر اسعار خارجی به این معنی است که افغانستان همچنان تورم را به کشور وارد میکند. صندوق بین المللی پول پیشبینی میکند که در سال 2018، مانند سال 2017، میزان تورم پولی بصورت اوسط 5 درصد بوده که این کار باعث کاهش تولید ناخالص داخلی واقعی خواهد شد. همچنان، با توجه به نبود زیربنای زنجیره ارزش، تفاوت زیاد در انجام تجارت و سایر مشکلات مانند نامنی، هزینه کسب و کار در افغانستان بسیار بلند باقیمانده که این کار افزایش تولید و توسعه صادرات را کاهش میدهد. همچنان تولید تریاک گسترش سایر بخش های کمتر سودآور را تضعیف نموده و باعث از دست دادن فرصتهای تنوع میشود. پایین آوردن

³⁸ اداره ملی مرکزی احصائیه، سال 1395

هزینه های تولید- شامل کاهش در تعرفه های وارداتی برای کالاهای مهم- و همچنان پایین آوردن هزینه های معاملات میان بازارها از طریق زیربنای بهتر مهم میباشد.

1.10. کاهش ارزش پول

در سال 2011، پول افغانی در مقابل دلار امریکایی به 43 افغانی تبادل می‌شد، مگر تا ماه اکتوبر 2018 پول افغانی 60 درصد ارزش خویش را از دست داده و ارزش آن در مقابل دلار امریکایی به 75 افغانی کاهش یافته که عمدتاً نتیجه قوی بودن دلار بوده است. در سالهای اخیر ریال ایرانی (در نتیجه وضع تعذیرات) و روپیه پاکستانی همچنان در برابر افغانی ارزش خویش را از دست داده که این کار صدور کالاها را به شرکای اصلی تجاری گرانتر ساخته است. نرخ واقعی تبادل به جریان کمکهای خارجی ارتباط داشته و دلری شدن بیش از حد، پلانگذاری سرمایه گذاری را برای واردکننده گان و صادر کننده گان مشکل ساخته است. میزان صادرات از اثر کاهش اخیر در نرخ واقعی تبادل اسعار به علت مشکلات داخلی عرضه (دسترسی به منابع مالی، برق، زمین و غیره)، هزینه های بلند ثابت (به سبب مشکلات امنیتی) و دسترسی محدود به بازارهای جهانی تا اندازه زیادی تغییر نکرده است. کمکهای بین المللی همچنان تأثیر قابل ملاحظه توری بالای اجناس و خدمات داشته، و رقابت با بازارهای خارجی را تضعیف ساخته است. افزایش ارزش پول ناشی از کمکهای خارجی همراه با محدودیتها در عرصه سرمایه گذاری بالای تعویض واردات و توسعه صادرات تأثیر منفی داشته است. همچنان، پول افغانی هنوز هم در زمینه تبادل با مشکلات روبرو است.

1.11. شمولیت مالی

با استفاده از چارچوب تشخیص رشد (2005) آقای هوسمن، آر، رودریک، دی و والیسکو، ای (Hausmann, R., Rodrik, D. & Velasco, A)، دسترسی به منابع مالی و هزینه های تمویل شاخص های مهمی اند که توسعه فعالیتها بخش خصوصی را ممکن و یا ناممکن میسازد. افغانستان در عرصه انکشاف بازارهای مالی پیشرفت قابل ملاحظه داشته و نقدینگی بیش از حد در بسیاری از موارد وجود داشته است. در حال حاضر گرچه شاخصهای ثبات مالی برای سکتور بانکی طبق معلومات بانک مرکزی با داشتن 12 درصد وامهای غیرفعال الی ماه مارچ 2018 کارکرد خوب نداشته است. سودآوری بخش بانکی همچنان در نتیجه میزان پایین قرضه دهی طوریکه در ضریبهای بلند نقدینگی منعکس شده، بصورت منفی متأثر شده است. دلایل میزان پایین قرضه دهی- باوجود پایین آوردن نرخ سود توسط بانک مرکزی- نشاندهنده عدم علاقه مندی قرضه گیرنده گان بخش خصوصی و هزینه های بلند تولید میباشد. "عاده رشد کربدیت به اقتصاد کشور، از اواسط سال 2017، تشویق کننده بوده مگر با توجه به کمبود پروژه های سودآور در شرایط دارای خطر بالا، کربدیت پایین تر از 4 درصد تولید ناخالص داخلی باقیمانده است (صندوق بین المللی پول، ماه می 2018).³⁹

³⁹ صندوق بین المللی پول، بازنگری سوم تحت برنامه تمدیدشده کربدیت و درخواست برای تعدیل معیارهای کارکرد- بیانیه مطبوعاتی و گزارش کارمندان (ماه می 2018)



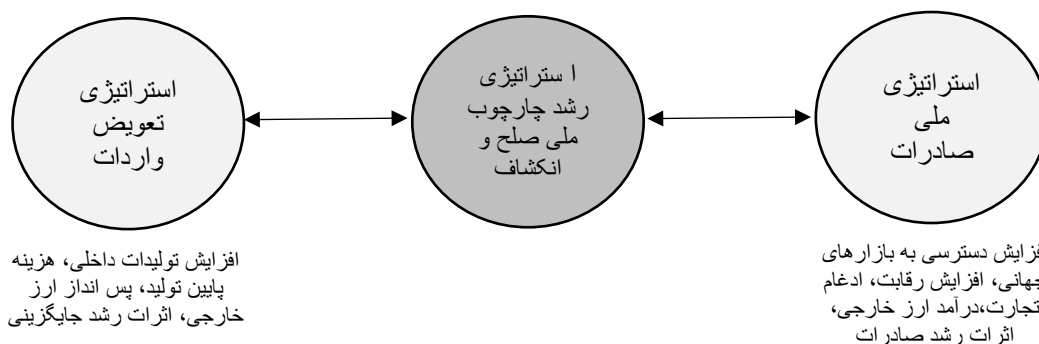
2. ستر ائیزی تعویض واردات

2. ستراتیژی تعویض واردات

با روی دست گرفتن ستراتیژی تعویض واردات و صنعتی سازی، حکومت افغانستان تأثیرات مشوقها و پالیسی های حفاظتی را که توسط کشورهای مختلف اتخاذ شده، بازنگری نموده تا مجموعه تدابیری را رویدست گیرد که به احتمال زیاد رشد داخلی را تقویت میکند. این ستراتیژی روی مدارک موجود به شمول بازنگری اثرات کاهش ارزش پول روی تولید داخلی و افزایش در نرخ تعرفه ها بین سالهای 2011 و 2018 مبتنی بوده که هیچ کدام آنها روی افزایش صادرات و کاهش واردات تأثیر قابل ملاحظه نداشته است.

این ستراتیژی با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که رشد تولید ناخالص داخلی را الی سال 2025 به اندازه 8 درصد و بالاتر آن پیشبینی میکند، مطابقت کامل دارد. بخش اصلی این ستراتیژی شامل کاهش هزینه های تولید و همچنان افزایش بسته های تشویقی برای تولید کننده گان میگردد. این ستراتیژی همچنان با ستراتیژی ملی صادرات ارتباط کامل داشته که مشوقها را برای افزایش تولیدات داخلی فراهم نموده که دارای اثرات مستقیم و تشویقی روی ظرفیت ها صادرات میباشد. جهت تحقق ستراتیژی رشد، بلند بردن اثرات مصارف بخش های دولتی و خصوصی بالای رشد، عواید و شغل ها مهم میباشد. ستراتیژی تعویض واردات رشد و اشتغال زایی را به منظور افزایش عواید در داخل اقلام صنعتی پیشنهادی و زنجیره های ارزش کالاها هدف خویش قرار میدهد. بر علاوه، و با در نظر داشت مدارک و شواهد موجود، حکومت تصمیم گرفته تا مقررات تعرفه را اعمال نکرده بلکه در عوض روی افزایش بسته های تشویقی تمرکز نماید. ستراتیژی تعویض واردات و ستراتیژی ملی صادرات به تحقق اهداف چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان مستقیماً کمک مینماید (به شکل ذیل مراجعه شود).

شکل شماره 3. روابط چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان، ستراتیژی ملی صادرات و ستراتیژی تعویض واردات



2.1 شواهد چی را نشان میدهند؟

تعویض واردات به مثابه ستراتیژی رشد در سطوح مختلف توسط بسیاری از کشورهای رویدست گرفته شده و در اساس پالیسی نگاه به جلو بوده که روی ابتکارات انکشاف و رشد داخلی تأکید مینماید. تمرکز اساسی ستراتیژی تعویض واردات ارائه جایگزین های محلی برای مصرف کننده گان واردات خارجی و تولید جایگزینهای محلی برای واردات دارای تکنالوژی بالا و مغلّق میباشد. اثرات مثبت روی کسر تجارت و حساب جاری و همچنان روی اشتغال زایی نتایج میانمدت خواهد بود. در نتیجه، این ستراتیژی مستقیماً با پالیسی افغانی سازی (در اولویت قرار دادن تولیدات داخلی)، صنعتی سازی (انکشاف شبکه کالا و زنجیره ارزش)، و تجارتی سازی (افزایش مولدیت) ارتباط دارد. حکومت معتقد است که تعویض واردات از طریق ارائه بسته های تشویقی به مولدین داخلی و صنایع کوچک امکان پذیر است. طوریکه در جدول شماره یک ذیل نشان داده شده، از جمله دو سیستم توسعه صنعتی، حکومت از سیستم مشوقهای صنعتی طرفداری میکند.

جدول 1: سیستم های مشوقهای صنعتی همراه با محافظت

الف. بسته های تشویقی صنعتی	ب. سیستم محافظت
<ul style="list-style-type: none"> اقداماتی که میتوانند رویدست گرفته شود: معافیت موقت مالیاتی مشوقها برای مدت معین کمک برای کاهش سریع ارزش پول سبسایدها پالیسیهای خوب کریدیت تاسیس صنایع محلی برای تولیدات محلی 	<ul style="list-style-type: none"> اقداماتی که میتوانند اتخاذ شوند: تعرفه ها تدابیر غیرتعرفه بی چون سهمیه های وارداتی، جوازدهی و کنترل نرخ تبادل ارز خارجی

مهمترین عنصر در تهیه این ستراتیژی اینست تا اطمینان حاصل شود که اصلاحات پیشنهادی مبتنی بر شواهد و مدارک بوده است. مهم است تا حکومت افغانستان، بانک جهانی و حکومت ایالات متحده امریکا با استفاده از فرضیه های مختلف رشد روی

نمونه سازی اثرات رشد، مشترکاً کار نمایند تا شیوه را انکشاف دهند که (1) از تجارب افغانستان در بخش تعرفه و غیرتعرفه استفاده کنند و (2) و از تجارب جهانی استفاده کنند. علاوه بر این، برای حکومت مهم است تا ظرفیت آموزشی مبتنی بر شواهد را در داخل ستراتیژی یکجا ساخته تا اثرات را سنجش و شواهد را برای پیشنهاد تغییرات در پالیسی ارائه نماید. به ارتباط تجارب بدست آمده بین سالهای 2001 و 2018، و بخصوص بعد از سال 2011، زمانیکه تهیه و استفاده از نمونه های تعادل عمومی قابل محاسبه در افغانستان عرض وجود کرد، تجارب ذیل بدست آمده است:

- **باوجود هزینه های بلند، اثرات تعویض محدود بوده است:** از سال 2011 بدینسو، ارزش پول افغانی در برابر دالر امریکایی از 45 افغانی به 75 افغانی کاهش یافته که برای صادرات و تعویض واردات باید یک مزیت بوده گرچه عرضه و تقاضا تغییر چندانی نداشته که نشاندهنده عدم انعطاف پذیری است (عرضه و تقاضا حداقل در مقابل تغییرات در قیمت و عواید تاحدی حساس بوده است).
 - **اعمال تعرفه ها باعث افزایش تورم پولی شده مگر رشد را تقویت نمیکنند:** نمونه های زیادی از افزایش در تعرفه های وارداتی نشان میدهد که افزایش هزینه مربوط به واردات باوجود حصول مزیت قیمتگذاری، باعث افزایش در عرضه داخلی نشده است. در نتیجه، عوامل غیرقیمت گذاری منحصبت مشکلات اساسی در برابر توسعه صنایع داخلی باقی میمانند. سنگالهای قیمت روی عرضه و تقاضا تاثیر قابل ملاحظه ندارند.
 - **شکست بازار (اجناس دولتی، کنترل بازار، عوارض جانبی و معلومات نامکمل) باید به منظور تقویت رقابت و اتصال مورد رسیدگی قرار گیرند:** شواهد نشان میدهد که شکست بازار تا حد زیادی تجارت روبه افزایش و عدم موازنه حساب جاری را نشان میدهد. برعلاوه، تاثیر موقت نرخ تبادل برای واردات نسبتاً مهم بوده که برای صنعت کاران جوان در افغانستان این را مشکل میسازد تا با کالاهای خارجی ارزان در بازار داخلی رقابت نمایند. نرخ واقعی تبادل با جریان کمکها ارتباط داشته، و دلری شدن بیش از حد پلانگذاری سرمایه گذاری برای وارد کننده گان و صادر کننده گان را پرچالش ساخته است.
 - **محدودیتها در بخش عرضه مهم اند:** عواملی چون مشکلات در بخش عرضه (دسترسی به منابع مالی، برق، زمین و غیره)، هزینه های بالای ثابت (به علت مشکلات امنیتی) و دسترسی محدود به بازارهای جهانی توسعه صنایع در افغانستان را تا اندازه زیادی به موانع روبرو میسازد. تورم پولی با اثرات موقتی نرخ واقعی تبادل عمدتاً وارداتی بوده در حالیکه کمکهای بین المللی همچنان تاثیر توری روی اجناس و خدمات داشته و رقابت با بازارهای جهانی را تضعیف مینماید. کاهش ارزش پولی ناشی از کمکهای خارجی همراه با مشکلات در زمینه سرمایه گذاری روی مشوقها برای تعویض واردات و توسعه صادرات تاثیر منفی داشته است. برعلاوه، اقتصاد کشور بیش از حد دلری شده و پول افغانی هنوز هم به مشکل قابلیت تبادل مواجه میباشد.
 - **نبود ظرفیت در بخش صنایع کوچک و تولیدات تجارتي انکشاف شبکه کالا را تضعیف میسازد:** اقلام و محصولات صنعتی شناسایی شده فقط میتوانند زمانی خوبتر رقابت کنند که هزینه تولید کاهش یافته، تکنالژیهای جدید بکار گرفته شده، و انکشاف تجارتي به مقیاس کلان تسریع شده و تقویت زنجیره ارزش انجام شده باشد.
 - **هزینه های تولید و خطرات در سطح بلند قرار دارند:** پایین آوردن هزینه های تولید (که شامل پایین آوردن تعرفه ها روی کالاهای مهم وارداتی) و کاهش خطرات مربوط به مولدین برای توسعه تولید مهم بوده گرچه پایین آوردن هزینه ها به علت عدم انعطاف پذیری قیمتتها تنها اثرات محدود داشته است.
- در عمل کشورها به عوض تمرکز روی یک اقدام مشخص با استفاده از تدابیری بیشتری که در جدول شماره دوم ذکر شده یک شیوه مختلط را رویدست میگیرند. هدف نهایی تعویض واردات تقویت بیشتر رقابت تولیدی بوده تا اقتصاد صادراتی باز داشته باشند. پالیسی تعویض واردات به منظور تسریع روند صنعتی سازی بکار گرفته شده است. براریل، افریقای جنوبی و کشورهای شرق آسیا همین مسیر را طی نموده اند. کشورهای شرق آسیا اکثراً اقدامات حفاظتی تعویض واردات را به منظور بالا بردن میزان تولید و افزایش صادرات رویدست گرفته اند. در صورتیکه پالیسی های حفاظتی بیش از حد بلندپروازانه بوده و طی مدت طولانی تطبیق میشوند، آنها میتوانند رقابت با بازارهای جهانی را تضعیف نموده که اینکار نشاندهنده ضرورت برای سرمایه گذاری کوتاه مدت ولی چندین ساله میباشد. جدول شماره 2 ذیل (که از زوبوف ایتل "Zobov et al" سال 2017 اقتباس شده) ستراتیژیهای را بیان میکند که در سایر کشورها موثر واقع شده ویا موثر واقع نشده و ستراتیژی موجود با استفاده از آنها بصورت دقیق تهیه شده است.

جدول شماره 2: طبقه بندی اقدامات تعویض واردات

دستاوردهای رشد	اقدامات اتخاذ شده	کشورها	طبقه بندی
زمان آغاز پالیسی های تعویض واردات			
ناچیز	مالیات گمرکی محافظتی بر واردات، نرخ های مختلف تبادل برای انواع مختلف اجناس، قرضه های ارزان دولتی برای تشبثات صنعتی، شرکت مستقیم دولت در شماری از سکتورها	کشورهای امریکای لاتین	سالهای 1950
ناچیز	تثبیت نرخ واقعی تبادل ارز، تشویق صادرات: سبسایدی کردن و قرضه دهی تحت شرایط آسان برای شرکتهایی که کالاها را با ارزش افزوده بلند و با حجم معین صادر میکنند، کاهش ویا معافیت از عوارض گمرکی بر واردات	کشورهای جنوب شرق آسیا(جمهوری کوریا، تایوان، سنگاپور)	از سال های 1960 الی سالهای 1970
میانگین	نرخ وامدهی، جبران خسارت، پالیسی تعرفه	کشورهای اروپایی	از سالهای 1980 الی سالهای 1990
آغازگر پالیسی های تعویض واردات			
مهم در بعضی دولتها		کشورهای امریکای لاتین، کشورهای جنوب شرق آسیا(جمهوری کوریا، تایوان، سنگاپور)، کشورهای اروپایی	ابتکار داخلی دولتها
ناچیز		کینیا، دولتهای استعماری	ابتکار خارجی
ماهیت بازار موردنظر			
منجر به کاهش در میزان رقابت صنایع ملی شده است	تمرکز آن فقط روی بازار داخلی بوده ولی بدون یکجا ساختن پالیسی تعویض واردات با پالیسی گسترش صادرات به بازارهای جهانی	کشورهای امریکای لاتین	داخلی
منجر به بهبود قابل ملاحظه در اقتصاد کشورها شده است	افزایش ظرفیت های صادراتی دولت	کشورهای جنوب شرق آسیا	خارجی
تغییرات پالیسی			
ناچیز	بخش اعظم کالاهای داخلی توسط دولت تولید میشود. فقط کالاهای بدون آنالوگ، یا اگر هزینه آنالوگها بسیار بالاتر باشد، وارد می شوند.	برازیل، ارجنتاین، مکزیکو، چیلی، اتحاد شوروی سابق	موانع اداری و تعرفه
قابل توجه	دولت روی حمایت از بخش های جدید امیدوارکننده بازار تمرکز میکند. زمانیکه تشبثات به این بازارها داخل میشوند، دولت آنها را ترجیح می دهد تا از رقابت تولید کنندگان ملی در مرحله اول حمایت کنند.	کشورهای شرق آسیا	کاهش تدریجی و متعاقب آن پایان کمک دولت به صنایع جدید
قابل توجه	دولت تنها از صنایع رقابتی با شرکت های فعال در فعالیت های صادراتی حمایت می کند.	ایالات متحده امریکا، جاپان، تایوان، هند، چین، کوریای جنوبی، تایلند، مالیزیا، فیلیپین	براساس تیوری " غازهای پرنده(نظر علمای جاپانی در مورد انکشاف تکنالوژیک در جنوب شرق آسیا بوده که جاپان در صدر آن قرار دارد)

تحقیق انجام شده برای این ستراتیژی اثرات اقتصاد کلان گسترش تولیدات داخلی را بررسی نموده است. نتیجه گیری این تحقیق در ذیل خلاصه شده است:

سند تهیه شده توسط آقای عمرجوا اثرات اقتصاد کلان گسترش تولیدات داخلی را با استفاده از مدل اقتصاد کلان برای اقتصاد افغانستان را بررسی نموده است. در سند بیان شده که پالیسی فعال حکومت برای کاهش واردات و افزایش صادرات میتواند تولید ناخالص داخلی را 2 درصد افزایش داده و به کاهش کسر تجارتي کالا تا 17 درصد تولید ناخالص داخلی کمک نماید. با این حال، این تحقیق نشان میدهد که این پالیسی دارای یک هزینه خواهد بود. تطبیق چنین پالیسی منجر به کسر بودجه 3 درصد تولید ناخالص داخلی تا سال 2025 خواهد شد مگر آنکه سرمایه گذاری خصوصی به صورت قابل توجهی افزایش یابد. این بدان معنی است که تا سال 2025 علاوه بر کمکهای بلاعوض کمک دهنده گان بین المللی به تمویل اضافی 3.5 میلیارد دالر امریکایی ویا بصورت میانگین سالانه 600 میلیون دالر امریکایی ضرورت خواهد بود. درحالیکه در شرایط عادی، اثرات رفاهی افزایش 2 درصدی در رشد اقتصادی میتواند از هزینه مالی تخمین شده بیشتر بوده، خطرات جمع آوری ضعیف عواید داخلی ویا تغییر در میزان کمکهای خارجی میتواند این پالیسی را متاثر سازد (عمرجوا، سال 2018).

نتیجه گیری مهم ازین کار تاکید بر اهمیت افزایش سرمایه گذاری خصوصی در اقلام صنعتی پیشنهادی میباشد. اتخاذ شیوه که سرمایه گذاری خصوصی در تولید تجارتي باعث افزایش تولیدات صنایع کوچک گردد و شامل اخذ قرضه های بیشتر میگردد، ضربیها و رابطه های روبه جلو و روبه عقب را در اختیار قرار میدهد که باید اندازه گیری شوند. در نتیجه، برای از میان برداشتن خطرات مالی، استفاده از روشهای مختلف تمویل و تجارتي سازی تولید راه را برای سرمایه گذاری های جدید هموار خواهد ساخت. تغییر جزیی در میزان سرمایه گذاری باعث افزایش رقابت در اقتصاد شده و منجر به تعویض واردات و افزایش صادرات میشود.

2.2 دیدگاه

داشتن بازار رقابتي، متنوع و مبتکر و با پایه جهانی در صنعت که به رشد پایدار، اشتغال زایی، و بهبود در کسر تجارت و حساب جاری الی سال 2026 کمک نماید.

2.3 اهداف کلی

افزایش تولید از طریق انجام اقدامات تشویقی به منظور جبران وابستگی به کالاهای وارداتی و بهبود انکشاف شبکه کالا و اشتغال زایی در داخل کشور نه در خارج از کشور.

2.4 معیارهای انتخاب برای انکشاف اقلام صنعتی

شرایط هیچ کشور مانند شرایط افغانستان با جزئیات آن مورد مطالعه قرار نگرفته و همچنان محدود کشورهایی در جهان وجود دارند که چنین کمکهای بزرگ خارجی را دریافت کرده اند. باوجود این، وضع موجود کمک خوبی به افغانستان نکرده و عرصه های مهم تحلیل چون (1) تحلیل اقلام صنعتی (2) تحقیق در مورد ضربیهای اشتغال و (3) اتکا روی تعویض واردات طور مثال هیچگاه مورد مطالعه قرار نگرفته است. هر پروژه از فرضیه ها و خطوط مبدای مختلف استفاده کرده و در نتیجه به عوض اتخاذ یک شیوه ساده درین مرحله انتخاب کلسترها برای انکشاف انجام میشود. با توجه به اینکه از نظر تاریخی پالیسی های جایگزینی واردات توسط تیوری پایه اقتصادی ویا تحلیل کلسترهای صنعتی تقویت میشود، شیوه مشخص شده هر دو شیوه یکجا میسازد.

در بخش تولید، در زمینه زراعت تجارتي که دارای بازدهی بالا بوده، سرمایه گذاری کمتری صورت گرفته و تنها همین شیوه است که کیفیت کالاهای، تراکم، بسته بندی و بازاریابی را برای اهمیت اقتصادی آن ممکن میسازد. برای افزایش تولید ادویه جات ویا صنعت سمنت سرمایه گذاری کمتری صورت گرفته و از همین جهت برای توريد آنها از خارج، کشور بهای بالایی را میپردازد. در نتیجه، اتخاذ پالیسی افغانی سازی اهمیت زیادی داشته تا پالیسیها و راه های سرمایه گذاری عملی شود که بر مبنای برتریهای نسبی و رقابتي اتکا بالایی واردات را در افغانستان کاهش دهد.

به ارتباط صنعتی سازی تعویض واردات، هدف اعمال تعرفه های بلند بالایی واردات جهت افزایش مشوقها برای تولیدات داخلی نبوده، بلکه هدف در عوض در نظر گرفتن تعرفه های به مثابه اقدام واحد در مجموعه از اقدامات و ابزار میباشد. ایجاد بازار داخلی به یک امر مهم مبدل شده است. تمام کشورهای صنعتی چنین پالیسی را تعقیب نموده، و از بین بردن کسر تجارت و حساب جاری- که منجر به نرخ پایدار تبادل ارز خواهد شد- باید در حال حاضر در صدر پالیسی قرار گیرد. حساب جاری شامل معاملات در اجناس، خدمات، درآمد سرمایه گذاری و انتقالات جاری میگردد.

انتقادات بالایی تعویض واردات عمدتاً دوگانه است: (1) اقدامات جایگزینی واردات محافظتی بوده و علیه اخلاق سیستم تجارت چند جانبه به ویژه سازمان تجارت جهانی قرار دارند و (2) تعویض واردات حتی اگر موفقانه انجام شده باشد منجر به توزیع مجدد سرمایه شده که دارای برنده و بازنده میباشد. چگونه به این نگرانی ها رسیدگی شود؟ نخست در مورد سازمان تجارت جهانی و اقدامات محافظتی، افغانستان نخستین کشوری نخواهد بود که به اساس این رژیم پالیسی جایگزینی واردات را رویدست میگیرد. بسا کشورها که شامل کشورهای روبه انکشاف و انکشاف یافته میگردد، در حال حاضر در روند اتخاذ چنین پالیسی در سطوح مختلف قرار دارند. ستراتیژی "در داخل هند ساخته شود" که توسط حکومت هند طور مثال رویدست گرفته شده روی محلی سازی

و افزایش تولیدات داخلی و تقویت ظرفیت تجارتي تمرکز دارد. حتی در کشورهای انکشاف یافته ارائه سبسیادیهای زراعتی یک مسئله بحث برانگیز شده است. همچنان در داخل سیستم سازمان تجارت جهانی، افزایش میزان تولیدات داخلی و صادرات بدون نقض موافقتنامه های بین المللی امکان پذیر است. اینستراتیژی روی این مسئله تمرکز خواهد داشت. ثانیاً در زمینه توزیع مجدد سرمایه و تعیین برنده و بازنده، به مثابه تازه وارد در اتخاذ پالیسی تجارتي تعویض واردات افغانستان میتواند از تجارب سایر کشورها استفاده کرده و این تجارب در ستراتیژی موجود گنجانیده خواهد شد.

اقدامات تعویض واردات بطور سنتی به دو بخش تقسیم میشود (1) سیستم مشوقهای صنعتی (2) سیستم محافظت. اقدامات مربوط به پالیسیهای مشوقهای صنعتی شامل ارائه معافیت موقت مالیاتی و یا مشوقها برای یک مدت معین، اعطای هزینه های استهلاک سریع، اعطای وضعیت پیشگام، سبسیادیها، اتخاذ پالیسیهای خوب کریدیت و ایجاد صنایع محلی برای تولید اجناس محلی میگردد. اقدامات مربوط به سیستم محافظت شامل تدابیر تعرفه و اقدامات غیرتعرفه یی چون محدودیتهای کمی به شکل سهمیه ها، اجرای کریدیت به صنایع از طریق کمکهای کمک دهنده گان، اعطای جواز برای توريد و کنترل نرخ تبادل ارز خارجی میگردد. این ستراتیژی پالیسیهای مناسبی را برای افغانستان درین دو بخش شناسایی خواهد کرد.

تهیه لیست خلاصه تولیدات برای این ستراتیژی طور ذیل صورت گرفته است:

- کالاهایی که به مقدار زیاد توريد شده و میتوانند در داخل کشور تولید شده و تعویض آنها روی کسر تجارت و حساب جاری تاثیر قابل ملاحظه خواهد داشت،
- کالاهایی که قابلیت افزایش سریع بازدهی را دارا هستند،
- کالاهایی که به هدف بهبود بیشتر رقابت، قابلیت کارایی تولید را داشته باشند،
- کالاهای دارای مزیت آشکار نسبی مثبت در بخش واردات،
- کالاهایی که میتوانند به مقیاس بزرگ تجارتي تولید شده و قابلیت صنعتی شدن را دارند.

به وضوح، کالاهای چون تجهیزات رادیویی (680 میلیون دالر امریکایی در سال 2016)، وسایط زرهی (460 میلیون دالر امریکایی در سال 2016)، موتورها (275 میلیون دالر امریکایی در سال 2016) به این زودی جایگزین نخواهند شد، مگر کالاهایی چون آرد گندم (566 میلیون دالر امریکایی در سال 2016)، سمنت (123 میلیون دالر امریکایی در سال 2016) و گوشت مرغ (46.4 میلیون دالر امریکایی در سال 2016) را میتوان با انگیزه های صحیح جایگزین ساخت.

ظرفیت رشد در سکتورهای غیرزراعتی قابل ملاحظه است. در بخش معادن طور مثال، افغانستان دارای 1400 معدن بوده و گرچه استخراج معادن مس عینک، حاجی گک و بامیان به علت ناامنی متوقف شده ولی سکتورهای دیگر چون گسترش استخراج طلا بر توسعه این سکتور تاکید مینماید. علاوه برین، در ماه سپتمبر 2018، کمپنی استخراج معادن راه ابریشم (Silk Road Mining) که در افغانستان ثبت شده است، قرارداد بزرگ انکشاف سکتور معادن را با وزارت معادن و پترولیم امضا نموده که تفحص و بهره برداری بعدی معدن بزرگ مس در منطقه شیدا در ولایت هرات را شامل میگردد. این بزرگترین قرارداد استخراج معادن است که توسط حکومت افغانستان در ده سال اخیر امضا شده گرچه سرمایه گذاریهای عمده در بخش معادن، سرکها و انرژی نشاندهنده پوتنسیال بزرگ برای توسعه میباشد. پوتنسیال برای توسعه ارائه خدمات صحتی بخش خصوصی قابل ملاحظه بوده، و کمپنیهای چون افغان فارما توانایی تعویض واردات و همکاری با کمپنی های شناخته شده بین المللی را دارا میباشد. سایر کمپنیهای محلی در بخش ادویه سهم داخلی بازار پردرآمد ادویه را افزایش میدهند که بصورت سنتی در تسلط ادویه های وارداتی قرار داشته است. بسیاری از محصولات تولید شده در داخل کشور از نظر هزینه قابلیت رقابت را دارا میباشد.

2.5 انتخاب اقلام صنعتی و گروپ کالاها

توقع می‌رود تطبیق ستراتیژی تعویض واردات افغانستان فعالیت های افزودن ارزش را به مثابه وسیله افزایش مصرف داخلی، ایجاد فرصت های شغلی و تبدیل اقتصاد افغانستان به یک اقتصاد متنوع و رقابتی با بازار داخلی قوی که با بازارهای صادراتی ارتباط داشته باشد، تقویت و تشویق نماید. چیزیکه برای جایگزینی واردات مهم است در عین حال برای گسترش صادرات نیز خوب می‌باشد. در نتیجه، این کلاسترهای صنعتی دارای ده بخش فرعی می‌باشد. این بخش های فرعی بر مبنای کاربرد معیارهای بیان شده تثبیت گردیده و در جدول شماره 3 توضیح گردیده اند.

جدول شماره 3: اولویتهای اقلام صنعتی			
اقلام صنعتی	ارزش وارداتی (به دالر امریکایی)	نرخ تعرفه	درجه بندی مزیت نسبی
آرد گندم	566,000,000	5	208
بوره	186,000,000	2.5	99.4
ادویه	144,300,000	2.5	متفاوت
سمنت	123,000,000	5	12.2
سبزیجات	107,000,000	10 *	متفاوت
طلا	68,700,000	2.38	0.41
روغن نباتی	57,100,000	2.5	26
شیرینی سازی	47,500,000	12.5	25.6
گوشت مرغ	46,400,000	5	2.89
روغنی تولید شده از دانه نباتات	44,500,000	2.5	11.9
مجموع	1,390,500,000		معلومات در دست نیست
			15.59%

* برای محصولات سبزیجات، میانگین تعرفه 10 بوده چون بسیاری از اقلام دارای این تعرفه بوده، بلندترین تعرفه برای شماری از اقلام 16 و بسیاری از اقلام دارای تعرفه 2.5 می‌باشند.

2.6 شیوه کلی تعویض واردات

بخش اعظم واردات که می‌تواند جایگزین شوند از سکتور زراعت و باغداری بدست آمده، و این سکتور همچنان یکی از بزرگترین سکتور اشتغال زایی محسوب می‌شود. در نتیجه، و با توجه به ضرورت ایجاد بازار داخلی که عرضه و تقاضا را باهم پیوند میدهد، شیوه باید جستجو شود که ارتباطات بازار و وابستگی میان بخشهای روستایی و شهری را تقویت میکند. تنها تمرکز روی انکشاف شبکه کالا و زنجیره ارزش خارج از تقاضا برای کالاها و خدمات کافی نبوده، و از همین جهت شیوه کلی که روی دست گرفته می‌شود باید "صنعتی سازی بخش زراعت" بوده باشد. این شیوه ارتباطات میان کلاسترها و بازارها را تقویت نموده و از ادغام زنجیره ارزش حمایت بهتر مینماید. شکل شماره 4 شیوه کلی را که هدف آن افزایش تولید، سودآوری، سرمایه گذاری مجدد، توسعه و تقاضای بیشتر می‌باشد، توضیح مینماید.

شکل 4. شیوه صنعتی سازی زراعت



2.7 غلبه بر مشکلات بخش عرضه

طوریکه در چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و برنامه های انکشاف سکتور خصوصی ذکر شده، مشکلات بخش عرضه باید حل شوند. در این ستراتیژی پیشنهاد شده تا مشکلات اساسی بخش عرضه برای اقلام صنعتی که پیشنهاد شده، به اساس همکاری با فعالین بخش خصوصی و زنجیره ارزش شناسایی شوند. مشکلات اساسی بخش عرضه که باید مورد توجه قرار گیرند، قرار ذیل اند:

- زمین زراعتی (دسترسی بیشتر به زمین برای اهداف زراعتی، اعطای امتیازات بیشتر و غیره)،

- **زمین صنعتی/پارکها** (دسترسی به شرایط بهتر تجاری به شمول زمین، تعمیرات، برق، آب، منابع مالی، پروسیس و ارتباطات)،
- **برق** (قیمت پایین، توسعه شبکه، قطع برق، نوسانات ولتاژ)،
- **سرکها و ترانسپورت** (زیربنای بهتر برای اتصال بازارها)،
- **مواد زراعتی و دارویی**، هزینه های پایینتر و کیفیت بهتر،
- **منابع مالی** (شمولیت بهتر، نرخ های پایین سود، محصولات بهتر)،
- **تضمین ها برای قرضه** (تسهیلات تقسیم خطر برای افزایش قرضه دهی به سکتورهای دارای کارکرد ضعیف و تمدید زمان برای قرضه دهی⁴⁰، و
- **منابع بشری** (از بین بردن خلا در مهارتها، آموزش عملی، مهارتهای تکنیکی و حرفه ای)

این ستراتیژی بالای تمام کشور و بازار آن تمرکز نکرده، بلکه در عوض روی زنجیره های پیشنهادی ارزش، از میان برداشتن مشکلات برای یک کالای مشخص برای مجموعه شناخته شده فعالین بازار تمرکز مینماید. در نتیجه، نیاز است تا گفتگوی قوی میان بخش های دولتی و خصوصی برای اولویت بندی مشکلات و دریافت راه حل های دوامدار صورت گیرد. بسته های تشویقی در بخش صنایع که کالاها و بازارهای مشخص را هدف قرار میدهند، تهیه خواهند شد.

2.8 غلبه بر مشکلات بخش تقاضا

گرچه افغانستان از سال 2011 بدینسو در ظاهر در تقاضا وضعیت بدی داشته، ولی واقعیت اینست که در سال 2016 برای توريد کالاها و خدمات، تقاضا بیشتر شده است. وابستگی به واردات نشان دهنده ناکامی در بخش سرمایه گذاری روی تقاضای داخلی برای اجناس و خدمات تولید شده در داخل بوده و این حقیقت را نشان میدهد که این قیمت گذاری بازار نبوده بلکه عرضه است که ترجیحات مصرف کننده گان را شکل میدهد. تقویت درازمدت مستلزم تغییر در مولدیت بوده ولی در کوتاه مدت درآمدها باید نسبت به مصارف افزایش یابند. این کار فقط زمانی صورت میگیرد که فعالیت های تجاری سودآور بوده، خطرات بصورت بهتر کاهش داده شده و جریان سرمایه به بخش های اقتصاد برای رشد مساعد بوده باشند.

حکومت علاقه مند است تا سیستم خدمات مبتنی بر تقاضا را عملی نماید جایی که فعالین بازار میتوانند از بسته های تشویقی سود ببرند که منفعتها را در برابر خطرات تقویت مینماید. طور مثال، برنامه تضمین قرضه مبتنی بر تقاضا تطبیق شده، برنامه های مدیریت خطر راه اندازی شده، قرضه دهی برای آسان سازی تولید و مصرف صورت گرفته، و تعرفه های وارداتی بالای کالاهای مهمی که برای توسعه تولید ضروری اند، برداشته خواهند شد. د افغانستان بانک در جهت ثبات قیمت های داخلی و کاهش نوسانات شدید در تبادل ارز خارجی از طریق مداخله در بازار داخلی با توجه به تاثیرات تلافی کننده نرخ تبادل ارز روی تورم پولی کار خواهد کرد. این و سایر اقدامات برای رسیدن به اهداف ستراتیژی افغانستان مولد مهم مینمایند. عرصه مهم دیگر حمایت باید علامت گذاری بهتر و بازاریابی برای کالاها بوده تا کیفیت محصولات داخلی بهبود یابد. افزایش سهم تولیدات داخلی در بازار میتواند با علامت گذاری "ساخت افغانستان" از طریق ارتباطات مجاری حکومتی که از آگاهی بیشتر در میان مصرف کننده گان حمایت میکند، تشویق شود.

2.9 شیوه انکشاف شبکه کالاها

این ستراتیژی روی مفهوم اساسی انکشاف شبکه کالا قویاً متکی است.⁴¹ شبکه کالا به مفهوم شبکه است که مفکوره ارتباط میان کالاهایی که در بازار جهانی مورد دادو سند قرار میگیرند، را رسمیت میبخشد. در افغانستان، شبکه کالا دارای اثرات قابل ملاحظه برای پالیسی اقتصادی بوده چون این شبکه توضیح میدهد که رشد ثابت اقتصادی چگونه بدست می آید و پالیسی صنعتی سازی تحت رهبری زراعت چگونه به تسریع رشد تولید و همچنان حمایت از تعویض واردات و توسعه صادرات کمک مینماید.

شیوه انکشاف شبکه کالا سرمایه گذاری روی کالاهایی را که هم اکنون انکشاف داده میشوند و دارای شرایط تولیدی مشابه و خصوصیات پیچیده گی هستند، تشویق مینماید. طور مثال، چون افغانستان در حال حاضر انار تازه را به کشورهای همسایه صادر مینماید، چانس بیشتری برای انکشاف قابلیت های تولید مشروب انار را نسبت به ساخت وسایط زرهی دارد. در نتیجه، مزیت آشکار نسبی هر کالا، زمانیکه از زاویه شبکه کالا به آن دیده شود، به حکومت امکان میدهد تا اطلاعات را برای هدف قرار دادن سرمایه گذاری های مورد استفاده قرار دهد که انکشاف شبکه کالا را برای کالاهایی گسترش میدهد که برتری خویش را نشان داده اند. پیوند دادن انکشاف شبکه کالا با شیوه صنعتی سازی به رهبری زراعت منجر به انکشاف بیشتر در تشبثات کوچک و متوسط میگردد. این ستراتیژی از همین جهت شماری از عناصر مهم را باهم یکجا ساخته تا صنعتی سازی تحت رهبری زراعت را اجازه دهد تا تاثیر قابل ملاحظه روی رشد، تعویض واردات و توسعه صادرات داشته باشد. این عناصر ایجاب سرمایه گذاری به شیوه ذیل را مینماید:

⁴⁰ تعداد برنامه های تقسیم خطر که هم اکنون در افغانستان موجود بوده چون برنامه تضمین کریدیت افغانستان و اداره انکشاف کریدیت اداره انکشاف بین المللی امریکا، گرچه آنها همه بازار را احتوا نکرده و از همین رو نیاز است تا گسترش یابند.

⁴¹ این شبکه برای بار اول در شماره ماه جولای 2007 ساینس در مقاله "شبکه کالا شرطی برای انکشاف کشورهای میباید، دیده شد" که توسط Cesar A. Hidalgo, Bailey Klinger, Ricardo Hausmann, and Albert-László Barabási نوشته شده است.

- **مزیت نسبی:** سرمایه گذاری در کالاهای دارای مزیت نسبی مثبت. اگر ارزش مزیت نسبی از یک بیشتر شود، سهم صادرات یک کشور در کالای موردنظر بیشتر از سهم آن کالا در تمام تجارت جهانی خواهد بود.
- **شبکه کالا:** انکشاف شبکه کالا برای افغانستان به مثابه یک اساس برای درک تکامل ساختار تولیدی افغانستان،
- **مجاورت کالا:** اتخاذ شیوه که در آن نزدیکی و مجاورت بین یک کالا و کالای دیگر شناسایی کالاهای نسل بعدی را که دارای خصوصیات مشابه تولیدی و نیازمندها اند، ممکن میسازد،
- **رابطه ها:** نه فقط به کالاها به مثابه نتایج میان مدت نگریده بلکه در عوض در نظر گرفتن رابطه های مستقل (نتایج میانمدت، اثرات درازمدت و پوتنسیال سرمایه گذاری که صورت میگیرد) و رابطه های گذشته (زمانیکه یک پروژه، سرمایه گذاری در تاسیساتی را تشویق مینماید که موفقیت پروژه را ممکن میسازد)، و
- **سرمایه گذاریهای اساسی، کمکی و خدماتی:** شیوه مهم برای تقویت سرمایه گذاریهایی که نشاندهنده نرخ مثبت بازدهی دارای اثرات قوی افزایش دهنده بوده و منجر به سرمایه گذاری خدماتی میشود عبارت است از انکشاف سرمایه گذاری عامه- با سهمگیری قوی بخش خصوصی- یکجاسازی سرمایه گذاریهای بزرگ، میان مدت و کوچک در یک شیوه واحد میباشد. تمویل کننده گان اساسی میتوانند از بخش دولتی و خصوصی بوده که شامل مشارکت عامه و خصوصی و سرمایه گذاری های مشترک میگردد.

گام نخست بسوی رشد پایدار اقتصادی، متوازن ساختن مجدد شرایط تجارت افغانستان از طریق افزایش تولید و رقابت در سطح ملی، کاهش هزینه های معاملاتی بازار و کاهش میزان آسیب پذیری در برابر خطرات بازار میباشد. برای انجام اینکار، سرمایه گذاری ها باید بیشتر از مجموع پروژه ها بوده، و یک شیوه واحدی باید در پیش گرفته شود که پالیسی و سرمایه گذاری هر دو را هماهنگ سازد. از همین جهت ستراتیژی تعویض واردات شیوه سرمایه گذاری اصلی، کمکی و خدماتی را پیشنهاد مینماید (به شکل شماره 5 ذیل مراجعه شود) تا اثرات مستقیم، غیرمستقیم و تشویقی را افزایش دهد.

طور مثال، تنها پارکهای صنعتی زیربنای اساسی را تامین نمی کند، بلکه آنها بطور مشخص برای گردآوردن طرفین ذیعلاقه زنجیره ارزش در تحت یک چتر طراحی شده اند. مشکلات بخش عرضه میتوانند برطرف شده، و تراکم کالا، پروسیس، بسته بندی، بازاریابی و توزیع بهبود یابد. انرژی و منابع مالی میتواند به عنوان خدمات باکیفیت ارائه شده، و خدمات مستقیم و غیرمستقیم چون ساختار، ارتباطات بهتر میان تشبثات کوچک و متوسط و کمپنی های بزرگتر بخش عرضه را افزایش میدهد. مواد میتوانند بصورت یکجایی به قیمت پایین خریداری شود. سرمایه گذاری کمکی از مراکز تجاری شامل سرکها، سیستمهای سردخانه ها، و زیربنای باکیفیت میگردد. وزارت اقتصاد قصد دارد تا یک شیوه اقتصادی جامعتری را برای ستراتیژی تعویض واردات رویدست گرفته و با حکومت برای افزون ارزش در تقویت تجارت برای کلاسترهای نامزد کار نماید.

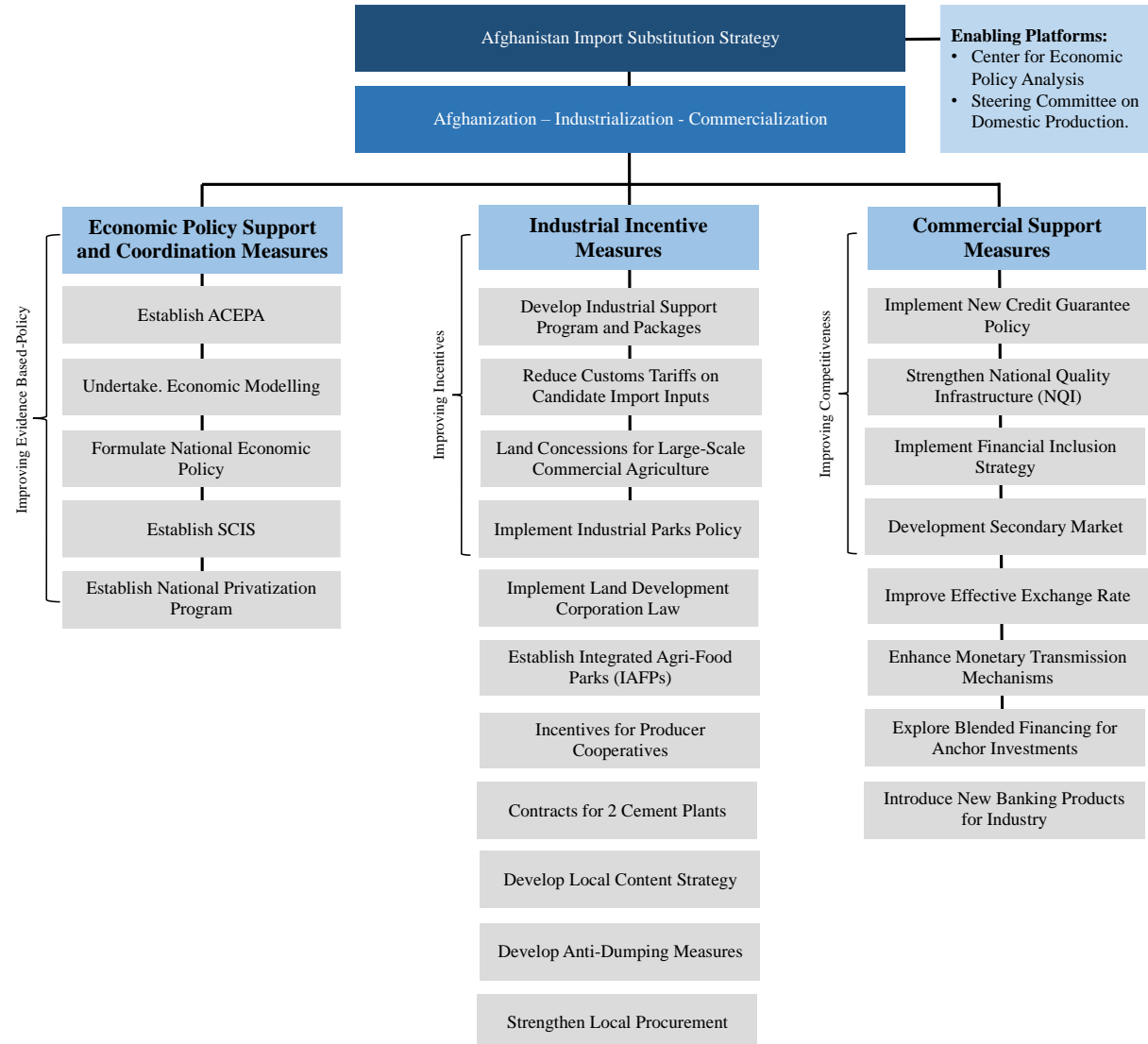
شکل شماره 5. شیوه های سرمایه گذاری اساسی، کمکی و خدماتی



2.10 خلاصه ستراتیژی تعویض واردات

شکل شماره 6 ذیل خلاصه عناصر اصلی این ستراتیژی را که روی سه عرصه حمایت، و گردآوردن مجموعه از تدابیر برای تحقق اهداف تعیین شده در قسمتهای بعدی استوار میباشد، ارائه مینماید. این ستراتیژی (به بخش تطبیق مراجعه شود) منحیث برنامه کل حکومت، با استفاده از برنامه های موجود، با عناصر جدید که هدف آنها بهبود شواهد و تاثیرات درازمدت میباشد، مورد تطبیق قرار میگیرد.

شکل 6. خلاصه ستراتیژی تعویض واردات





3. اقدامات پیشنهادی برای جایگزینی

3 اقدامات (تشویقی) تعویض واردات

جهت تسریع روند تعویض واردات چارچوب تشویقی باید تقویت شود. برای اقلام صنعتی پیشنهادی که برای انکشاف شناسایی شده، مجموعه از گزینه های حمایت مستقیم و غیرمستقیم جهت تشویق توسعه، هزینه های پایین تولید، کاهش خطرات و غلبه بر نقایص بازار رویدست گرفته شوند. در نتیجه، ستراتیژی تعویض واردات مجموعه از تدابیر ذیل را برای تعویض واردات با تولیدات داخلی ارائه میکند:

- اقدامات مربوط به حمایت و هماهنگی پالیسی اقتصادی،
- اقدامات مربوط به تشویق صنایع، و
- اقدامات مربوط به حمایت غیرفعال برای بازارهای مالی و کربدیت.

ستراتیژی رشد چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان افزایش ارزش افزوده پروسس محصولات زراعتی را در حدود 330 میلیون دالر امریکایی پیشبینی نموده که از طریق ایجاد پارک های زراعتی و اقدامات دیگر بدست می آید. طوریکه در بخش انتخاب اقلام صنعتی پیشنهادی بیان شده، این ستراتیژی روی فقط روی زراعت، معادن و ادویه جات متمرکز میباشد.

3.1 اقلام صنعتی پیشنهادی

بانک جهانی در ماه جون 2014 گذارشی را تحت نام "بازنگری سکتور زراعت: احیای زراعت برای رشد اقتصادی، اشتغال زایی و امنیت غذایی" به نشر سپرد. هدف کلی این گذارش تاکید روی اهمیت زراعت در جهت کاهش فقر در مناطق روستایی، رشد جامع و فراگیر اقتصادی، امنیت غذایی و اشتغال زایی در افغانستان میباشد. این گزارش به حکومت افغانستان پیشنهاد میکند تا نقش رهبری کننده را در (1) پیشبرد و هماهنگی ستراتیژی در هر یکی از زنجیره های ارزش مورد نظر به هدف تشویق رشد، و (2) غلبه بر مشکلات مشترک به شمول مشکلات در عرصه آب و منابع مالی ایفا نماید.

با توجه به رشد بالای افزایش نفوس، شبیه سازیها با یک مودل اقتصادی نشان میدهد که زراعت در صورتیکه هدف آن افزایش درآمدهای روستایی باشد، باید همه ساله حداقل شش فیصد رشد داشته باشد. از همین جهت، به عوض اینکه کل سکتور زراعت به حرکت آورده شود، واقعینانه تر خواهد بود تا در قدم اول به تعداد کمی از کالاهای "منحیث محرکین نخست" وارداتی و محصولات سنتی صادراتی توجه صورت گیرد. این "محرکین نخست" عبارتند از:

- گندم آبی،
- محصولات مالدار (شیر، تخم، و گوشت مرغ)، و
- محصولات باغداری (میوه تازه، میوه خشک، سبزیجات).

تقویت و تشویق ستراتیژی "محرکین نخست" به تغییر کاهش پیش بینی شده کمکهای خارجی و تحول زراعتی که برای رشد فراگیر اقتصادی افغانستان، اشتغال زایی و امنیت غذایی ضروری میباشد، هر دو پاسخ میدهد. این ستراتیژی همچنان به از بین بردن خلاهای تجارتي و حساب جاری کمک مینماید. محرکین نخست- کلسترهای صنعتی- طور ذیل انتخاب شدند.

- آنها دارای بهترین امکانات برای افزایش مولدیت در کوتاه مدت میباشدند،
- تحلیل هزینه نشان میدهد که گندم آبی و محصولات باغداری و مالدار می توانند بر مبنای رقابت با کالاهای وارداتی تولید شوند،
- این محصولات دارای تقاضای قوی و روبه افزایش در داخل و خارج از کشور میباشدند،
- آنها میتوانند همراه با زنجیره ارزش، باعث افزودن ارزش قابل ملاحظه شده، و درآمدها و اشتغال تعداد زیاد مردم را افزایش دهد،
- کلسترهای صنعتی در مناطق آبیاری شده اطراف شهرها که تا اندازه امن بوده و دارای دسترسی خوب به بازارها بوده، متمرکز شده است، و
- در صورت مشکلات مالی، آنها راهی را پیشنهاد میکنند تا منابع دولتی موجود را طوری متمرکز ساخت که بهترین سود ممکنه را بدست آورد.

گندم آبی

گندم آبی یک چهارم تولید ناخالص داخلی زراعتی و 6.3 درصد تولید ناخالص داخلی ملی را تشکیل داده (70 درصد مقدار آن از زمین های آبی بدست می آید) و بین 1.1 و 1.3 میلیون شغل تمام وقته (بالای مزرعه و بیرون آزان یعنی صنایع زراعتی به شمول آرد کردن گندم و پختن نان) را ایجاد میکند. همچنان این توقع واقعینانه است که تولید آن افزایش یافته که در پنج تا ده سال آینده حداقل در سالهای بدون خشک سالی جایگزین بخش اعظم واردات شود. علاوه برین، به دلایل ذیل غیرواقعبینانه خواهد بود اگر گندم آبی جایگزین حاصلات بدیل در میان مدت تا درازمدت شود:

- انکشاف تولیدات باغداری دارای ارزش بالا و بازارها زمانگیر بوده و احتمالاً در مناطقی متمرکز خواهد بود که دسترسی به بازارها و/یا سردخانه ها داشته باشند. این بدان معنی است که گندم آبی در بسیاری از عرصه ها برای مدت طولانی رقابتی میماند،
- دهاقین تصمیم میگیرند که کدام محصولات را کشت کنند و با توجه به وضعیت نامعلومی که در آن زندگی میکنند، بسیاری به خاطر امنیت غذایی خودشان اقدام به کشت گندم میکنند، و
- حکومت باید ضرورت برای کارایی اقتصادی در استفاده از منابع زراعتی کشور را در برابر ضرورت جلوگیری از بحران مواد غذایی در کشور (مانند بحرانی که در سال 2008 رخ داد) متوازن سازد که این کار مستلزم نگهداری سهم قابل قبول تولید داخلی در برابر مصرف در سطح ملی میباشد.

در صورتیکه ساحه کشت گندم آبی در ظرف ده سال از طریق احیا، 10 درصد افزایش یابد و حاصل گندم به 45 متریک تن/فی هکتار افزایش یابد، درین صورت حاصلات مجموعی گندم آبی در طی یک دهه به 2.25 میلیون متریک تن افزایش یافته و اینکار باعث افزایش 1.58 میلیارد دالر امریکایی در سال به تولید ناخالص داخلی خواهد شد. اینکار باعث ایجاد 173800 شغل جدید در تولید گندم و 54700 شغل جدید در بخش صنایع زراعتی به شمول آرد کردن گندم و نانپزی خواهد شد.

مالداری

تحلیل وابستگی به واردات و برتری آشکار نسبی ظرفیت های قابل ملاحظه را برای افزایش مالداری و تولید لبنیات نشان میدهد. مالداری در حدود 15 درصد تولید ناخالص داخلی زراعتی ویا 680 میلیون دالر امریکایی را در سال 2014 تشکیل داده که باعث ایجاد 1.1 میلیون شغل تمام وقته گردیده که 15 درصد این شغلها در خارج از مزرعه بوده است. سکتور فرعی مالداری همچنان دارای پوتنسیال قوی بوده و میتواند به رشد و اشتغال زایی کمک نموده، واردات را جایگزین ساخته، و به فرصتهای صادراتی سود برساند. این کلاستر همچنان میتواند باعث افزایش فعالیت های پروری زراعتی در سطح کوچک و متوسط گردد. نسل های دارای مولدیت پایین، امراض، تغذیه خراب، خشکسالی، و مشکلات بازاریابی، و محصولات فاسدشدنی از مشکلات کلاستر مالداری میباشد. بدون کمک بیشتر، افزایش تولیدات مالداری در ظرف ده سال آینده به اندازه کمی افزایش خواهد یافت. مگر در صورت حمایت، پوتنسیال قابل ملاحظه برای دوچندساختن تولید لبنیات و تولید گوشت مرغ درین مدت موجود بوده که سالانه 270 میلیون دالر امریکایی به تولید ناخالص داخلی علاوه کرده و به تعداد 715300 شغل تمام وقته در طی ده سال آینده ایجاد خواهد کرد. تولید گوشت مرغ و تخم پوتنسیال قوی برای توسعه دارد.

باغداری

در حال حاضر سکتور فرعی باغداری به 360000 هکتار توسعه یافته که نزدیک به 14 درصد زمین آبی کشور را احتوا کرده و بیشتر از 2 میلیون تن در آن مشغول کار میباشد. در حال حاضر باغداری 1.4 میلیارد دالر امریکایی را بر تولید ناخالص داخلی ملی علاوه کرده و 34 درصد تولید ناخالص داخلی زراعتی را تشکیل داده، در حدود 350000 شغل تمام وقته را ایجاد کرده که در حدود 90000 شغل آن در اقتصاد غیرزراعتی میباشد. توقع میرود که زمین آبی برای باغداری (از طریق احیا) به اندازه 25000 هکتار همه ساله افزایش یافته و به این ترتیب تا سال 2024 به اندازه 250000 هکتار زمین دیگر به بخش باغداری علاوه گردد. بصورت یکجایی این تغییرات میتوانند به سهم سالانه تولید ناخالص داخلی 3.23 میلیارد دالر امریکایی این کلاستر تا سال 2024 گردد. همه اینکارها تا سال 2024 به تعداد 361900 شغل تمام وقته را ایجاد خواهد کرد.

پوتنسیال برای انکشاف پارکهای صنعتی و زراعتی، بهبود شبکه کالا و ادغام زنجیره ارزش قابل ملاحظه بوده است. این سه کلاستر به تنهایی میتوانند در طی ده سال آینده تولید ناخالص داخلی زراعتی را دوبرابر ساخته و میزان رشد سالانه زراعتی را به 8 درصد بالا ببرد. افزودن 1.3 میلیون شغل تمام وقته در طی دهه آینده (1.05 میلیون شغل در بخش زراعت، و 0.26 میلیون شغل در اقتصاد غیرزراعتی) تعدادی است که معادل 30 درصد افزایش تخمین شده خالص به نیروی کار طی همین مدت میباشد.

سمنت

افغانستان بیشتر از 90 درصد سمنت مورد نیاز خویش را از پاکستان و متباقی را از ایران وارد میکند. در حدود 4 میلیون تن سمنت سالانه تولید شده در حالیکه در سال 2013 به مقدار 8.3 تن سمنت به کشور تولید شده بود.⁴² توسعه دهلیز اقتصادی چین و پاکستان عرضه را اشباع کرده و صادرات به افغانستان از پاکستان روبه کاهش بوده است. افغانستان در حال حاضر دارای چهار فابریکه تولید سمنت بوده گرچه در سال 2017 یک کمپنی چکی، سرمایه گذاری 70 میلیون دلاری را بالای تاسیس یک فابریکه جدید در جنوب غرب کشور اعلان کرد. توقع میرود تا هزینه سمنت در هرات تا اندازه زیادی کاهش یابد. چهار فابریکه عمده تولید سمنت در کشور قرار ذیل اند:

- فابریکه های سمنت غوری یک و غوری دو در پلخمری،
- فابریکه سمنت جبل السراج،
- فابریکه سمنت هرات، و
- فابریکه سمنت سمنگان.

فابریکه های غوری یک و غوری دوم دارای دو کوره بوده که ظرفیت تولیدی آن در روز 400 تن بوده و 1000 تن کلینکر یا تفالیه را در روز تولید میکنند. فابریکه سمنت هرات در ابتدا دارای دو خط پروسیس تر بوده که ظرفیت تولید کلینکر یا تفالیه آن در روز 700 تن بوده است. فابریکه سمنت جبل السراج دارای ظرفیت تولید 100 تن در سال بوده است. فابریکه سمنت غوری از سال 2006 به بعد به بخش خصوصی واگذار شده و حکومت در نظر دارد سمنت هرات و سمنگان را شرکتی سازد. حکومت پلانهای را اعلان کرده تا سرمایه گذاری مستقیم خارجی را درین سکتور جلب نماید. افغانسان روزانه به مقدار 40000 سمنت نیاز داشته که ازین رو توريد سمنت از خارج پرخرج باقیمانده است. به اساس گزارشها، ریاست گمرکات افغانستان توريد سمنت از طریق سرحد ولایت فراه را که از ولایت خراسان در جنوب ایران عبور میکند، ممنوع قرار داده است.

افغانستان به شمول سرمایه گذاری بخش خصوصی در فابریکه های موجود تولید سمنت میتواند توريد بالایی موجود سمنت را با تولیدات داخلی جایگزین سازد. تولید داخلی سمنت میتواند جایگزین توريد سمنت به اندازه 700 میلیون دالر امریکایی شود. بخش سمنت اشتغالزای کلان نبوده مگر از طریق فواید هزینه های پایین و عرضه بیشتر میتواند همه صنایع را متاثر سازد.

ادویه

افغانستان در بخش ادویه تا اندازه زیادی روی واردات متکی بوده گرچه تولید داخلی دواهای اساسی به تدریج افزایش می یابد (8 درصد تقاضا). افغانستان به توريد ادویه موردنیاز خویش از ایالات متحده امریکا، جاپان، سوئیس، ترکیه، هند، پاکستان و ایران ادامه داده و حتی در مواردیکه تولید داخلی روبه افزایش است، مواد خام آن از چین و هند وارد میشود. گزارش های دامپینگ (فروش کالا در بازار خارجی به قیمت ارزانتر از بازار داخلی) دواهای بی کیفیت در بازار افغانستان برای سالها وجود داشته و توريد غیرقانونی ادویه قابل ملاحظه بوده است. قانون سال 2007 ادویه افغانستان و قانون سال 2008 در مورد لیست محصولات دارویی دارای مجوز در سطح کشور (2008) با نظارت بیشتر قانونی از کیفیت ادویه وارداتی و تولید داخلی مورد بازنگری قرار گیرد. پر کردن خلای وارداتی در بخش دواهای اساسی میتواند طی ده سال آینده به اساس تجارتی صورت گیرد.

طلا

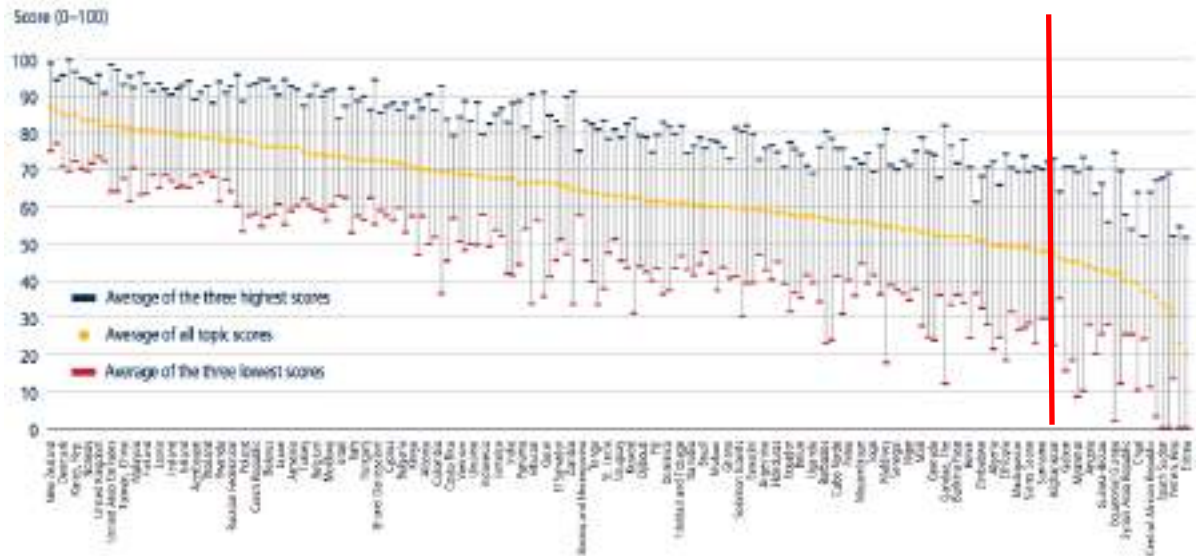
استخراج معادن یگانه سکتوریست که به مثابه یک منبع عایداتی و صدور میتواند جایگزین کمک های خارجی شود. برای تحقق پوتنسیال استخراج معادن، حکومت به شمول حاجی گک، آمو دریا، عینک، سرحد افغان تاجیک، شیدا و حداقل یکی از پروژه های عمده دیگر که در حال حاضر تحت تفحص قرار دارد، سرمایه گذاری سریع روی پروژه های عمده استخراج معادن را پیگیری خواهد کرد. به منظور حصول اطمینان ازینکه عواید حاصله ازین بخش بصورت درست مدیریت شود و اینکه خطرات محیط زیستی و اجتماعی کنترل گردد، یک چارچوب درست تنظیم کننده و قانونی در وزارت معادن و پترولیم ایجاد شده و ظرفیت آن تقویت خواهد شد. درچنین شرایط، استخراج طلا به عنوان سکتور رشد عرض اندام نموده که با صدور طلا به کشورهای امارات متحده عربی (94 درصد) و سوئیس (6 درصد) در سال 2016 به مبلغ مجموعی 244 میلیون دالر امریکایی باعث تقویت صادرات شده است. افغانستان هنوز هم به مبلغ 68.7 میلیون دالر امریکایی طلا را به شکل زیورات، سالانه از امارات متحده عربی وارد میکند. مشابه به کلستر سنگ های قیمتی، پوتنسیال نوظهور برای افزایش ظرفیت تولیدی جواهرات در سطح ملی وجود دارد.

3.2 انجام کسب و کار

چارت شماره 5 ذیل خلاصه شاخص های انجام کسب و کار را در افغانستان در مقایسه با سایر کشورهای جنگ زده و دارای وضعیت شکنند و بحرانی ارائه میدهد. این سروی همه جوانب شرایط تجارت که برای شرکتهای و سرمایه گذاران مهم بوده- از قبیل ثبات اقتصاد کلان، وسعت بازار، وضعیت سیستم مالی و کیفیت سرمایه بشری را اندازه گیری نمیکند. در سال 2018، افغانستان در درجه بندی انجام تجارت خوب با آوردن تغییرات عمده در بخش های آغاز تجارت، اخذ قرضه، حفاظت از سرمایه گذاران مربوط به اقلیت های کشور، پرداخت مالیات، و حل مسایل مربوط به ورشکستگی و ناتوانی در پرداخت دیون، 10 درجه بالا رفته است.

افغانستان- به مثابه صدرنشین در بخش انجام کسب و کار در سال 2019- روی بهبود چارچوب قانونی برای انجام تجارت تمرکز نموده است. حفاظت از سرمایه گذاران مربوط به اقلیتهای کشور تا حد زیادی تقویت شده، و به این ترتیب افغانستان یکی از کشورهای است که درین عرصه دارای بیشترین پیشرفت بوده است. قانون جدید شرکت های محدود المسئولیت باعث پیشرفت قابل ملاحظه در زمینه کاهش خطرات منافی تضاد منافع در کمپنیها و تقویت ساختارهای اداره شرکتهای شده است. علاوه برین، قانون اجراءات تجارتی به منظور اعطای صلاحیت های بیشتر به طرفین ذیدخل برای ارائه اعتراض به معاملات طرف مربوطه مورد تعدیل قرار گرفت. افغانستان همچنان چارچوب قانونی جدید ورشکستگی را در سال 2018 رویدست گرفته است.

چارت شماره 5: شرایط روبه بهبود تنظیم کننده در افغانستان



منبع: انجام کسب و کار، بانک جهانی(سال 2018)

در حالیکه بسیاری از اقدامات شامل گزارشهای انجام کسب و کار نبوده، تهیه گزارش های انجام کسب و کار در سطح ولایات به حکومت و شرکای خارجی امکان میدهد تا به مشکلات اساسی در سطح ولایات و ولسوالیها که روی تولیدات داخلی و ظرفیت تجارت اثرگذار میباشدند، رسیدگی کنند.

3.3 اقدامات مربوط به ماتریس تعویض واردات

پیشنهاد میگردد تا شیوه واحدی برای تعویض واردات اتخاذ شده، و برای آن در سطح کل حکومت راه حلها جستجو شود. مجموعه از اقدامات که شامل (1) اقدامات حمایتی در سطح پالیسی و هماهنگی (2) اقدامات مربوط به تشویق صنایع، و (3) اقدامات مربوط به حمایت پاسیف برای بازارهای مالی و کریدیت میگردد، پیشنهاد میگردد. اقدامات اصلاحی که در ذیل پیشنهاد شده عملی و قابل تطبیق بوده، و به خاطری انتخاب شده که آنها اصلاحات دارای اولویت را از بخش های مختلف حکومت بصورت منسجم باهم یکجا میسازد.

تمرکز اساسی روی اقدامات پیشنهاد شده عبارت از افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی میباشد. اقدامات بیان شده در جدول شماره 4 ذیل به هدف بهبود عرضه و تقاضای داخلی، بسته های تشویقی برای سرمایه گذاری را افزایش داده و خطرات را کاهش میدهد. هدف اساسی افزایش سهم سرمایه گذاری بخش خصوصی در همه بخش های صنعتی به منظور افزایش ارزش و اشتغال زایی میباشد. قابل یادآوری هست که اصلاحاتی که در جدول ذیل ارائه شده روی بهبود شرایط پالیسی سازی اقتصادی با توجه به کمبود تحلیل اساسی در عرصه های کلیدی کارکرد اقتصادی و توسعه صنعتی تمرکز مینماید.

جدول شماره 4: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

ادارات تطبیق کننده	فعالیتها	زمان تطبیق					اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	فعالیتها	
		2024	2023	2022	2021	2020			2019
1. اقدامات حمایت از پالیسی اقتصادی و هم‌آهنگی									
مرکز تحلیل پالیسی اقتصادی، وزارت اقتصاد	تجدید ریعوار معلومات اقتصادی						1	ایجاد مرکز تحلیل پالیسی اقتصادی در افغانستان	1.1
	نشر شاخصهای اقتصادی								
	چاپ و نشر آثار تحقیقی								
دفتر رئیس جمهور، شورای عالی اقتصادی، وزارت اقتصاد، وزارت صنعت و تجارت، وزارت‌های سکنتوری	تایید کالاهای نامزد						1	پرکردن خلاهای مدل اقتصادی	1.2
	ایجاد مدل ملی تعادل عمومی قابل محاسبه								
	تحلیل کلسترهای اقتصادی								
	انکشاف ضریب واردات								
	تعیین ضریبهای اشتغال								
	گزینہ تعرفه و سهیه نمونه								
	حساسیتهای بازار نمونه								
مدل سازی سهیه واردات									
دفتر رئیس جمهور، دفتر رئیس اجرائیه، شورای عالی اقتصادی، وزارت اقتصاد	ایجاد کمیته تسوید						2	تهیه پالیسی ملی اقتصادی	1.3
	ثبات اقتصاد کلان								
	موقف مالی و مصارف								
	پالیسی بازنگری مالیات و نرخ سود								
	اقدامات حمایت از تجارت								
وزارت اقتصاد، وزارت زراعت، آبیاری و مالداري	اقدامات اشتغال						1	تاسیس کمیته رهبری تعویض واردات	1.4
	هم‌آهنگی بین الوزارتی								
	تطبیق نظارت از اثرات درازمدت								
							1	ایجاد برنامه ملی خصوصی سازی/شرکتی سازی	1.5

جدول شماره 4: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

ادارات تطبیق کننده	فعالیتها	زمان تطبیق					اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	فعالیتها
		2024	2023	2022	2021	2020		
دفتر رئیس جمهور، شورای عالی اقتصادی، وزارت مالیه، وزارت اقتصاد و تجارت	تهیه چارچوبهای حقوقی سکتورهای موردنظر برای خصوصی سازی - ایجاد کمیته های نظارت از خصوصی سازی - تعیین ستراتیژی، سنجش و بسته های تشویقی - بازگذاشتن دارایی های دولتی برای سکتور خصوصی							
2. اقدامات مربوط به تشویق صنایع								
شورای عالی اقتصادی، وزارت صنعت و تجارت، وزارت اقتصاد	مشوق های مالی و غیرمالی - مزایا برای کاهش سریع - معافیت های مالیاتی - وضعیت پیشگام و سبسایدها - پالیسی های کربدیت - تطبیق منشور زراعتی						1	2.1 تهیه برنامه و بسته های حمایت از صنایع
وزارت مالیه، مرکز تحلیل پالیسی اقتصادی، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول	انجام تحلیل اقتصادی - انجام مطالعات دوره یی هزینه و منفعت						1	2.2 کاهش تعرفه های گمرکی بالای کالاهای وارداتی نامزد
اداره ریاست مشارکت عامه و خصوصی، وزارت مالیه، وزارت زراعت و آبیاری	انجام مطالعات امکان سنجی - تدارک مشارکت عامه و خصوصی - بررسی پوتنسیال مصرف						1	2.3 دادن زمین برای زراعت تجارتی دارای مقیاس کلان

جدول شماره 4: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

ادارات تطبیق کننده	فعالیتها	زمان تطبیق					اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	فعالیتها
		2024	2023	2022	2021	2020		
وزارت صنعت و تجارت، وزارت مالیه، اداره اراضی، کمیسیون انکشاف اقتصادی میادین هوایی افغانستان	- انتخاب محل - پلان کاری و تدارکات - اعطا و مدیریت امتیازات						2	تطبیق پالیسی پارکهای صنعتی
اداره اراضی، وزارت مالیه، وزارت صنعت و تجارت، وزارت اقتصاد	- ایجاد اداره دولتی سرمایه گذاری های مشترک - شناسایی پروژه ها بالای زمین های دولتی						2	تطبیق قانون شرکت انکشاف زمین
اداره تنظیم پارکهای صنعتی افغانستان	- انجام مطالعات امکان سنجی - ستراتیژی توسعه صادرات - تدارک کمپنی های گرداننده و اجاره دار						2	ایجاد پارکهای جامع مواد غذایی زراعتی
وزارت های زراعت و آبیاری، احیا و انکشاف دهات، مالیه و صنعت و تجارت	- تهیه رهنمودها و بسته های تشویقی - تاسیس و حمایت						2	بسته های تشویقی برای کوپراتیف های تولیدی
وزارت مالیه، وزارت صنعت و تجارت	- انجام مطالعات امکان سنجی - برد مشورتی معاملات مشارکت عامه و خصوصی						2	نهایی سازی قرارداد خصوصی سازی دو فابریکه موجود سمنت
دفتر رئیس جمهور، وزارت مالیه	- ایجاد تاسک فورس (تیم کاری) محصولات محلی - تشویق افغانی سازی (فیصدی محصولات محلی)						1	تهیه پالیسی محصولات محلی

جدول شماره 4: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

ادارات تطبیق کننده	فعالیتها	زمان تطبیق					اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	فعالیتها
		2024	2023	2022	2021	2020		
وزارت اقتصاد، وزارت صنعت و تجارت	- شناسایی اثرات مخرب محصولات						1	2.10 انکشاف تدابیر ضد دامپینگ
	- در نظر گرفتن مالیات گمرکی ضد دامپینگ							
وزارت مالیه	- افزایش مشارکت شرکت های محلی						1	2.11 تقویت تدارکات محلی
	- افزایش دادن مصارف داخل کشور							
3. تدابیر سطح اول و حمایت پاسیف برای بازارهای مالی و کریدیت								
د افغانستان بانک، وزارت مالیه، سکتورها	- شرایط و تعیین قیمت						1	3.1 تطبیق برنامه تضمین کریدیت
	- واجد شرایط بودن							
	- تعیین سکتورهای واجد شرایط							
اداره ملی ستنرد، اتاق تجارت	- تقویت ظرفیت موسسات						2	3.2 تقویت زیربنای باکیفیت در سطح ملی
	- تقویت مشارکت سکتور خصوصی							
	- عرضه کننده گان خدمات زیربنای باکیفیت ملی بخش خصوصی							
د افغانستان بانک، بانک جهانی، صندوق بین المللی پول	- تهیه ستراتیژی ملی مشارکت مالی						1	3.3 تطبیق ستراتیژی مشارکت مالی
	- تهیه ستراتیژی ملی دانش و قابلیت مالی							
	- تهیه قوانین حفاظت از مصرف کنندگان							
د افغانستان بانک، وزارت مالیه	- نهایی سازی چارچوبهای قانونی و تنظیم کننده برای بازار صکوک						2	3.4 انکشاف بازار دومی
	- نشر اسناد قرضه داخلی							

جدول شماره 4: ماتریس اقدامات مربوط به تعویض افغانستان مولد

ادارات تطبیق کننده	فعالیتها	زمان تطبیق					اولویت (1=بالا) (2=متوسط) (3=پایین)	فعالیتها
		2024	2023	2022	2021	2020		
د افغانستان بانک	موثریت مجرای سود						1	بهبود نرخ موثر تبادل ارز
	اقدامات مربوط به اعتماد بالای پول ملی							
د افغانستان بانک	بهبود تقاضای جمعی						2	بهبود میکانیزم های انتقال پول
	رژیم درست نرخ سود							
	انکشاف بازار کربدیت							
وزارت مالیه، وزارت اقتصاد، موسسات مالی بین المللی، کمک دهنده گان	شناسایی پروژه های اساسی برای مشارکت عامه و خصوصی/ سرمایه گذاری مشترک						3	دریافت تمویل مختلط برای سرمایه گذاری های اساسی
	راه اندازه امتحانی نمونه های تمویل مختط سکتوری							
د افغانستان بانک، مسفا، بانکهای تجارتی، تصدیهای دولتی	گفتگو با بخش صنایع و تشبثات کوچک و متوسط						2	معرفی تسهیلات و خدمات جدید بانکی برای صنایع
	دخیل ساختن بانک های تجاری							



4 . شاخصهای مهم کارکرد
در زمینه های افغانی سازی،
صنعتی سازی و تجارتي
سازی

4 شاخصهای مهم کارکرد در زمینه افغانی سازی، صنعتی سازی و تجارتی سازی

این ستراتیژی توسط شیوه جدید پالیسی که بر مفهوم افغانی سازی استوار میباشد، حمایت میشود. افغانی سازی بوسیله تمرکز قوی روی تقویت صنایع کوچک و متوسط و تلاش قوی برای تجارتی سازی بیشتر مورد حمایت قرار میگیرد. سکتور زراعت افغانستان به شمول عرضه مواد غذایی داخلی و محصولات صنعتی اساس کالاها را برای تعویض واردات و صادرات تشکیل داده تا بازار برای توسعه تولیدات داخلی را توسعه دهد. در حالیکه سکتور معادن افغانستان دارای پوتنسیال درازمدت بوده، با توجه به قیمتهای پایین محصولات در سطح دنیا و هزینه های بلند استخراج و حمل و نقل، ارتباطات میان صنعتی سازی تحت رهبری زراعت و سکتور معادن برای تکامل زمانگیر خواهد بود. از همین جهت صنعتی سازی تحت رهبری زراعت میتواند به مثابه ستراتیژی سرمایه گذاری مشخص شود که:

- تولیدات زراعتی و مولدیت را افزایش میدهد،
- تولیدات صنعتی و مولدیت را افزایش میدهد،
- روی صنایع کاربری تمرکز مینماید،
- ارتباط میان مواد- تولید میان هر دو سکتور را پایان میدهد، و
- تولید مختلط، و سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی.

تولید ناخالص داخلی افغانستان 20.8 میلیارد دلار امریکایی بوده و ساختار سهم تولید ناخالص داخلی را 21 درصد زراعت، 22 درصد صنایع، 11 درصد تولید و 53 درصد خدمات تشکیل میدهد. با این وضعیت، شیوه و اهداف این عناصر قرار ذیل ارائه میشود:

4.1 افغانی سازی- افزایش قابلیت های تولید داخلی

حکومت افغانستان در نظر دارد تا پالیسی جدید را تحت نام "افغانی سازی" عملی نماید. در اصل آن، افغانی سازی ابتکار حکومت برای افزایش فواید رشد و اشتغال زایی برای شرکتهای و اتباع افغانی بوده تا خودشان هم محصولات را تولید کرده و هم در سکتورهای دولتی و خصوصی به شیوه هدفمند و متمرکز آن به کار گماشته شوند. در گذشته اتکای بیش از حد روی کمکهای خارجی و واردات بوده که منجر به کسر در تجارت، حساب جاری، سرمایه گذاری و مهارتها شده است.

4.1.1 شیوه:

بسته تشویقی غرض تقویت افغانی سازی دارای شماری از اقدامات بوده که برای تقویت ظرفیت های تولید داخلی در مقایسه با بازارهای داخلی و خارجی طراحی شده است. اقدامات اساسی در زمینه قرار ذیل اند:

- اتخاذ پالیسی (افغانستان در قدم نخست) در تمام مراحل انکشاف،
- اعطای قراردادهای به شرکتهای افغانی تا حد امکان و در صورتیکه نامزد باشند،
- تهیه رهنمودها و مقررات برای محصولات داخلی،
- کاهش اثرات افغانی سازی اقتصاد،
- انکشاف بازار دومی به شمول صکوک،
- غلبه بر ضعف ها در زمینه توسعه تولیدات داخلی،
- کاهش هزینه های تولید و پایین آوردن خطرات،
- ایجاد رشد و اشتغال در داخل کشور،
- پایین آوردن میزان خطرات و افزایش امتیازات و پاداشها.

4.1.1 شاخص های مهم کارکرد:

هدف اساسی افغانی سازی دادن حق اولویت به افغانستان میباشد. این به مفهوم افزایش بسته های تشویقی برای مولدین، و تطبیق پالیسیها و مقررات جهت حمایت از تولیدات داخلی در برابر کالاهای وارداتی در مواردی هست که انجام این کار توجیه داشته باشد. طور مثال، افغانستان میتواند در بخش گندم و آرد گندم، تولید گوشت مرغ و تخم در داخل خودکفا شده و همچنان میتواند با توجه به ارتباطات به جلو و عقبی صنایع تولید سمنت و ادویه را انکشاف داده که اینکار همچنان میتواند سایر صنایع را تشویق نماید هدف این پالیسی اشتغال زایی در داخل کشور به عوض خارج از کشور و انجام سرمایه گذاری هایی است که میزان رقابت افغانستان را در مقابل بازارهای خارجی افزایش میدهد. اهداف مهم در بکس ذیل ارائه شده است:

اهداف افغانی سازی:

- پالیسی ملی اقتصادی مبتنی بر مدارک و موجودیت دوامدار تحلیل اقتصادی جهت رهنمایی انکشاف صنعتی و زراعتی،
- کاهش 50 درصد وابستگی به واردات برای کالاهای موردنظر الی سال 2025،
- کاهش کسر حساب جاری از 22 درصد در سال 2016 تا 10 درصد الی سال 2025،

- کاهش واردات اجناس و خدمات از 40.02 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2016 تا 35 درصد الی سال 2025، و
- بهبود بیلانس تجارت از 6.97- میلیارد دالر امریکایی در سال 2016 تا 5.5- میلیارد دالرامریکایی الی سال 2025.

4.2 صنعتی سازی-امکان بلند بردن ارزش 43

وزارت اقتصاد معتقد است که به تسریع صنعتی سازی در افغانستان توجه کافی نشده است. تحلیل کلسترهای صنعتی بصورت دوامدار صورت نگرفته، ضریب تاثیر واردات سنجش نشده، و افزایش دهندگان(ضریبهای) اشتغال همچنان تثبیت نشده است. بسته های تشویقی بصورت درست انکشاف داده نشده، و کاهش در تولید و صنعت تاثیر منفی روی میزان اشتغال زایی داشته است. در نتیجه، ایجاد ستراتیژی تعویض باید در قدم اول مشکل نبود اطلاعات و تحلیل را که بر مبنای آن میتوان پالیسی بهتری را تهیه کرد، حل نماید.

4.2.1 شیوه:

شیوه اساسی عبارت از ارائه کمک مستقیم به تشویق صنایع و تولیدات بوده که این کار نه فقط از راه انکشاف شبکه کالا و زنجیره ارزش صورت گیرد بلکه باید برای بهبود موازنه میان خطرات و پاداشها با بخش خصوصی کار صورت گیرد.

- معافیت موقت مالیاتی سه ساله برای شرکتهای تولیدی جدید جهت تشویق سرمایه گذاری،
- شناسایی و حمایت از زنجیره های ارزش که نشاندهنده دورنماهای رقابتی برای افزودن ارزش در کلسترهای صنعتی موردنظر میباشد،
- ارائه بسته های تشویقی مالی و غیرمالی،
- بهبود دسترسی به منابع مالی و موجودیت خدمات بانکی برای حمایت از صنایع و تشبثات کوچک و متوسط،
- تقویت بسته های تشویقی برای صنایع که عرض تشویق تجارت داخلی و سرمایه گذاری در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار داده میشود،
- هدف قرار دادن سرمایه گذارهایی که بر مشکلات بازار چون انرژی ارزان، جمع آوری و تراکم بهتر کالاها، سردخانه ها، بسته بندی، تصدیق دهی، حمل و نقل و معلومات مربوط به بازار فایق می آیند،
- تقویت و بهبود شمولیت مالی، و
- انکشاف سریع زونهای اقتصادی/زراعتی-صنعتی خاص و مشارکتهای عامه و خصوصی به شمول امتیازات.

4.2.1 شاخصهای مهم کارکرد:

هدف اساسی توسعه تولید و صنعت به مثابه بخشی از تولید ناخالص داخلی بر مبنای رشد در کلسترهای صنعتی مورد نظر و شناسایی شده میباشد. سرمایه گذاری روی انکشاف زنجیره ارزش موجود تا حد زیادی روی انکشاف باغداری و مالداري و تمرکز بیشتر روی افزایش ظرفیتهای تولیدی شرکتهای برای کالاهایی که دارای پوتنسیال افزایش ارزش و حجم بوده، متکی میباشد.

اهداف صنعتی سازی:

- افزایش سهم تولید از 11.31 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2016 به 16 درصد الی سال 2025،
- افزایش سهم صنایع از 21.7 درصد در سال 2016 به 25 درصد الی سال 2025،
- افزایش سهم تشبثات کوچک و متوسط در تولید ناخالص داخلی از 50 درصد به 60 درصد تولید ناخالص داخلی الی سال 2025،
- از میان برداشتن تعرفه های وارداتی بالای تعدادی از اقلام وارداتی به منظور کاهش هزینه تولید و بهبود رقابت،
- نیل به رشد 100 درصدی اشتغال زایی در سکتور صنعت الی سال 2025،
- کاهش 50 درصدی در تورید سمنت و جبران آن توسط عرضه داخلی، و
- تاسیس چهار پارک زراعتی-صنعتی/زونهای خاص اقتصادی الی سال 2025.

43 صنعت به تقسیمات طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع 10-45 مطابقت کرده و شامل تولید(تقسیمات طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع 15-37) میگردد. این شامل ارزش افزوده در معادن، تولید(همچنان به عنوان گروپ فرعی جداگانه گزارش شده)، ساختمان، برق، آب، و گاز میشود. ارزش افزوده عبارت از بازدهی خالص یک سکتور بعد از افزودن تمام تولیدات و منفی کردن داده های ضروری میباشد. این بدون کم کردن استهلاك دارایی های ساخته شده و کاهش منابع طبیعی محاسبه میشود. مبدای ارزش افزوده توسط طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع بازنگری 3 و یا 4 مشخص میشود. تولید به صنایع مربوط به تقسیمات 15-37 طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع برمیگردد. ارزش افزوده عبارت از تولید خالص یک سکتور بعد از علاوه کردن تمام داده ها و منفی کردن داده های ضروری میباشد. این بدون کم کردن استهلاك دارایی های ساخته شده و کاهش منابع طبیعی محاسبه میشود. مبدای ارزش افزوده توسط طبقه بندی بین المللی معیاری صنایع بازنگری 3 مشخص میشود.

4.3 تجارتی سازی- افزایش سرمایه خصوصی

در سالهای اخیر به توسعه تجارتی بیشتر در بخش های زراعت و ادویه توجه کمتری صورت گرفته است. در حالیکه در بخش معادن امتیازات کلان داده شده، استخراج بیشتر برای مقاصد صدور کالاها بوده است. پوتنسیال استفاده از زمین های دولتی برای زراعت تجارتی نه تنها باعث افزایش تولید شده بلکه اتکا روی واردات را نیز تلافی کرده و همچنان راه درازی برای انتقال تکنالوژی و همچنان در اشتغال زایی، و ارتباطات به جلو و عقبی در پیش است. طور مثال، طبق معلومات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري، افغانستان دارای 7.5 میلیون همکنار زمین آبی بوده مگر تنها 2.5 میلیون هکتار آن در سال 2017 کشت شده است. تغییر اساسی درین زمینه مستلزم سرمایه گذاری قابل ملاحظه در بخش آبیاری و کاهش در سطح ناامنی ها میباشد.

4.3.1 شیوه:

به منظور بهبود کیفیت زیربناها و تمرکز خاص روی بهبود و تقویت بازارهای داخلی و دسترسی مولدین به قرضه، تضمین قرضه، بیمه خطرات، و معرفی اسناد قرضه در مطابقت با شریعت اسلامی باید با د افغانستان بانک، وزارت صنعت و تجارت، وزارت مالیه، اداره اراضی، وزارت های سکتوری و اتاقهای تجارت کار صورت گیرد.

4.3.1 شاخصهای مهم کارکرد:

به منظور انتقال بنیادی به فعالیتهای تجارتی در کشور اهداف ذیل پیشنهاد شده است. در زمینه گسترش زراعت تجارتی (للمی و آبی) به سرمایه گذاری اساسی ضرورت است تا ساحه تولید با استفاده از راه های تمویل مختط که خطر گردانندگان بخش تجارتی را کاهش میدهد، گسترش داده شود. معافیت های مالیاتی، قرضه های با شرایط آسان، سرمایه گذاریهای مشترک با شرکتهای بین المللی و شیوه های پروسیس زراعتی- صنعتی شرایط تجارت را بهبود خواهد بخشید.

اهداف تجارتی سازی:

- افزایش سرمایه گذاری از 17.71 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2016 به 22 درصد الی سال 2025،
- افزایش ساحه زمین آبی الی 50000 هکتار تا سال 2025 و زمین للمی الی 400000 هکتار تا سال 2025،
- ایجاد سیستم ملی کنترول خطرات سیاسی و تضمین قرضه،
- بهبود شمولیت مالی با فیصدی نفوسی که دارای حسابات بانکی هستند و افزایش آن از 15 درصد به 25 درصد،
- ایجاد چارچوب قانونی و تنظیم کننده برای انکشاف بازار دومی، و
- بلند بردن درجه بندی افغانستان در شاخص کارکرد تدارکات از 160 به 140 تا سال 2025.



5 . تاثیرات متوقعه در از مدت

5 تاثیرات متوقعه درازمدت

این ستراتیژی در مطابقت با ستراتیژی رشد وزارت مالیه اقداماتی را جهت تشویقی ساختن تعویض واردات پیشنهاد مینماید. درین قسمت سه حالت مورد بحث قرار گرفته است. حالت اول دوران سرمایه گذاری را پیشبینی مینماید که در آن به شمول انجام اقدامات پیشنهاد شده درین ستراتیژی، صلح و امنیت بهتر وجود دارد. حالت دوم همه اصلاحات معرفی شده در حالت اول را پیشبینی نموده ولی همچنان پیشبینی میکند که هیچ پیشرفتی در جهت تامین صلح صورت نگرفته و منازعه، ناامنی و خشونت در سطح فعلی و یا نزدیک به سطح فعلی موجود است. حالت سوم به تجارت منحیث رشد عادی اشاره داشته که خط مبدا برای دو حالت دیگر بدون صلح و رشد خیلی محدود میباشد. با توجه به اهداف ستراتیژیک ارائه شده در قسمت 4 فوق، اثرات مثبت اقدامات مختلف در ارتباط به نتایج ذیل پیشبینی میگردد:

- کسر تجارت،
- بیلانس حساب جاری،
- افزایش در میزان صنایع و تولیدات،
- کاهش میزان وابستگی به واردات برای اقلام پیشنهادی،
- فعالیتهای تشبثات کوچک و متوسط،
- رشد اشتغال زایی در زراعت، سمنت و ادویه،
- فابریکه های تولیدات زراعتی و زونهای خاص اقتصادی به منظور کمک به رسمی سازی،
- افزایش در سرمایه گذاری و ایجاد سرمایه ثابت،
- زراعت تجارتی،
- شمولیت مالی،
- انکشاف بازار دومی، و
- بهبودی در درجه بندی کارکرد تدارکاتی

4.2.2 حالتیهای سرمایه گذاری

تبدیل اقتصاد افغانستان از حالت وابستگی بیش از حد به امرار معاش به اقتصاد شهری، یکپارچه، و تحت سلطه تشبثات اساس انکشاف اقتصادی و بهبودی در رفاه اقتصادی مردم را تشکیل میدهد. ستراتیژی پیشنهاد شده درین سند، تسریع روند تولید با تعویض واردات را جهت بهبود شرایط تجارت و همچنان پایه گذاری صنعتی سازی در سطح کوچک و افزودن ارزش را ارتباط میدهد. اتخاذ این شیوه در شرایط کنونی ضروری است چون میزان کمکهای خارجی روبه کاهش بوده و توقع میروود بازارهای افغانی رفاه اجتماعی و اقتصادی مردم را از طریق میکانیزمهای بازار (بصورت روز افزون بدون سببایدیها) بهبود بخشد. چون حکومت در نظر دارد تولید داخلی را با بسته های تشویقی تقویت نماید، ازین رو اصلاحات باید با (1) افزایش ظرفیت دولت برای مدیریت اقتصاد کلان، مدیریت مصارف دولتی، و رهنمایی تحول اقتصادی، (2) ایجاد شرایط مساعد برای تجارت که همچنان مشارکت بخش خصوصی را تشویق میکند، (3) انکشاف مهارتهای مردم در زمینه پیشبرد یک اقتصاد عصری، (4) افزایش پس اندازهای داخلی خصوصی و سرمایه گذارها، (5) جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، (6) ایجاد و نگه داری زیربنای فزینی، (7) شناسایی و حمایت از سکورها، کالاها، و فعالیتهای اقتصادی مشخص در برتری نسبی بالقوه کشور همراه بوده باشند.

سه حالت سرمایه گذاری در ذیل ارائه شده که یکی آن روی دور درست سرمایه گذاری که چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و اصلاحات ارائه شده در ستراتیژی تعویض واردات (حالت اول رشد) را تطبیق مینماید، تمرکز دارد و حالتی که در آن اصلاحات بدون موجودیت صلح تطبیق شده که به این ترتیب تاثیر اصلاحات تا اندازه زیادی کاهش می باید (حالت دوم)، بالاخره، حالت مبدا (طبق معمول) بدون پروسه اصلاحات که منجر به سرمایه گذاری کم و بی ثباتی میگردد (حالت سوم)، انکشاف داده میشود.

جدول : خلاصه سه حالت- تاثیرات درازمدت الی سال 2025 (به میلیارد دالر امریکایی)

بیلبانس تجارت		واردات (تولید خالص داخلی)		بیلبانس حساب جاری		مجموع عواید		عواید مهم		عواید عمومی		تولید ناخالص داخلی به دالر امریکایی		فیصدی رشد تولید ناخالص داخلی		حالتها
فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امریکایی	فیصدی تولید ناخالص داخلی	دالر امری کایی	عاید سرانه	دالر امریکایی	میانگین تا سال 2030	2025	
-49.88	-12.4	28.34	7.05	-18%	4.48	13.15	3.3	0.9%	0.21	12.3	3.1	579	24.9	3.4	3.5	خط مبدا (کار طبق معمول)
-25.51	-6.8	21.88	5.83	-10%	2.67	16.42	4.4	2.2%	0.57	14.3	3.8	621	26.7	4.9	5.5	اصلاحات در شرایط جنگ و منازعه
-17.91	-5.50	17.40	5.35	-8%	2.46	17.93	5.5	3.7%	1.12	14.3	4.4	716	30.7	6.9	7.8	اصلاحات و صلح

4.3 حالت اول رشد: صلح، تعویض واردات و رشد صادرات

حکومت با تطبیق اصلاحات چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که در برنامه های ملی دارای اولویت بیان شده و پلانهای سکتوری که در ماتریس های پلان تطبیقی ارائه شده، به پیشرفت دوامدار خویش ادامه میدهد. انتخابات صورت گرفت و بحثهای صلح تا سال 2020 موفق خواهد شد. توافق صلح منجر به کاهش قابل ملاحظه و پایدار ناامنی و خشونت در کشور شده، تجارت و سرمایه گذاری را تقویت خواهد کرد. تاثیرات درازمدت آن بالای اقتصاد قرار ذیل میباشد:

شرح حالت رشد:

- به منظور حمایت و تحکیم صلح، همکاران انکشافی کمکهای بلاعوض شانرا برای شش سال اول مدت پیشبینی شده بعد از رسیدن به توافق صلح (این کار با تجربه جهانی افزایش کوتاه مدت میزان کمکها بعد از ختم خشونت مطابقت دارد) به اندازه 5 درصد تولید ناخالص داخلی با در نظر داشت مبلغ مبداء افزایش خواهند داد.
- عواید داخلی حکومت در نتیجه رشد بالای اقتصادی، تقویت کیفیت موسساتی از طریق بهبودی در اجرا و پیروی از قوانین مالیاتی افزایش می یابد.
- تقاضا برای مصارف حکومتی به منظور تطبیق برنامه های تامین ثبات و انحلال گروه های مسلح افزایش می یابد.
- افزایش کوتاه مدت در تقاضا بصورت کل وجود داشته که در ابتدا در سکتورهای خدمات شهری باعث رشد شده مگر در نهایت همه اقتصاد را احتوا میکند.

4.4 هزینه های سرمایه گذاری:

درین حالت سرمایه گذاری بخش خصوصی از طریق سه مجرای ذیل افزایش می یابد:

- کاهش در میزان خشونت و ناامنی اعتماد روی سرمایه گذاری (بی ثباتی سیاسی در حال حاضر به مثابه مشکل عمده در برابر سرمایه گذاریها تلقی شده و سرویها و شواهد تجربی از منابع مختلف نشان میدهد که ناامنی و خشونت روی سرمایه گذاری تاثیر منفی میگذارد)،
- عودت دادن مهاجرین ماهر به بهبود وضعیت عمومی ظرفیت حکومت و کیفیت ادارات کمک مینماید. این کار بر احتمال تاثیر چانه زنی های سیاسی اضافی در فرآیند های سیاسی تحت حکومت صلح تاثیر می گذارد، و
- عودت دادن سرمایه خارج از کشور (10 درصد تولید ناخالص داخلی) میزان سرمایه خصوصی برای سرمایه گذاری (این رقم با تخمین های سایر کشورهای جنگ زده که در آنها میزان سرمایه خصوصی خارجی در حدود 30 درصد تولید ناخالص داخلی شان تخمین زده میشود، مطابقت دارد) را افزایش میدهد.

در جریان دو سال اول سرمایه گذاری به اندازه 10 درصد افزایش یافته که این وضعیت منعکس کننده بازگشت سرمایه بیرون از کشور و جمع آوری نقدینگی بانکها در صورت افزایش میزان اعتماد و بهبود شرایط امنیتی بوده و سپس در نتیجه افزایش ظرفیت تولیدی و قابلیت های صنعتی و تولیدی سرمایه گذاری تا سال 2025 به 22 درصد و در نهایت در سال 2030 به 31 درصد افزایش خواهد یافت. این سرمایه گذاری با میزان رشد پیشبینی شده مطابق خواهد داشت. سرمایه گذاری افزایش یافته برای بهبود سهم تولید و صنعت مورد استفاده قرار گرفته و همچنان به کاهش اتکا بالای واردات نظر به حالت موجود کمک خواهد کرد.

سایر انکشافات به منظور کمک به افزایش سرمایه گذاری الی سال 2024، افزایش کم در مصارف سکتور امنیتی بوده که میزان تورم را کند ساخته و امکانات بیشتر مالی را برای سرمایه گذاری در بخش ملکی فراهم میسازد. پروژه های تاپی، تاپ و کاسا مطابق پلان مورد تطبیق قرار میگیرند. سرمایه گذاری دولتی در سکتور زراعت 400000 هکتار زمین آبی دیگر را طی پنج سال آینده قابل استفاده خواهد ساخت. افزایش در تولیدات زراعتی نشاندهنده انکشاف پارکهای تولیدات زراعتی و توسعه سکتورهای فرعی دارای اولویت به شمول جلعوزه، باغداری، و انگور میباشد. پارکهای تولیدات زراعتی و خدمات آموزشی در طی پنج سال گسترش خواهد یافت. سرمایه گذاری روی منابع بشری به عنوان بخشی از بودجه افزایش یافته و به 50 درصد مجموع مصارف عادی تا سال 2020 رسیده، که باعث بلند رفتن سطح سواد و کاهش در میزان رشد نفوس و میزان رشد نیروی کار الی ختم همین مدت خواهد شد. تمام سرمایه گذاریهای سکتور انرژی در مطابق با پلان سرمایه گذاری د افغانستان برشنا شرکت انجام خواهد شد. تحکیم صلح باعث کاهش مصارف امنیتی شده مگر تحقق نتایج آن آهسته خواهد بود. طبق تجربه جهانی، حجم سکتور امنیتی و مجموع مصارف سکتور امنیتی بصورت سریع کاهش نه یافته مگر منابع مالی برای تطبیق برنامه های ملکی سازی در داخل سکتور دوباره توزیع خواهد شد.

4.5 تاثیرات درازمدت روی تولید ناخالص داخلی

میزان رشد قبل از کاهش تدریجی آن به 6 درصد الی سال 2025 سریعاً به 9 درصد افزایش خواهد یافت. میزان رشد نسبت به حالت مبداء و حالت دوم (اصلاحات در شرایط جنگ و منازعه) بیشتر است. میزان رشد به علت عادی سازی افزایش تقاضا از میزان بالای 9 درصد به 6 درصد کاهش می یابد.

4.6 تاثیرات درازمدت بالای بیلانس تجارت

در حال حاضر بیلانس تجارت 6.9 میلیارد دالر امریکایی بوده که به 34 درصد تولید ناخالص داخلی بالغ میگردد. با انجام اصلاحاتی که درین ستراتیژی تعویض واردات/ رشد صادرات و چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان پیشبینی شده، کاهش مجموعی واردات الی 10 درصد تا سال 2025 و در نتیجه توریید کالاهای مورد نظر تا 50 درصد خواهد بود. این کار کسر بیلانس تجارت را به 5.5 میلیارد دالر امریکایی کاهش خواهد داد.

ارزش کالاهای وارداتی برای کالاهای شناسایی شده در لیست کالاهای برای سال 2017 مبلغ 1.3 میلیارد دالر امریکایی خواهد بود. این یک افزایش قابل ملاحظه را در ارزش وارداتی این کالاهای از 50 میلیون دالر امریکایی در سال 2000 نشان میدهد. طی هفده سال گذشته، افزایش چشمگیر واردات با فراز و نشیبها همراه بوده است. درحالیکه این افزایش تا حدی مربوط به افزایش میزان تجارت جهانی بوده، بخش اعظم این افزایش به علت افزایش در میزان توریید سبزیجات، آرد گندم، شکر، سمنت و ادویه جات بوده است. در طی این مدت، افزایش سالانه در واردات این کالاهای بصورت میانگین بیشتر از 150 درصد بوده که نشاندهنده وابستگی بیش از حد کشور بالای واردات میباشد. در حال حاضر لیست شناسایی شده کالاهای در حدود 27 درصد مجموع کالاهای وارداتی را تشکیل میدهد.

کاهش 50 درصدی ارزش مجموع کالاهای موردنظر، با قبول اینکه سهم کالاهای ثابت باقی میماند، منجر به کاهش واردات به اندازه 0.72 میلیارد دالر امریکایی خواهد شد. این به معنی ایجاد عواید منهای مقادیر تعرفه خواهد بود. مگر تعویض واردات و افغانی سازی مستلزم کاهش در میزان واردات و تعویض آنها با کالاهای داخلی میباشد. به استثنای ادویه و سمنت، بسیاری از محصولات به آموزشهای عمده مهارتبر برای حمایت از تولید ضرورت نداشته و اگر بسته های تشویقی درست ارائه شوند، این کار منجر به افزایش تولید و عایدزایی شده که در نهایت منجر به افزایش صادرات درین محصولات خواهد شد.

4.7 تاثیرات درازمدت بالای حساب جاری

در زمینه بیلانس حساب جاری، افزایش کمکهای بلاعوض بین المللی به اندازه 5 درصد تولید ناخالص داخلی که به پروژه های ملکی اختصاص داده میشود، دارای خط مبدا برای شش سال میباشد. بعد از شش سال، میزان کمکهای خارجی بلافاصله دوباره به مسیر اولیه آن برمیگردد. میزان کمکهای بلاعوض از طریق بودجه ملی تا سال 2030 در سکتورهای امنیتی و ملکی از 30 درصد به 60 درصد افزایش می یابد. کاهش در واردات و بیلانس تجارت طوریکه تخمین شده است، باعث کاهش کسر حساب جاری گردیده و کاهش تخمین شده ارزش واردات منجر به کاهش کسر حساب جاری از 22 درصد به 10 درصد الی سال 2025 خواهد شد.

4.8 تاثیرات درازمدت بالای اشتغال

تاثیر درازمدت بالای اشتغال با جزئیات آن تنها زمانی ممکن خواهد بود که لیست پروژه های مشخص و جزئیات سکتورهای سرمایه گذاری مشخص گردد. مگر جدول ذیل نشان میدهد که چگونگی سرمایه گذاری به ایجاد اشتغال کمک مینماید. جدول شماره 6 ذیل افزایش دهنده های (ضریبهای) نوع اول سکتورهای مشخص را نشان میدهد. این افزایش دهنده ها (ضریبها) از کشورهای مشابه جنوب آسیا گرفته شده است. برای هر سکتور، افزایش دهنده (ضریب) تعداد شغل های ایجاد شده جهت بلند بردن بازدهی به اندازه یکصد هزار افغانی را بدسترس قرار میدهد.

شماره 6: ضریب های (افزایش دهنده) اشتغال کلاسترهای صنعتی

کارگر غیر رسمی	کارگر رسمی	
2.291	0.039	زراعت و فعالیت های مربوط به آن
0.158	0.038	معادن
2.689	0.063	فرنیچر
0.149	0.037	محصولات نفتی
0.197	0.125	سمنت
0.361	0.096	محصولات منزالی غیرفلزی
0.0673	0.093	سایر تولیدات
0.0784	0.072	ساختمان
0.217	0.077	برق
0.56	0.15	خدمات حمل و نقل

4.9 حالت رشد 2: منازعه دوامدار، تعویض واردات و رشد صادرات

شرح حالت رشد:

حکومت در جهت تطبیق اصلاحات چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که در برنامه های دارای اولویت، پلانهای سکتوری ارائه شده در ماترسیهای پلان تطبیقی و اصلاحات مربوط به تعویض واردات و رشد صادرات که در فصل قبلی

ارائه شده است، به پیشرفت دوامدار خویش ادامه میدهد. انتخابات بدون کدام سکتگی عمده در پروسه های پالیسی و یا خشونت بزرگوار شد البته بعضی از مشکلات موقتی در جریان انتخابات بروز نموده ولی کدام آسیب دیرپا (مانند انتخابات سال 2014) واقع نشد. پیشرفت قابل ملاحظه در جهت صلح با طالبان حاصل نشده و جنگ، ناامنی و خشونت در سطح موجود ادامه دارد. بنابراین، اعتماد بخش خصوصی در سطح پایین قرار دارد (گرچه بعد از برگزاری انتخابات تا اندازه بهتر شده است). انکشاف صنایع استخراجی تدریجی بوده مگر در زمینه تا اندازه پیشرفت صورت گرفته است. سرمایه گذاری روبه افزایش بوده مگر افزایش عواید و تولید عمدتاً در ختم زمان پیشبینی شده صورت خواهد گرفت. تولیدات زراعتی همچنان با توسعه تدریجی زمین های آبی و آموزش بهتر دهاقین افزایش خواهد یافت.

4.10 هزینه های سرمایه گذاری

درین حالت کدام صدمه خارجی به سرمایه گذاری موجود نبوده و از همین جهت در دو سال اول مانند حالت اول افزایش در سرمایه گذاری وجود نخواهد داشت. ولی بین سالهای 2018 و 2025 میزان سرمایه گذاری به تدریج افزایش می یابد. برای حفظ میزان رشد درین حالت در ابتدا هزینه سرمایه گذاری در حدود 17 درصد بوده که به تدریج به 25 درصد الی سال 2030 خواهد رسید. در صورت ادامه جنگ، مصارف روزافزون حکومت روی سکتور امنیتی ادامه یافته در حالیکه کمکهای بین المللی کاهش می یابند. مصارف شامل بودجه سکتور امنیتی سالانه 9 درصد افزایش می یابد. مصارف عادی بخش ملکی به اساس عاید سرانه ثابت باقیمانده است. مصارف حفظ و مراقبت و امور عملیاتی بصورت ثابت افزایش یافته و به حد تخمین شده پایدار 7.2 درصد تولید ناخالص داخلی میرسد (نیازمندی تخمین شده به اساس مدارک سروی).

در بخش سرمایه گذاری عامه، پروژه های تاپی، تاپ و کاسا مطابق پلان ادامه خواهند یافت. سرمایه گذاری عامه در زراعت، 500000 هکتار زمین آبی دیگر را ایجاد کرده مگر میزان توسعه به اثر امکانات مالی محدود با مشکل روبرو خواهد بود. پارکهای تولیدات زراعتی و خدمات آموزشی به تدریج گسترش خواهد یافت. سرمایه گذاری بالای منابع بشری به عنوان قسمتی از بودجه به 50 درصد مصارف عادی الی سال 2024 افزایش خواهد یافت.

4.11 تاثیرات درازمدت بالای تولید ناخالص داخلی

میزان رشد کمی پایین تر از حالت چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان بوده که نشاندهنده پیشرفت محدود در زمینه صنایع استخراجی و وضعیت خراب امنیتی بوده است. میزان رشد در ظرف پنج سال اول به تدریج به 4 درصد افزایش یافته ولی تا سال 2030 به 5.5 درصد خواهد رسید. میزان رشد درین حالت بیشتر از خط مبدا بوده مگر در صورت مقایسه با حالت اول به علت ادامه جنگ و مسایل امنیتی کند بوده است.

4.12 تاثیرات درازمدت روی بیلانس تجارت

درین حالت مجموع واردات الی سال 2025 به اندازه 20 درصد افزایش داشته و کسر بیلانس تجارت 6.8 خواهد بود. در حالیکه کسر از مدت فعلی به اندازه زیادی افزایش نیافته ولی مانند حالت اول همچنان کاهش خواهد یافت چون در حالت موجودیت مسایل امنیتی و ادامه جنگ، اقدامات مربوط به بسته های تشویقی برای تعویض واردات تاثیر مورد نیاز نخواهد داشت.

4.13 تاثیرات درازمدت بالای حساب جاری

پشتیبانی بین المللی همچنان قوی است، اما جریان کمک ها با رشد اقتصادی هماهنگ نیست. میزان کمکهای بلاعوض از 8 میلیارد دلار امریکایی به 5.5 میلیارد دلار امریکایی کاهش می یابد. این امر کاهش 40 درصد تولید ناخالص داخلی امروزه به 20 درصد تولید ناخالص داخلی را الی سال 2030 نشان میدهد. میزان کمکهای شامل بودجه از 30 درصد به 60 درصد الی سال 2030 در سکتورهای امنیتی و ملکی افزایش می یابد.

تاثیر کلی روی کسر حساب جاری درین حالت از 22 - درصد در شرایط کنونی به 14 - درصد کاهش خواهد یافت.

4.14 حالت سوم رشد: کار طبق معمول

این حالت کار طبق معمول بوده مگر درین حالت نه اصلاحات چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان عملی شده و نه هم اصلاحات مربوط به تعویض واردات و رشد صادرات مورد تطبیق قرار گرفته است. جنگ ادامه داشته و توافق صلح پایدار حاصل نشده که این کار منجر به ادامه جنگ، ناامنی و خشونت در سطح فعلی میشود. در موجودیت جنگ دوامدار و نبود اصلاحات، اعتماد بخش خصوصی در سطح پایین باقی میماند (گرچه بعد از انتخابات تا حدی این اعتماد تقویت شده است). تمام فرضیه ها برای حالت دوم بدون تطبیق اصلاحات همچنان در حالت فعلی باقی میمانند. در چنین یک حالت، بسیاری از متغیرها از حالت فعلی فقط با تعداد کمی علایم مثبت بدتر شده است.

4.15 هزینه های سرمایه گذاری

در شرایط نگرانی دوامدار امنیتی، میزان سرمایه گذاری در نهایت کاهش یافته، هزینه های معاملاتی در سطح بالا باقیمانده، و تاثیرات رشد، عواید و اشتغال در سطح پایین خواهد بود.

4.16 تاثیرات درازمدت بالای تولید ناخالص داخلی

میزان رشد تولید ناخالص داخلی درین حالت نسبت به دو حالت قبلی به علت عدم تطبیق اصلاحات در سطح خیلی پایین قرار خواهد داشت. میزان رشد به 3.5 درصد افزایش یافته مگر سپس الی سال 2025 در همین سطح باقی خواهد ماند.

4.17 تاثیرات درازمدت روی بیلانس تجارت

درین حالت مجموع واردات در نبود جایگزینی واردات و رشد صادرات الی سال 2025 به 45 درصد افزایش یافته و کسر بیلانس تجارت بصورت قابل ملاحظهء تا 12 درصد افزایش می یابد.

4.18 تاثیرات درازمدت بالای حساب جاری

با ادامه کمکهای جامعه جهانی، بیلانس حساب جاری از حالت فعلی 22 درصد به 20 درصد تا سال 2025 کاهش خواهد یافت. این کار به علت بدتر شدن روز افزون بیلانس تجارت صورت خواهد گرفت.

4.19 تاثیرات درازمدت بالای اشتغال

میزان رسمی بیکاری در افغانستان 8.8 درصد بوده گرچه این معلومات دقیق نبوده و شامل اشتغال کم و ناکافی نمیگردد. باتوجه به انتقال موجود دموگرافیک، سرمایه گذاری روی اشتغال زایی برای کاهش میزان فقر مهم و حیاتی میباشد.

718	697	677	657	639	621	604	588	575	566	556	550	عاید سرانه تولید ناخالص داخلی (به دالر امریکایی)
تمویل حکومتی (درصدی نظر به تولید ناخالص داخلی مگر آنکه طور دیگر ذکر شده باشد)												
25.4	25.4	25.5	25.5	25.3	25.4	24.9	28.0	28.7	29.7	27.5	27.0	عواید حکومتی به شمول کمکهای بلاعوض
16.4	16.4	16.5	16.5	16.3	16.4	15.9	13.9	13.4	13.0	12.8	12.3	عواید حکومتی (از منابع داخلی)
5,650	5,373	5,120	4,859	4,584	4,377	4,035	3,349	3,067	2,856	2,714	2,526	به میلیون دالر امریکایی
739	707	686	646	580	573	547	275	246	151	113	9	از جمله صنایع استخراجی و ترانزیت
10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	33.2	36.2	39.4	42.9	39.6	کمکهای بلاعوض
9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	14.1	15.4	16.7	14.6	14.6	شامل بودجه
2,752	2,615	2,485	2,361	2,244	2,132	2,026	3,393	3,528	3,685	3,100	3,000	به میلیون دالر امریکایی
1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	19.1	20.8	22.6	28.2	24.9	کمکهای خارج از بودجه
25.4	25.4	25.5	25.5	25.3	25.4	24.9	28.0	28.7	29.7	27.5	27.0	مصارف حکومتی
9.6	9.7	9.9	10.0	10.1	10.3	10.4	10.6	10.7	10.7	10.7	10.7	مصارف امنیتی
7.7	7.8	7.9	7.9	8.0	8.1	8.2	8.3	8.3	8.4	8.4	8.4	مصارف عادی بخش ملکی
8.1	7.9	7.8	7.5	7.2	7.1	6.3	9.2	9.7	10.6	8.3	7.9	مصارف انکشافی بخش ملکی
حالت: اصلاحات و صلح												
2030	2029	2028	2027	2026	2025	2024	2023	2022	2021	2020	2019	سال
42.7	40.2	37.6	35.2	32.9	30.7	28.6	26.6	24.6	22.9	21.6	20.7	تولید ناخالص داخلی (به میلیارد دالر امریکایی)
6.6	7.2	7.2	7.2	7.6	7.8	8.0	8.2	7.9	6.2	4.6	4.2	رشد تولید خالص داخلی (به فیصد)
892	857	819	784	750	716	682	649	617	589	569	557	عاید سرانه تولید ناخالص داخلی (به دالر امریکایی)
تمویل حکومتی (درصدی نظر به تولید ناخالص داخلی مگر آنکه طور دیگر ذکر شده باشد)												
26.4	26.5	26.6	26.7	26.7	26.9	26.8	30.4	30.6	30.5	27.6	26.8	عواید حکومتی به شمول کمکهای بلاعوض
17.4	17.5	17.6	17.7	17.7	17.9	17.8	16.9	15.7	14.0	13.3	12.4	عواید حکومتی (از منابع داخلی)
7,442	7,036	6,626	6,219	5,838	5,508	5,078	4,481	3,868	3,218	2,871	2,565	به میلیون دالر امریکایی

افغانستان مولد- ستراتیژی تعویض واردات (2019-2025)
 افغانی سازی/صنعتی سازی/تجارتی سازی

1,344	1,297	1,258	1,195	1,138	1,124	997	954	839	401	210	16	از جمله صنایع استخراجی و ترانزیت
10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	10.0	31.6	35.0	38.6	42.4	39.0	کمکهای بلاعوض
9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	9.0	13.5	14.9	16.5	14.3	14.5	شامل بودجه
3,418	3,216	3,009	2,816	2,634	2,457	2,287	3,598	3,680	3,775	3,100	3,000	به میلیون دالر امریکایی
1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	1.0	18.1	20.0	22.1	28.1	24.6	کمکهای خارج از بودجه
26.4	26.5	26.6	26.7	26.7	26.9	26.8	30.4	30.6	30.5	27.6	26.8	مصارف حکومتی
7.7	7.9	8.1	8.4	8.6	8.9	9.2	9.6	9.9	10.3	10.5	10.5	مصارف امنیتی
6.4	6.5	6.7	6.8	7.0	7.1	7.3	7.6	7.8	8.0	8.2	8.3	مصارف عادی بخش ملکی
12.3	12.1	11.8	11.5	11.1	10.9	10.2	13.3	12.9	12.2	8.9	8.0	مصارف انکشافی بخش ملکی

منبع: ارقام تخمینی بانک جهانی، وزارت مالیه و وزارت اقتصاد



6 . تاثيرات متوقعه

6 وظایف پشتیبانی

6.1 اتخاذ پالیسی های صنعتی

هدف اصلی چارچوب پالیسی پیشنهادی، استفاده از امکانات استفاده نشده سکتورهای زراعت، معادن، ادویه و انرژی در قدم اول به مثابه تسریع کنندگان تجارتی سازی در سطوح کوچک و متوسط میباشد. در نتیجه، این ستراتیژی شامل پالیسی صنعتی نرم جهت فعالیت بهتر در سطح مجموع اقتصاد و سکتورهای مشخص میگردد. پالیسی صنعتی سکتوری طبق فوق عملی شده مگر از رقابت خفیف و یا سرمایه گذاری در فعالیتهای دارای سود پایین اجتناب خواهد کرد. از همین جهت در اصل، صنعتی سازی تحت رهبری زراعت، با استفاده از اصلاحات اساسی غیرمستقیم با اقدامات مستقیم، شیوه قوی برای رقابت بهتر خواهد بود.

6.2 هماهنگی میان کابینه و شورای عالی اقتصادی

وزارت اقتصاد وظیفه نظارت و تقویت اقتصاد افغانستان را در سطح کلان بدوش دارد. علاوه بر پیگیری و گذارندهی در مورد اقتصاد ملی و نتایج میانمدت و درازمدت بودجه، این وزارت همچنان مسئول اجرایی تطبیق و عملی نمودن پالیسی اقتصادی و چارچوب سرمایه گذاری که هدف آن افزایش فواید سرمایه گذاری برای رشد است، میباشد. در نتیجه، این ستراتیژی مشمول تمام وزارتها بوده و باید توسط حکومت در سطوح ملی و محلی تطبیق شود. این ستراتیژی غرض غنای و بحث بیشتر و تأیید به جلالتماب رئیس جمهور، کابینه، و اعضای شورای عالی اقتصادی ارائه خواهد شد.

6.3 انسجام پالیسی و ستراتیژی

این ستراتیژی پالیسی اقتصادی نبوده گرچه مجموعه از گزینه های پالیسی اقتصادی که باید بصورت دقیق توسط حکومت و همکاران انکشافی آن مورد رسیدگی قرار می گیرند، را بیان میکند. این ستراتیژی با چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان که در حقیقت پلان پنج ساله برای نیل به خودکفایی است، مطابقت داشته و از آن حمایت کامل مینماید. هدف چارچوب، کمک به افغانستان در حل بسیاری از چالشهای آن، پایان دادن فقر، و تامین امنیت و ثبات و تعیین راه بسوی خودگردانی، و تداوم بهتر مالی در سطح کلان میباشد.

این ستراتیژی سایر ستراتیژیها را تعویض نکرده و نه با آنها در رقابت قرار دارد. در عوض، این ستراتیژی تکمیل کننده پالیسی های موجود بوده و بصورت مکمل با برنامه ملی دارای اولویت انکشاف سکتور خصوصی، برنامه ملی دارای اولویت استخراج معادن، چارچوب انکشاف زراعت، و ستراتیژی ملی صادرات ادغام خواهد شد. هدف از این ستراتیژی ایجاد ساختارهای موازی و رقیب نبوده، بلکه در عوض هدف از این ستراتیژی افزودن ارزش از طریق تشخیص، تحلیل و تحقیق بیشتر و پیشنهاد گزینه های بدیل مبتنی بر مدارک و شواهد میباشد.

6.4 توسعه مدل اقتصادی جدید ملی

این ستراتیژی با ایجاد یک مدل جدید اقتصادی برای افغانستان مورد حمایت قرار گرفته که از مدل سکیچ شبیه سازی اهداف انکشافی ملل متحد برای نیل به این اهداف و مدل کوچک اقتصاد کلان (MAMS, MODAF) بانک جهانی اقتباس شده که توسط این بانک جهانی تهیه شده و یک مدل کوچک اقتصاد کلان را برای اقتصاد افغانستان بدسترس قرار میدهد. هدف اینست تا این مدل را در اختیار عموم قرار داده و برای تقویت صحت آن نظریات مختلف را جمع آوری کرده تا تأثیرات تطبیق آنرا بالای پالیسی عامه و تصامیم مربوط به سرمایه گذاری تقویت نمود⁴⁴.

مدل نهایی یک مدل شبیه سازی کل اقتصاد بوده که روی تحلیل ستراتیژی های اقتصادی میانمدت و درازمدت و موازنه های سرمایه گذاری متمرکز خواهد بود. این مدل، مدل تعادل عمومی قابل محاسبه معیاری و پویا را با یک مشخصه اضافی که آنرا برای تحلیل پالیسی مفید ساخته، ادغام میکند. در صورت مقایسه با مدلهای تعادل عمومی قابل محاسبه، مدل نهایی به حکومت این امکان را خواهد داد تا تأثیر اقدامات مختلف مستقیم و غیرمستقیم را بالای رشد، عواید و اشتغال زایی معلوم کرد. این مدل همچنان افزایش بهره دهی عوامل (که روی ذخایر سرمایه حکومت و بازبودن اقتصادی استوار است)، و ردیابی دارایی ها (بدهی های) ادارات مختلف (مجموع زمین، نیروی کار، سرمایه و تشبثات، قروض داخلی حکومت، و قروض خارجی) را امکان پذیر میسازد. این مدل همچنان به منظور معلوم نمودن تأثیرات گزینه های پیشنهادی تعویض واردات مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

6.5 ایجاد شرایط مساعد برای تولیدات داخلی

شیوه سرمایه گذاری شامل اقدامات پیشنهادی برای افزایش تولیدات داخلی در سکتورهای موردنظر که قبلاً مشخص شده و همچنان بهبود شرایط عمومی برای تجارت و کار میباشد. هدف کلی افزایش سرمایه گذاری خصوصی (داخلی و خارجی)، کاهش هزینه تولید، هزینه های معاملاتی میان بازارها، و افزایش تولید و بهبود بیلانس تجارت میباشد.

⁴⁴ مدل کوچک اقتصاد کلان در اصل مدل بخش تقاضا بوده مگر شامل عرضه زراعتی نیز میگردد. این مدل این مدل شامل 8 معادله تصادفی با 18 مشخصه است و دارای 41 متغیر است که 13 متغیر ارائه شده توسط کاربر خارجی می باشند

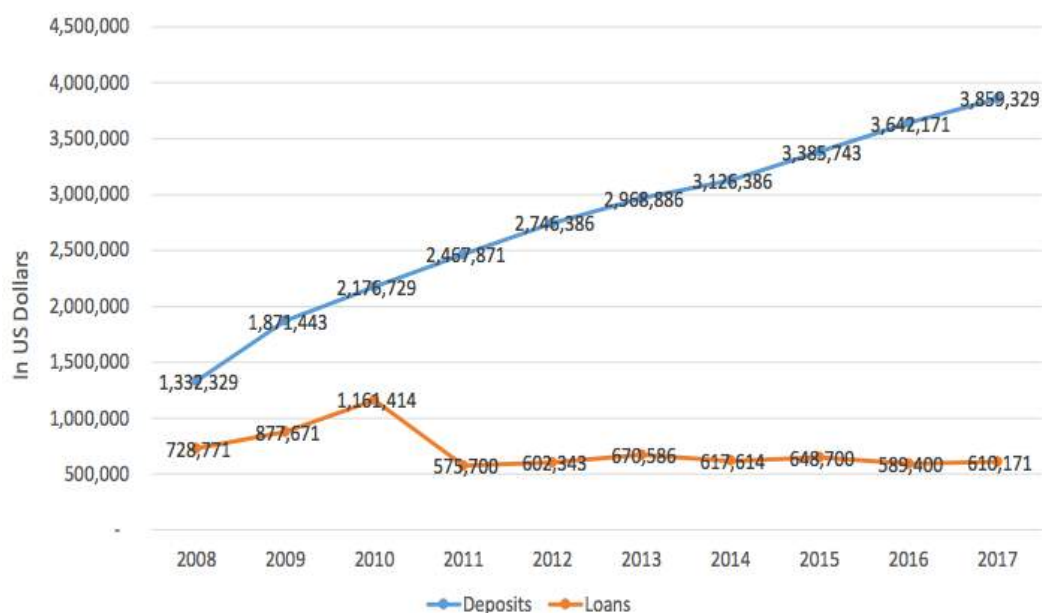
6.6 دسترسی به قرضه

این ستراتیژی درک میکند که دسترسی به قرضه (به شمول قرضه یا اعتبار صادراتی) از طریق سیستم بانکی، برای ایجاد محیط مساعد تر برای تجارت و افزایش تولیدات داخلی مهم میباشد. قسماً به اثر میراث کابل بانک، افغانستان با وضعیت سختی روبرو بوده جایی که بانکها دارای سپرده های کلان بوده مگر این سپرده ها برای انکشاف صنعتی و اقتصادی به قرضه تبدیل نمیشوند. افغانستان در زمینه دسترسی به قرضه در میان 190 کشور جهان در رده 101 قرار دارد.⁴⁵ علاوه بر مشکلات ارائه قرضه به علت مقررات سخت، شرایط مغلق تضمین، و اجتناب از خطر توسط بانکها، تقاضا برای اخذ قرضه عمدتاً به سبب تقاضای کم در اقتصاد در سطح پایین قرار دارد:

- دسترسی به منابع مالی اکثراً برای تمویل سرمایه گذاریها و آغاز پروژه های جدید برای تولیدات داخلی مهم میباشد. شکل 7 ذیل نشان میدهد که سپرده ها در سیستم مالی افزایش یافته درحالیکه فعالیتهای قرضه دهی/ گرفتن قرضه تا اندازه زیادی کاهش یافته است،
- این ستراتیژی آغاز گفتگو میان بانک مرکزی، بانک های دولتی و بانک های خصوصی برای سهل ساختن دسترسی به قرضه برای شرکتهای داخلی پیشنهاد مینماید. بخشی از بحثها شامل ایجاد میکانیسم های قابل اعتماد بیمه برای حفاظت از بانکهای دولتی و خصوصی و دسترسی شرکتهای قرضه های دارای شرایط سهل خواهد بود،
- وزارت اقتصاد موسسات غیرحکومتی دارای تجربه را تشویق خواهد کرد تا تلاشهای شانرا برای کار مشترک با تشبثات کوچک و متوسط و حمایت از تولیدات داخلی افزایش دهند. موسسات غیرحکومتی شبکه ثابت و منظم در سراسر کشور داشته و دارای ظرفیت نهادی و نیروی انسانی برای آوردن تغییر میباشد.

این ستراتیژی می پذیرد که تفاوت در روزهای تعصیلات اخیر هفته میان افغانستان و سایر کشورها مشکل دیگر در برابر اتصال مالی به حساب میرود. این کار باعث پیچیده شدن و افزایش خلا میان شرکتهای صادراتی افغانی و سایر کشورها در انجام تجارت میگردد. بخصوص، شکاف کلان در معامله مالی وجود دارد و تاخیر در صادرات برابر با کاهش یک روزه در تجارت است.⁴⁶

چارت شماره 7: گرایشها در نسبت سپرده ها و قرضه



حکومت پیشنهاد میکند تا با بانکهای دولتی و خصوصی به منظور بازنگری همه ترتیبات مالی و خدمات صادراتی با در نظر داشت عملی نمودن پلان ملی تمویل صادرات (به شمول قرضه های صادراتی) و تضمین های تمویل صادرات کار نماید.

6.7 نیازمندی کالاهای محلی در تدارکات حکومتی

حکومت افغانستان یکی از بزرگترین خریداران در بازار داخلی محسوب میشود. این ستراتیژی این مسئله را یک فرصت شمرده و طرفدار آنست تا حکومت قراردادهایی برای خریداری محصولات داخلی و نیازمندی تولیدات محلی عقد نماید. به این صورت حکومت، به عنوان یک خریدار عمده، به تقویت رقابت محلی و ایجاد تقاضا برای تولیدات داخلی کمک مینماید.

⁴⁵ شاخص های انجام کسب و کار (گزارش انجام کسب و کار)، بانک جهانی، سال 2016 .
⁴⁶ جاتکوف، فروند و فام (Djankov, Freund and Pham) سال 2010.

این ستراتیژی درخواست مینماید تا کابینه شیوه نیازمندی کالاهای محلی را منظور نموده و در برابر تولیدات داخلی از برخورد ترجیحی بیشتر استفاده نماید. اداره تدارکات ملی این شیوه را تا اندازه قابل ملاحظه مورد تطبیق قرار داده است. بازنگری این شیوه نشان داده که طرز العمل ها با اهداف این ستراتیژی مناسب و سازگار میباشند از همین رو ما طرفدار بازنگری کامل نیازمندیها و شرایط برای واجد شرایط شدن دواطلبی اداره تدارکات ملی بوده تا به نفع شرکت های داخلی از تبعیض مثبت کار گرفته و تا حد امکان از تنوع اطمینان حاصل شود.

میزان سرمایه گذاری و ظرفیتهای سکتور خصوصی در سطح بسیار پایین بوده است. در مطابقت با اینکه کمک دهندگان بین المللی کمکهای انکشافی شانرا با اولویت های حکومت افغانستان همسو سازند، برنامه ملی دارای اولویت انکشاف سکتور خصوصی این فرصت را فراهم میکند تا روی تشویق تولیدات داخلی به مثابه یک اولویت برای کشور تاکید صورت گیرد.

6.8 بهبودی در مدیریت زمین غرض گسترش زراعت تجارتي

طبق این ستراتیژی بهبودی در مدیریت زمین به منظور کمک به تولیدات داخلی برای حرکت بسوی یک اقتصاد تولیدی از اهمیت زیادی برخوردار است. مجموعه از مقررات سنتی و جدید منتج به سیستم های متضاد و مغشوش کننده در زمینه مدیریت زمین در افغانستان شده است. از سال 2004 بدینسو، به کمک مالی اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریکا، چندین پروژه تلاش کرده تا در سیستمهای زمین و اجاره داری در افغانستان بهبودی را بوجود بیاورد. درین عرصه کارهای زیادی چون سیستم معلوماتی مدیریت ثبت زمین، ایجاد اداره کادستر و سروی به مثابه بخشی از اداره اراضی، کتاب راهنما برای تجدید معلومات اسکان غیررسمی انجام شده است. درین زمینه به هدف بهبود مدیریت زمین در افغانستان کارهای بیشتر میتواند انجام شوند.

طبق معلومات انستیتوت صلح ایالات متحده امریکا، در حدود 70 درصد ساکنان شهرها در افغانستان در خانه های غیررسمی زندگی میکنند. خانه های غیررسمی، طبق معلومات سازمان همکاریهای اقتصادی و انکشاف، شامل ساحاتی است که در آن خانه های مسکونی بالای زمین هایی اعمار شده که ساکنان دارای هیچگونه اسناد قانونی ملکیت آنها را ندارند. کمیته مشترک نظارت و ارزیابی به این باور است که ثبت اسناد و آرشیف ها، ضعیف، نامکمل، و آسیب پذیر بوده و همچنان امکان جعل و تدویر در آنها موجود است.⁴⁷

این ستراتیژی روی جهات اصلاح مدیریت زمین که بالای شرکتهای تولیدی تاثیر مستقیم دارند، تمرکز نموده و از همین رو دارای تاثیر بیشتر بالای انکشاف سکتور خصوصی و رشد اقتصادی میباشد. درحالیکه تقویت پارکهای صنعتی و ایجاد زونهای خاص اقتصادی باعث کاهش هزینه انجام تجارت در افغانستان میشود، این ستراتیژی همچنان اجاره دادن درازمدت زمین های دولتی به شرکتهایی که در عرصه تولید داخلی بر مبنای مدل زراعت تجارتي میانمدت و درازمدت (یعنی مزارع دارای مساحت 50 تا 500 هکتار) مشغول کار اند، را پیشنهاد مینماید. این کار به آنها اطمینان میدهد تا در داخل کشور سرمایه گذاری کرده و به این ترتیب زمین های استفاده نشده را به سرمایه تبدیل کنند. وزارت اقتصاد میان ادارات حکومتی چون اداره اراضی، وزارت های مربوطه و اتاق تجارت و صنایع و اتاق صنایع و معادن مسایل مربوط به تسهیل پروسه بهبود مدیریت زمین را هماهنگی خواهد کرد.

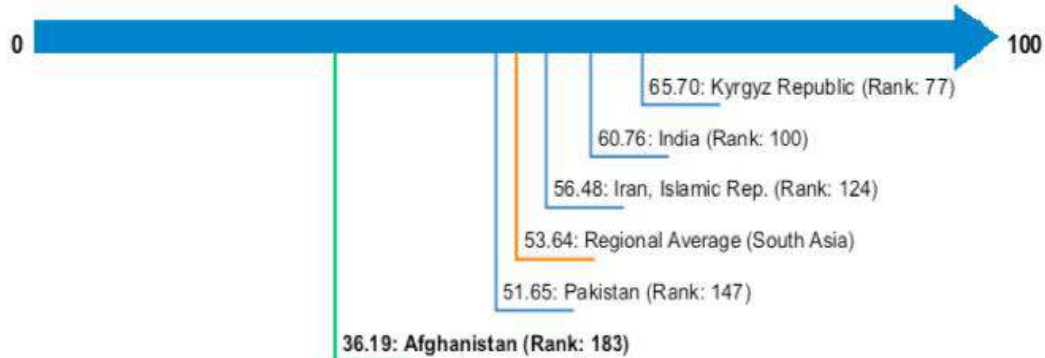
6.9 بهبود انجام کسب و کار با استفاده از تحلیل در سطح ولایات

افغانستان در سال 2018 در شاخص های انجام کسب و کار بانک جهانی، در میان 193 کشور دنیا در رده 183 قرار دارد. طوریکه در چارت شماره 8 نشان داده شده افغانستان در دو عرصه، یعنی آغاز کسب و کار (در رده 107) و اخذ قرضه (در رده 105) کارکرد نسبتاً بهتری داشته است. چارت شماره 9 کارکرد کشورهای موردنظر را به مثابه فیصدی مجری بهتر (100) نشان میدهد. افغانستان دارای فیصدی 36.19 به اندازه 63.81 درصد از سرحد کوتاه آمده است. افغانستان در مقایسه با کشورهای منطقه عقب مانده است. از همین جهت، به منظور افزایش قدرت رقابت کشور در برابر کشورهای همسایه، که درین ستراتیژی روی آن تاکید شده است، باید کار بیشتر صورت گیرد.

چارت شماره 8. عناصر متشکله انجام کسب و کار افغانستان (سال 2018)



چارت شماره 9. مسافت افغانستان با سرحدات در مقایسه با کشورهای منطقه (سال 2018)



بانک جهانی همچنان قوانین و مقررات مربوط به چهار مرحله ایجاد شرکتهای کوچک و متوسط به منظور انجام کسب و کار و تجارت در رابطه با مجوزهای ساختمان، گرفتن برق، و ثبت ملکیتها را در سطح ولایات کابل، بلخ، هرات، کندهار، و ننگرهار مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. یافته های بانک جهانی قرار ذیل اند:

- متبشین افغان با مشکلات مختلف قانونی مبنی بر اینکه در کجا آنها تجارت و کاروبار را آغاز میکنند، روبرو میباشند. کیفیت و کارایی مقررات در محلاتیکه که در چهار عرصه مورد مطالعه قرار گرفته، به علت تفاوتها در تعبیر محلی قوانین و کارایی ادارات محلی مسئول اجرای قوانین و مقررات از همدیگر فرق میکند،
- ولایات افغانستان میتوانند در انجام تجارت از طریق تبادل و آموختن تجارب از همدیگر سهولتها را فراهم کنند. سیاست گذاران طرفدار اصلاحات میتوانند از راه تکثیر اقداماتی که قبلاً در سایر نقاط کشور موفقانه تطبیق شده است، تغییرات مثبت و ملموسی را بوجود بیاورند،
- با اتخاذ تمام شیوه های خوب که در سطح ولایات تجربه شده، افغانستان در رده بندی جهانی 190 کشور در زمینه انجام تجارت آسان 11 درجه بالا رفته و به این ترتیب از رده 183 به درجه 172 ارتقا کرده است،
- کابل در آغاز تجارت و گرفتن برق، در نتیجه آوردن اصلاحاتی که فقط در پایتخت عملی شده، در صدر قرار دارد. گسترش این اصلاحات به تمام افغانستان، متبشین دیگر ولایات و مراکز شهری را نیز ازین مزایا مستفید خواهند ساخت. کندهار در زمینه اجرای مجوزهای ساختمانی و ثبت ملکیتها در درجه اول قرار داشته، در حالیکه ولایت بلخ در همه چهار عرصه مطالعه شده در گزارش در شبکه دوم قرار داشته است.

این ستراتیژی از سهمگیری مثبت حکومتداری محلی نیرومند و تکثیر شیوه های بهتر تجارب محلی به سراسر کشور حمایت کامل میکند. علاوه برین، این ستراتیژی افزایش کارایی در ولایات و آزادسازی منابع در کابل را جایی که بسیاری از پروسه های اداری در آن مرکزی ساخته شده منحیت یک عنر اساسی برای پیشرفت آینده تلقی مینماید. تحلیل و بررسی ولایات همچنان آشکار ساخته که:

- افغانستان در ساده سازی پروسه آغاز تجارت از سال 2008 بدینسو قدمهای مهمی برداشته است. اگر کابل از کل کشور نمایندگی میکرد، درینصورت افغانستان در میان 50 کشور برتر جهان به ارتباط آسان سازی آغاز تجارت قرار میگرفت، بصورت میانگین در پنج ولایت، تکمیل پروسه اخذ جواز ساختمانی نسبت به میانگین زمان در کشورهای جنوب آسیا، به پنج هفته کمتر نیاز دارد، مگر هزینه آن دو برابر بیشتر میباشد،
- به منظور بهبود میزان ایمنی در صنعت ساختمان، شاروالی کابل درین اواخر مقررء را تصویب کرد که مقررات و شرایط اخذ تایید نهایی را برای ساختمانهایی که جدیداً اعمار میشوند، مشخص میسازد. ابتکارات محلی ازین قبیل میتوانند ما را به تصویب قانون ملی ساختمان نزدیک سازد،
- بطور اوسط در پنج ولایت، وصل کردن برق از حد اوسط منطقوی کشورهای جنوب آسیا، به سه هفته زمان کمتر نیاز داشته ولی هزینه اینکار نزدیک به 70 درصد بیشتر میباشد،
- چون فقط 30 درصد زمین های شهری بصورت رسمی ثبت گردیده، افغانستان با داشتن این مشکل در سطح جهان یکی از سخت ترین جاها برای تحویل و واگذاری زمین محسوب میشود.

پیچیدگی و مغلق بودن طرز العملها، سطح پایین شفافیت، و نبود زیربنای مناسب و کافی برای نگه داری اسناد از مشکلات و موانع عمده فرا راه بهبود و افزایش اعتبار سیستم اداره زمین به حساب میروند. تحلیل و بررسی ولایات، نقاط قوت و عرصه ها برای اقدام و مداخله را آشکار ساخته که میتوان موارد موفق آنرا تکثیر نموده، از نقایص و نقاط ضعف درس گرفته و به این ترتیب به بهترسازی پالیسی ها مبادرت ورزیم.

6.10 اصلاح سیستم دسترسی به برق صنعتی

در مقایسه با سایر کشورهای جنوب آسیا هزینه دسترسی به برق 70 درصد بیشتر می باشد.⁴⁸ این ستراتیژی کاهش هزینه دسترسی به برق را منحصبت یکی از اولویتهای خویش محسوب مینماید. هزینه های برق، بخش اعظم هزینه فی واحد کالا را در افغانستان تشکیل میدهد. علاوه برین، اتخاذ پالیسیهای مشخص برای کاهش هزینه برق برای تشبثات کوچک و متوسط، شرکتهای صادراتی، و بصورت عموم برای سکتور تولید داخلی کشور میتواند سطح تولیدات داخلی را تقویت نماید ولی امکانات کلانی برای سرمایه گذاری در بدیل های تولید برق در کشور وجود دارند. گزینه های ذیل در افغانستان وجود داشته که تطبیق آنها امکان پذیر میباشد: استخراج زغال سنگ و گاز طبیعی و استفاده از آنها برای تولید برق، توسعه و گسترش برق آفتابی، اعمار فابریکه های بیشتر تولید برق آبی به منظور کاهش میزان وابستگی به برق وارداتی.

در حال حاضر، د افغانستان برشنا شرکت یک کمپنی دولتی بوده که تمام سهام داران آن به شمول وزارت اقتصاد ادارات حکومتی میباشد. این کار به وزارت اقتصاد صلاحیت میدهد تا بصورت مستقیم سایر سهامداران را به انجام اصلاحات و ارائه پیشنهادات پالیسی مشخص به هدف بهبود رشد، و تقویت تجارت تشویق و ترغیب نماید. به عنوان قدم نخست، این ستراتیژی از معرفی نرخ یکسان تعرفه برق برای شرکتهای داخلی تولید کننده به عنوان یک عامل تعیین کننده برای توانمندسازی بخش خصوصی حمایت مینماید. انجام این کار هزینه گرفتن برق را برای تولیدات داخلی کاهش داده، مشکلات تشبثات خصوصی را در زمینه برق مرفوع نموده، و میزان رقابت آنها را در سطح ملی و بین المللی افزایش میدهد.

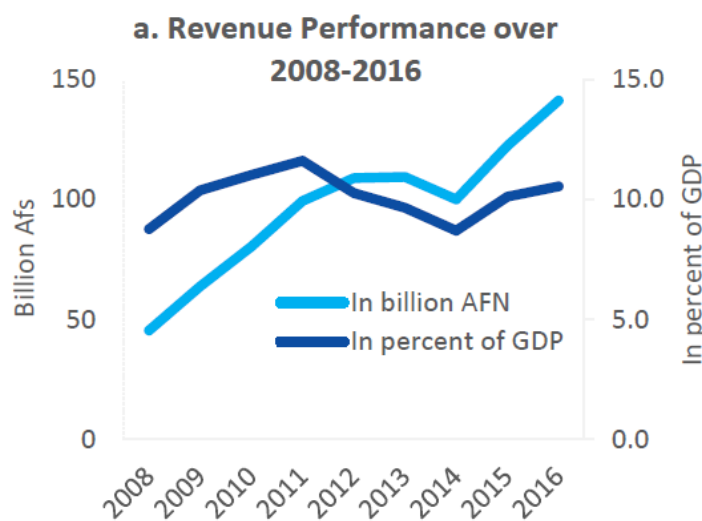
6.11 آوردن اصلاحات در سیستم مالیات

رژیم مالیاتی افغانستان بین سالهای 2003 و 2005 اصلاح گردید. این یک تلاش بزرگ به ارتباط رسمی سازی ادارات پرداخت کننده مالیات، و معرفی یک ساختار رسمی و ساده برای جمع آوری مالیات بوده است. در آن زمان، شرایط اقتصادی و اولویتهای افغانستان متفاوت بود. در جریان ده سال گذشته، شرایط اقتصادی و اولویتهای تغییر نموده است. پالیسی های مالیاتی میتوانند دارای دو هدف ذیل بوده باشند:

- افزایش عواید از طریق وسیع ساختن پایه مالیات و بهبود میزان پیروی از پرداخت مالیات به منظور تمویل وظایف حکومتی، و
- به عنوان یک پالیسی اقتصادی حمایت از رشد و سرمایه گذاری بوسیله حفظ و ادامه نرخ نسبتاً پایین و طرز العمل های متمر و کارای جمع آوری مالیات.

حکومت هم اکنون روی هدف اول کار میکند. میزان عواید داخلی طی دو سال گذشته روبه افزایش بوده است (به چارت شماره 10 مراجعه شود). این افزایش عمدتاً از اثر معرفی مالیات جدید و پیروی بهتر از پرداخت مالیات ممکن شده است. تمرکز پالیسی مالیاتی اساساً روی افزایش عواید داخلی بوده و ازین رو به اثرات منفی وضع مالیات و اداره امور مالیات روی سرمایه گذاری و رشد اقتصادی توجه کمتر شده است.

چارت شماره 10. عواید داخلی حکومت افغانستان (2008-2016)

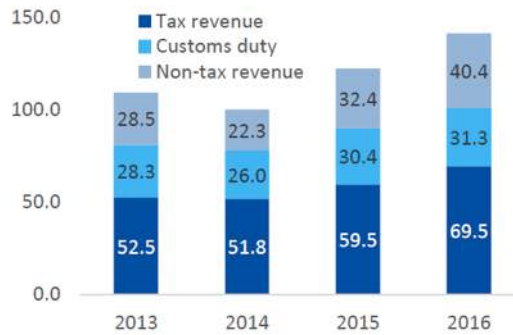


Source: Ministry of Finance

⁴⁸ گزارش شاخص های انجام تجارت، بانک جهانی، سال 2016.

چارت شماره 11 نشان میدهد که سهم نسبتاً بالای عواید حکومتی از مالیات داخلی بدست می آید. از سال 2013 الی سال 2016، سهم عواید از مالیات داخلی نزدیک به 20 درصد افزایش یافته است. این یک پدیده غیرعادی نبوده هرچند در میان اقتصاددانان توافق نظر و اجماع موجود است که مالیات مستقیم باعث تحریف سرمایه گذاریها شده و در نهایت رشد تولید ناخالص داخلی را کند میسازد.

چارت شماره 11. ترکیب عواید مالیاتی



این ستراتیژی، با هدف درازمدت آن برای تمرکز روی رشد پایدار و ایجاد عواید، به عوض بلند بردن میزان عواید در کوتاه مدت، آغاز مرحله بعدی اصلاحات مالیاتی را در هماهنگی با شورای عالی اقتصادی، وزارت مالیه و سایر نهادهای مربوطه حکومتی پیشنهاد مینماید. بهبود میزان پیروی و رعایت پرداخت مالیات، حصول اطمینان از شفافیت، قابلیت پیشبینی، صداقت و کارایی در اداره امور مالیاتی از عناصر مهم اصلاحات محسوب میشوند. این ستراتیژی اصول ذیل را به منظور آغاز مرحله بعدی اصلاحات پیشنهاد مینماید:

- منطقی ساختن رژیم مالیاتی تا تجار تشویق به سرمایه گذاری های بیشتر شده و فعالیت های شانرا گسترش دهند،
- ارائه بسته های تشویقی هدفمند و مشخص به سکتور برای انجام سرمایه گذاری و توسعه بیشتر. همچنان، ارائه بسته های تشویقی به آنهایی که جدیداً وارد بازار میشوند، بخصوص برای تولید کنندگان داخلی و تشبثات کوچک و متوسط که بصورت بالقوه کالاها را صادر میکنند، و
- رسمی سازی نهادهای تجاری- در حال حاضر بین 70 تا 80 درصد اقتصاد کشور بصورت غیررسمی فعالیت میکند. این کار زمینه افزایش امکانات را برای جمع آوری مالیات بیشتر هموار خواهد ساخت.

6.12 معیاری سازی، بازاریابی و توسعه

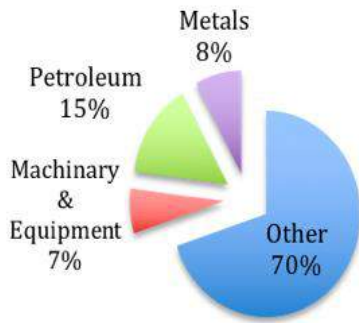
در کل بیلبانس تادیات در افغانستان به سبب انتقال مستقیم پول (کمکهای خارجی کمک دهندگان) مازاد بوده است. ولی، با توجه به کسر تجارت و یا صادرات خالص (صادرات منهای واردات) تصویر بهتر ساختار اقتصادی را بدسترس قرار میدهد. کسر تجارت افغانستان در سال 2007 مبلغ 2475 میلیون دالر امریکایی بوده و این رقم در سال 2016 به 5938 میلیون دالر امریکایی افزایش یافت. سطح مجموعی تجارت خارجی در افغانستان در سال 2016 مبلغ 7131 میلیون دالر امریکایی بوده که ازین جمله 91.6 درصد آن حساب جاری در هر سال بوده است.

واردات در سال 2016 در افغانستان 15.4 درصد کاهش یافته و صادرات در مقایسه با سال 2015 به اندازه 4.4 درصد افزایش یافت که این روند نشاندهنده آنست که امکان تعویض واردات و رشد صادرات وجود دارد. به چارت شماره 12 برای شرح وضعیت فعلی واردات و صادرات افغانستان مراجعه شود⁴⁹.

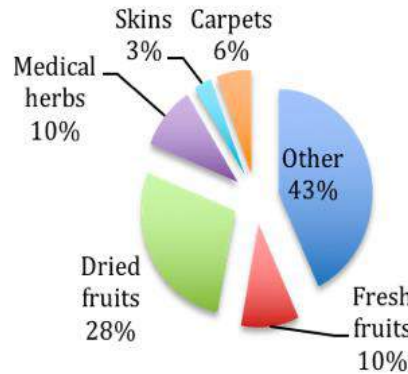
⁴⁹ این ارقام از اداره ملی احصائیه و معلومات بدست آمده است، سال 2016.

چارت شماره 12. افغانستان- ترکیب واردات (2016-2017)

Import Composition 2016



port Composition 2016-17



بسیاری از فابریکه ها که بعد از سال 2001 باز و یا دوباره باز شده به علت کالاهای وارداتی ارزان و بازبودن سرحدات افغانستان بروی کالاهای وارداتی قانونی و قاچاقی بسته شده است. دهاقین و مولدین کوچکی که تهیه مواد خام و یا محصولات ضروری را به این فابریکه ها بدوش داشته اند، به فعالیتهای شان خانمه بخشیده و در نهایت وسایل امرار معیشت خویش را از دست داده اند. طور مثال، در گزارش منتشر شده در روزنامه انگلیسی آوتلوک افغانستان دلایل بسته شدن بیشتر از نیمی از جمله 300 فابریکه در پارک صنعتی ولایت هرات توضیح شده است.⁵⁰ دلیل، البته هجوم کالاهای خارجی به بازار کشور بوده که بسیاری ازین کالاها از کشور همسایه ایران وارد میشوند. واحدهای صنعتی که بسته شده قادر به رقابت با کالاهای ارزان و بی کیفیت ایرانی که به بازارهای کابل و سایر ولایات در سراسر کشور سرازیر شده، نبوده اند⁵⁰. همچنان، بسیاری از محصولات از قبیل سنگ مرمر، آرد گندم و لبنیات از کشورهای همسایه توريد شده که باعث کاهش تولیدات داخلی میشود⁵¹.

این ستراتیژی به عنوان یک فرصت فوری پیشنهاد میکند تا به منظور حمایت از نیروهای تولیدی داخلی جوان مداخله صورت گرفته تا آنها بتوانند به تولید شان ادامه داده و کالاهای خویش را در بازارهای داخلی به فروش برسانند. بعد از کسب عضویت در سازمان تجارت جهانی، افغانستان مذاکراتی را روی یک جدول امتیازات برای بیشتر از 2400 قلم کالاها آغاز کرده که این کار فرصتی را فراهم میکند تا در مطابقت با اهداف این ستراتیژی مورد استفاده قرار گیرد. همراه با **حفاظت محدود در برابر واردات**، این ستراتیژی عرصه های ذیل را که حکومت به منظور کمک به گسترش صادرات میتواند در آنها مداخله کند، مورد توجه و رسیدگی قرار میدهد:

- جلب/ ایجاد کمپنی های تایید شده به منظور کاهش موانع در برابر صادرات از قبیل برجسب زدن، بسته بندی، و تصدیق دهی بصورت عموم که باعث کاهش صادرات میشود،
- بسیار مهم است تا نمایندگان خویش را در کشورهای مقصد صادرات داشته باشیم تا برای کالاهای افغانی بازاریابی کنند. ایجاد شبکه نمایندگان محلی در بازارهای صادراتی میتواند به دریافت مشتریان و تامین ارتباط میان تجار خارجی و شرکتهای داخلی کمک نماید. آنها میتوانند بازارهای مشخص به سکتور را برای صادرات از طریق گفتگو میان بخش های دولتی و خصوصی تثبیت و شناسایی کنند، و
- تاسیس و یا استخدام ادارات بازاریابی به منظور کمک به مولدین کوچک غرض دریافت مشتریان و تشویق تولیدات داخلی گزینه دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

⁵⁰ صنایع افغانستان در برابر کالاهای ارزان وارداتی مبارزه میکنند، نوشته مهدی رضایی (20 جون، 2011)، روزنامه انگلیسی آوتلوک افغانستان.

⁵¹ صنایع افغانستان در برابر کالاهای ارزان وارداتی مبارزه میکنند، نوشته مهدی رضایی (20 جون، 2011)، روزنامه انگلیسی آوتلوک افغانستان.



7 . پلان تطبیقی

7 پلان تطبیقی

این برنامه توسط شورای عالی اقتصادی، شورای عالی در امور اصلاحات، وزارت اقتصاد، وزارت صنعت و تجارت، همراه با حمایت از تحقیق در مورد پالیسی های اقتصادی که توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان فراهم میشود، نظارت میگردد. کمیته رهبری تعویض واردات مسئولیت صدور رهنمودها را بر مبنای هدایات داده شده خواهد داشت. پلان تطبیقی درازمدت در مجموع به سه پلان کاری سالانه تقسیم شده که دارای شاخص های مهم کارکرد با خطوط مبدا، میانمدت و پایان کار خواهد بود.

7.1 شیوه تطبیق

این ستراتیژی به اساس شیوه مبتنی بر شواهد ایجاد شده که اتخاذ تصامیم ستراتیژی را به منظور تمرکز روی سرمایه گذاریهایی که دارای نرخ بازدهی مثبت در مورد اهداف تعویض میباشد، امکان پذیر میسازد. عملی شدن و تطبیق یک شیوه مشترک حکومتی جایی که وزارت اقتصاد از طریق مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان به هدف تقویت شیوه مبتنی بر شواهد، افزودن ارزش به کار طرفین ذیربط سکتوری کار مینماید، برای موفقیت مهم و حیاتی میباشد. در صورتیکه برای غنای بیشتر رهنمودهای تعویض تحقیق بیشتر صورت نگیرد، درین صورت اشتباهات رخ داده و این کار روی تطبیق پالیسی تاثیر منفی خواهد داشت.

بعد از تصویب ستراتیژی، و تاسیس مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و کمیته رهبری تعویض واردات، این ستراتیژی درازمدت به پلان های کاری سالانه که با سالهای مالی حکومت و بودجه ارتباط خواهند داشت، تبدیل میشود. این پلانهای کاری توسط وزارت اقتصاد هماهنگ شده و اعضای کمیته رهبری تعویض واردات هر پلان کاری سالانه، و وظایف مربوطه را رسماً تایید خواهد کرد. شکل شماره 7 ذیل خلاصه شیوه پیشنهادی که روی تاسیس، اولویت بندی، پروسه های هماهنگی در سطح حکومت و پلان سالانه سرمایه گذاری تاکید مینماید، ارائه مینماید. اثرات میانمدت و درازمدت توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان همراه با اداره ملی احصائیه و معلومات و وزارتهای سکتوری نظارت خواهد شد. شاخص های کارکرد مهم در زمینه اثرات میانمدت و درازمدت در قسمت چهارم فوق بیان شده است.

شکل شماره 7. شیوه کلی پلان تطبیقی



7.2 دور سالانه پلانگذاری همراه با پلان درازمدت

ستراتیژی کلی به دور سالانه پلانگذاری تقسیم خواهد شد. در سال اول، هدف ایجاد هماهنگی و توضیح ترتیبات تحویلدهی و همچنان تعیین خطوط مبدا و اهداف برای کل برنامه خواهد بود. در سال اول، پلان کاری سالانه تهیه و توسط کمیته رهبری تعویض واردات تأیید شده و غرض تصویب به شورای عالی اقتصادی ارائه خواهد شد. دور سالانه پلانگذاری در مطابقت با پروسه ترتیب بودجه ملی بوده و هزینه ها در برنامه وسیع ملی انکشاف سکتور مدغم و با ستراتیژی ملی صادرات هماهنگ خواهد شد. هر پلان سالانه با ماتریس نتایج که در آن خطوط مبدا، اهداف، روش تأیید و فرضیه ها توضیح شده باشد، همراه خواهد بود.

7.3 ساختارهای جدید تحقیق و هماهنگی پالیسی

به منظور تطبیق این ستراتیژی دو نهاد جدید تأسیس خواهد شد. تأسیس آنها توسط شورای وزیران منظور شده که یک نهاد آن قانونی (مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان) و دومی یک نهاد موقت خواهد بود (کمیته رهبری تعویض واردات). مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان توسط ریاست اداره امور ریاست جمهوری تأیید شده و دارای قانون ایجاد این مرکز خواهد بود. کمیته رهبری تعویض واردات یک نهاد موقتی بوده که منحصراً بین الوزارتی ایفای وظیفه کرده مگر نمایندگان بخش خصوصی چون اتاق تجارت در آن عضویت خواهند داشت. نقش و وظایف مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و کمیته رهبری تعویض واردات در ذیل ارائه شده است.

7.3.1 مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان

این ستراتیژی تأسیس مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی را به منظور تمرکز روی تحقیق در مورد پالیسی های اقتصادی و انجام وظیفه منحصراً بخش تحقیقی وزارت اقتصاد پیشنهاد مینماید. این مرکز به شمول اقتصاددانان، متخصصین بخش تجارت و سکتوری، کارشناسان داخلی و خارجی را استخدام خواهد کرد. علاوه برین، این مرکز دارای یک تیم کوچک اداری به منظور اجرای تصامیم بوده که کارهای اداری را انجام خواهد داد. این مرکز دارای نقش و وظایف ذیل خواهد بود:

- دادن مشوره در مورد رشد اقتصادی و پالیسی های تعویض واردات،
- رهبری روند تطبیق "اقدامات حمایت و هماهنگی پالیسی های اقتصادی" که در قسمت سوم ستراتیژی بیان شده است،
- انجام ارزیابی اثرات پیشبینی شده و عملی پالیسی در مورد برنامه های انکشاف ملی شامل محدوده این ستراتیژی و خارج از آن،
- ارائه پیشنهادات پالیسی در مورد رشد اقتصادی، مسایل اقتصاد کلان، اشتغال، تحلیل فقر، رفاه اجتماعی، تاسیسات زیربنایی، تقاعد، معارف و صحت،
- ایجاد مشارکتهای بین المللی با موسسات تحقیقی جهانی به شمول انتقال مهارتها و دانش تخنیکی،
- ایجاد و حفظ مدل رشد ملی تعادل عمومی قابل محاسبه (ارقام واقعی اقتصادی به منظور معلوم نمودن اینکه چگونه یک اقتصاد به تغییرات در پالیسی، تکنالوژی و سایر عوامل خارجی عکس العمل نشان میدهد)، شامل ساختن یافته های تحقیق درین مدل و تنظیم فرضیه ها برای انجام پیشبینی و ارائه ارقام پیشبینی شده،
- ادامه گفتگو در مورد پالیسی عامه با بخش خصوصی،
- میزبانی کنفرانس ها و سیمینارها در سطح ملی، و
- این مرکز جلسات سالانه اقتصادی را به هدف ارائه معلومات جدید در مورد دورنمای اقتصادی افغانستان و بررسی گرایش های آینده برگزار نموده و همچنان برنامه های آموزشی و ورکشاپها را برای ارتقای ظرفیت راه اندازی خواهد کرد.

7.3.2 کمیته رهبری تعویض واردات

ایجاد کمیته رهبری تعویض واردات به مثابه یک پلانفورم حکومتی تحت رهبری وزارت اقتصاد بصورت مشخص روی تطبیق، هماهنگی و نظارت از ستراتیژی تعویض واردات تمرکز خواهد داشت. اعضای کمیته رهبری تعویض واردات به هدف اجتناب از ایجاد ساختارهای موازی از تمام ادارات و ریاست های سکتوری که در حال حاضر در بخش های مختلف حکومتی فعالیت میکنند، انتخاب خواهند شد. کمیته رهبری تعویض واردات با توجه به سکتورهای انتخاب شده که قبلاً صورت گرفته به واحدهای کاری تقسیم شده تا بررسیها، تحلیل از وضعیت و زنجیره های ارزش و همچنان کمک تخنیکی به تشبثات سکتوری مورد نظر را ارائه نمایند. کمیته رهبری تعویض واردات نتایج تحقیقات را بازنگری کرده، پالیسی ها را مورد غور و بررسی قرار داده، موافقت کابینه و شورای عالی اقتصادی را بدست آورده و رهنمودها را غرض اجرای آنها صادر مینماید. بودجه کمیته رهبری تعویض واردات شامل بودجه داخلی وزارتها بوده و در صورت ضرورت توسط جامعه جهانی حمایت مالی خواهد شد. وظایف این کمیته قرار ذیل ارائه میگردد:

- بحث و بررسی یافته های تحقیقی و نتیجه گیری در مورد پالیسی های مربوطه،
- رهبری پروسه اولویت بندی و تطبیق پلان های کاری سالانه،
- صدور رهنمودها برای تصویب شورای عالی اقتصادی،
- تقویت ارتباطات با نهادها و ادارات مشابه بین المللی، و
- ارائه کمک به بخش خصوصی به شمول کار با پروژه های حمایت از تشبثات جدید کوچک و متوسط جهت کمک به آگاهی اقتصادی تشبثات جدید، ارتقای ظرفیت، پروژه ها و همکاریهای فارغین پوهنتونها، و حمایت از سرمایه آغاز فعالیت.

کمیته رهبری تعویض واردات از تطبیق این ستراتیژی حمایت نموده و از مدارک و شواهد ارائه شده توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان استفاده خواهد کرد.

7.4 زمان برای تطبیق

این ستراتیژی در ظرف هفت سال آینده تطبیق خواهد شد. این بدان معنی است که این ستراتیژی به منظور تضمین ادامه آن در جریان دوره های انتخاباتی ادامه یافته که هر سال تطبیقی آن دارای پلان کاری سالانه خواهد بود. با توجه به اینکه تغییرات در ظرفیت صنعتی سالهای زیادی را در بر خواهد گرفت، چنین چوکات زمانی ترتیب گذاری دقیق اقدامات را با استفاده از تحقیقات جدید، کسب تجارب و بررسی اثرات امکان پذیر میسازد. این ستراتیژی با چارچوب میانمدت مالی و چارچوب میانمدت مصارف همسو خواهد بود.

7.5 ترتیبات نهادی

تطبیق این ستراتیژی باید به یک اولویت حکومتی مبدل شده و شامل قوای سه گانه دولت یعنی قوه اجرائیه، قوه مقننه و قوه قضائیه گردد. اساساً، این ستراتیژی همچنان باید در سطح ولایات و ولسوالی ها جایی که بخش اعظم ظرفیت تولیدی موجود است، مورد تطبیق قرار گیرد. وظایف و مسئولیت های اساسی در ذیل ارائه میشود.

7.5.1 نقش وزارتها و نهادهای حکومتی

موفقیت این ستراتیژی نتیجه تلاش های مشترک سایر نهادهای حکومتی به شمول وزارتها، و نهادهای تنظیم کننده و قانونی برای تطبیق آن خواهد بود. وظایف و نقش های مشخص قرار ذیل میباشد:

- **شورای عالی اقتصادی و شورای عالی در امور اصلاحات:** تصویب ستراتیژی و پلان های عمومی و سالانه، تصویب اصلاحات پیشنهادی پالیسی و تنظیم کننده و بازنگری پیشرفت نتایج میانمدت و اثرات درازمدت.

- **وزارت اقتصاد:** هماهنگی، تحقیق و انکشاف و نظارت از اثرات بصورت روزمره. انجام تحقیقات دارای کیفیت عالی در مورد پالیسی های اقتصادی و تعویض واردات توسط مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و ریاست کمیته رهبری تعویض واردات. انجام تحقیقات مبتنی بر مدارک، طور مثال در مورد انکشاف کلسترهای صنعتی، اصلاحات تعرفه یی و غیرتعرفه یی و همچنان تحقیق در مورد افزایش دهنده ها (ضریب های) اشتغال. نشر ربعوار معلومات جدید اقتصادی و گزارشدهی سالانه در مورد اثرات درازمدت.

- **وزارت صنعت و تجارت:** این وزارت اجراکننده اصلی پالیسی های صنعتی و تولیدی به منظور تشویق رشد از طریق تهیه پالیسی ها و مقررات لازم و فراهم آوری تسهیلات برای تولیدات بخش خصوصی و تجارت میباشد. وزارت صنعت و تجارت به منظور کمک به این ستراتیژی از اهداف ستراتیژیک ذیل حمایت خواهد کرد: (1) فراهم آوری شرایط مساعد قانونی برای تجارت و درجه بندی در شاخص انجام تجارت افغانستان (2) بهبود و تقویت رقابت بین المللی و تجارت (3) صنعتی سازی افغانستان از طریق افزایش صادرات و تعویض واردات (4) حصول اطمینان از اینکه بخش خصوصی در شرایط عادلانه و برابر فعالیت میکنند (5) حصول اطمینان از رشد طرفدار مردمان فقیر و (6) تقویت اقتصاد بازار و افزایش آگاهی در مورد چگونگی فعالیت آن.

- **وزارت مالیه:** وظیفه اساسی وزارت مالیه کمک به ثبات مالی در سطح کلان، بهبود اداره امور مالی عامه و تعیین معیارها و نظارت از ترتیب و اجرای بودجه میباشد. با توجه به تمرکز روی مشارکت عامه و خصوصی، به شمول امتیازات درازمدت، وزارت مالیه از تدارک سرمایه گذاری های مشارکت عامه و خصوصی که شامل طور مثال زراعت تجارتی در سطح کلان و زونهای خاص اقتصادی میگردد، حمایت خواهد کرد.

- **د افغانستان بانک:** نقش د افغانستان بانک در حمایت از ستراتیژی افغانستان تولیدی ارائه کمک غیر مستقیم ولی مهم در بخش پالیسی به هدف تشویق افغانی سازی، تعویض واردات و تسریع تجارتی سازی میباشد. هدف اساسی ریاست پالیسی پولی رسیدن به ثبات داخلی قیمتها و کاهش نوسانات شدید در نرخ تبادل از طریق مداخله در بازار داخلی با توجه به تاثیر قابل ملاحظه نرخ تبادل ارز بالای تورم پولی میباشد. هر دو کار برای تحقق اهداف ستراتیژی یک افغانستان تولیدی مهم محسوب میشوند.

- **وزارت زراعت، آبیاری و مالداری:** وزارت زراعت، آبیاری و مالداری تطبیق برنامه جامع زراعت را رهبری کرده و به صحت نباتات و حیوانات، خدمات ترویج و امنیت غذایی کمک کرده و تطبیق منشور زراعت را که عناصر آن برای این ستراتیژی تعویض واردات مهم میباشد، بدوش دارد.

- **وزارت صحت عامه:** تمرکز قوی روی حمایت از تعویض واردات برای صنایع ادویه سازی تا همه اتباع کشور به امکانات کامل در بخش صحت دسترسی پیدا کنند از وظایف این وزارت محسوب میشوند. عرصه های ستراتیژیک مهم حمایت قرار ذیل اند: (1) افزایش دسترسی برابر و عادلانه به خدمات باکیفیت صحت (2) تقویت نقش رهبری کننده وزارت صحت

عامه در رهبری و پیشبرد سکتور صحت (3) حمایت در بخش قوانین و مقررات و معیاری سازی سکتور خصوصی برای عرضه خدمات صحتی باکیفیت و (4) ایجاد شرایط مساعد برای تولید و دسترسی به ادویه باکیفیت.

اداره ملی ستندرد افغانستان: اداره ملی ستندرد در قدم اول مسئول تصویب و تعیین ستندردهای ملی و حمایت از انکشاف تاسیسات زیربنایی باکیفیت در سطح کشور میباشد. اداره ملی ستندرد از حمایت شورای عالی ستندردها برخوردار است. اداره ملی ستندرد دارای وظایف مهم ذیل در حمایت از این ستراتیژی است: (1) ستندرد سازی (2) فن اندازه گیری (اوزان و مقیاسها) (3) خدمات بررسی مطابقت، و (4) وظیفه تنظیم کننده.

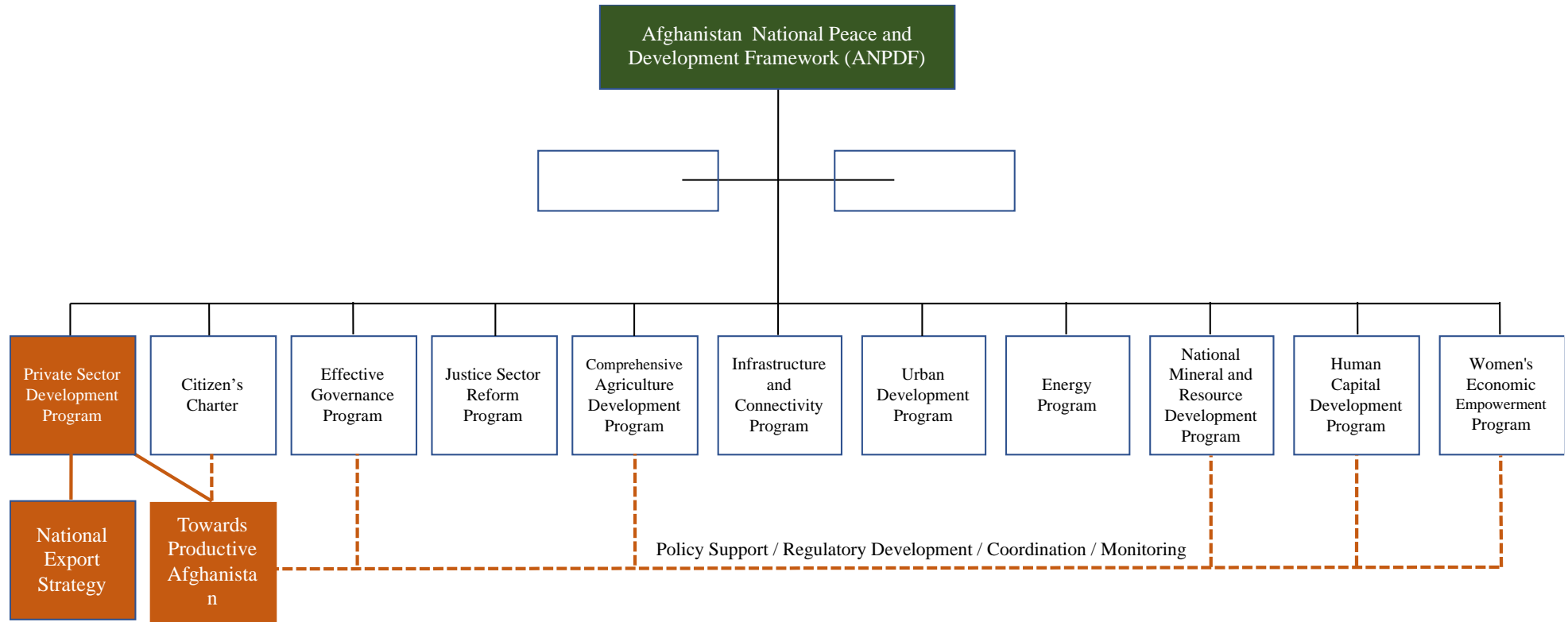
سایر وزارت‌های مربوطه: سایر وزارت‌های مربوطه به منظور حمایت از این ستراتیژی دارای یک ویا بیشتر مسئولیتهایی بوده که در ذیل بیان میشود:

- تسهیل شناسایی و بازرنگری قوانینی که روی انکشاف صنایع اثرگذار بوده تا اطمینان حاصل شود که آنها رشد کلسترهای صنعتی را در اقتصاد برای ایجاد سرمایه و اشتغال زایی تسهیل مینماید،
- تلاش های حمایتی در بهبود تحقیق و انکشاف در همکاری با مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان و همچنان انتقال تکنالوژی و انکشاف مهارتها،
- حصول اطمینان از تهیه زمین و شامل ساختن مسایل سلامت محیط زیستی و حفاظتی در ستراتیژی ملی تعویض واردات و ستراتیژی ملی صادرات،
- تهیه منابع لازم بودجوی و بشری برای تطبیق این ستراتیژی،
- شامل ساختن وزارت اقتصاد و وزارت صنعت و تجارت در تطبیق پلان کاری سالانه به شمول گزارش دهی در مورد نتایج آنها،
- فراهم آوری تسهیلات برای انکشاف صنایع و زیربنای ترانسپورت و تامین نیازمندیهای انرژی و آب به منظور حمایت از فعالیت‌های صنعتی در سراسر کشور،
- حمایت از انکشاف تولیدات تجارتي در مقیاس کلان به شمول تاسیس و به کارگیری صنایع زراعتی و زونهای خاص اقتصادی،
- حمایت از سکتور خصوصی، تشبثات کوچک و متوسط و شرکت زنان، جوانان و گروه های آسیب پذیر در انکشاف صنایع،
- تقویت ارتباطات به جلو و عقبی میان کلسترهای تولید، صنعت، زراعت، استخراج معادن و ادویه،
- کار در جهت بهبود شرایط تجارت و سرمایه گذاری، و
- کمک به نظارت از کارکرد، نتایج میانمدت و اثرات درازمدت.

7.6 هزینه

هزینه تطبیق این ستراتیژی بصورت سالانه محاسبه شده و از طریق پروسه بودجه ملی مورد توافق قرار میگیرد. با توجه به اینکه ارقام پیشبینی شده مجموعی در مطابقت با ستراتیژی رشد وزارت مالیه قرار داشته، فرضیه های تعیین هزینه همچنان منعکس کننده چارچوب های میانمدت مالی و مصارف میباشدند. هزینه های مالی اضافی (طور مثال از طریق کاهش تعرفه ها) در زمان مقرر آن محاسبه شده و شامل ارقام پیشبینی شده هر سال مالی خواهند شد.

شکل شماره 8 : چارچوب جامع هماهنگی برای ستراتیژی تولیدی افغانستان





8. نظارت و ارزیابی

8 نظارت و ارزیابی

وزارت اقتصاد، با کار مشترک با سایر وزارت های سکتوری، ادارات احصایوی و تجارتي و همکاران بین المللی یک خط مبدای پالیسی را ایجاد نموده که به اساس آن شاخصها و اهداف فوری، و میانمدت تعیین و مشخص خواهند شد. این ستراتیژی از طریق پلان تطبیقی ستراتیژی جایگزین واردات که در قسمت ششم ستراتیژی ارائه شده، عملی خواهد شد.

مرکز تحلیل پالیسی های اقتصادی افغانستان رهبری کار نظارت و ارزیابی را بدوش داشته که با تحقیق روی تحلیل کلسترهای صنعتی، افزایش دهنده ها (ضریبهای) اشتغال و سایر شاخصهای مرتبط با پروسه بودجه ملی که درباره آن اثرات مالی، مصارف، تولید ناخالص داخلی و اشتغال گزارش داده میشود، ارتباط داده خواهد شد. علاوه برین، با توجه به تاخیر در عملی ساختن تدابیر پالیسی، و انجام آزمایش بازار به هدف معلوم نمودن علاقه مندی سکتور خصوصی، خط مبداء، و شاخص های خط مبداء و خط پایانی باید منعکس کننده شیوه عملی پوتنسیال سرمایه گذاری بوده باشد. این ستراتیژی با ستراتیژی رشد چارچوب ملی صلح و انکشاف افغانستان و چارچوب مالی کلان همسو بوده که در نتیجه نتایج میانمدت و اثرات درازمدت ناشی ازین ستراتیژی منعکس خواهند شد.

ریاست نظارت و ارزیابی وزارت اقتصاد رهبری نظارت در سطح نتایج میانمدت و اثرات درازمدت را بدوش داشته و ازین رو پیشنهاد میگردد تا ارزیابی های میانمدت و ارزیابی های بعد از تکمیل همراه با سایر وزارتها و جامعه جهانی طور مشترک راه اندازی شوند.

فهرست کتب (که در تهیه این ستراتیژی از آنها استفاده شده است)

- اداره مرکزی احصائیه (1395). "کتاب سالنامه احصایوی افغانستان (1395)".
- اداره مرکزی احصائیه (1395). "سروی شرایط زندگی در افغانستان. فصل نیروی کار"
- جانکوف، ایس، کارولاین ایف و کونگ ایس. پی- (2010) Djankov, S, Caroline F, & Cong S. P. "تجارت به موقع" بازنگری اقتصاد و احصائیه 92.1 (2010): 166-173.
- صندوق بین المللی پول (2017). دورنمای اقتصادی جهان: افغانستان."
- بالما، ایل- Balma., L (2018) اثرات اقتصادی تغییرات ساختاری و ستراتیژیهای جایگزین واردات در افغانستان: شبیه سازی با استفاده از مدل سکیچ شبیه سازی اهداف انکشافی ملل متحد که توسط وزارت اقتصاد حکومت افغانستان موظف شده است.
- عمر جویا (2018) اثرات اقتصاد کلان تقویت تولیدات داخلی در افغانستان که توسط وزارت اقتصاد حکومت افغانستان موظف شده است
- لین. جی (Lin.J.) (2012). اقتصاد جدید ساختاری. "چارچوب برای فکر دوباره در مورد انکشاف و پالیسی". بانک جهانی. به این سایت مراجعه شود: <http://siteresources.worldbank.org/DEC/Resources/84797-1104785060319/598886-1104951889260/NSE-Book.pdf>
- مهدی رضایی (2011). "صنایع افغانستان با واردات ارزان مبارزه میکنند." روزنامه انگلیسی آوتلوک، افغانستان.
- وزارت مالیه (1395). "سند ستراتیژی مالی، چارچوب میانمدت مالی."
- اداره انکشاف بین المللی ایالات متحده امریک (2017). "برنامه منطقی انکشاف زراعت-EAST"
- گروپ بانک جهانی (2018). "شاخص های انجام تجارت سال 2018 در سطح کشور: افغانستان"

ضمایم

ضمیمه یک: یازده اولویت سکتور خصوصی

که توسط موسسه حرکت و اتاق تجارت و صنایع افغانستان تهیه شده و در کنفرانس های لندن و بروکسل توسط حکومت جمهوری اسلامی افغانستان مطرح شده است:

- i. بهبود سیستم های سنتی آبیاری و تقویت سیستم های عصری پایدار.
- ii. انکشاف سیستم ملی خط ریل برای افغانستان (بازنگری و رسیدگی به تصامیم و پیشنهادات مهم پلان ملی خط ریل افغانستان و تقاضای کمک از جامعه جهانی برای تطبیق آن).
- iii. انکشاف زیربنای کمکی (سرکها و برق) در اطراف دهلیزهای منبع به هدف تسهیل انکشاف و حمل و نقل مطمئن معادن استخراج شده.
- iv. ایجاد خدمات عامه (ارائه همه خدمات توسط یک دفتر) با سیستم های جامع الکترونیکی که خدمات بهتر اداره تجارت (ثبت، جوازدهی، تجدید جواز، مالیات، تادیه مالیات گمرکی و سایر نیازمندیهای مهم اداره تجارت در کابل و هفت مرکز تجارتي) را به مردم عرضه میکنند.
- v. پایین آوردن هزینه و افزایش میزان دسترسی به منابع مالی از طریق توسعه پروژه های موجود تضمین قرضه و قرضه های کوچک و جالب ساختن شرایط انجام قراردادها و وصول قرضه برای وام دهندگان.
- vi. تهیه ستراتیژی پارکهای صنعتی با در نظر داشت نظریات و مفکوره های سکتور خصوصی (به شمول ایجاد یک دفتر مستقل برای پارکهای صنعتی با اعطای اختیارات خاص).
- vii. تصویب عاجل قانون برق، مقرر ها و رهنمودهای مربوطه که تاسیس فوری اداره مستقل برق برای تطبیق پالیسی هایی که از سرمایه گذاری سکتور خصوصی در سکتور برق حمایت میکند، را تسهیل نماید.
- viii. ایجاد یک برنامه به منظور تقویت تاسیسات زیربنایی و تجهیزات موسسات آموزشهای تخنیکی و حرفه یی برای 200000 شاگرد بادر نظر داشت تقاضای بازار.
- ix. حمایت از سرمایه گذاران و تقویت سرمایه گذاری (بهبود انجام قراردادها، حل اختلافات، حل مسایل مربوط به افلاس و ورشکستگی).
- x. تهیه پالیسی ملی و چارچوب قانونی و تنظیم کننده برای مشارکت های عامه و خصوصی.
- xi. ایجاد مسیر بدیل برای ترانزیت از طریق آسیای میانه که در امتداد پروژه پیشنهادی لوله گاز آسیای مرکزی تطبیق خواهد شد.

ضمیمه 2: مهم ترین اقلام وارداتی از ریاست گمرکات افغانستان (سال 2016)

لیست 22 قلم کالاهای وارداتی در افغانستان که بخش اعظم کالاهای وارداتی و همچنان 80 درصد عواید گمرکی را در سال 2016 تشکیل میدهد.

لیست 22 قلم کالاهای وارداتی که بیشتر از 80 درصد عواید گمرکی را در سال 2016 تشکیل میدهد (به میلیون افغانی)					
شماره	اقلام وارداتی	مالیات گمرکی)	ارزش تجارت	فیصدی (%)	
				تجارت	عواید
1	نفت (گاز و مواد سوختی)، محصولات نفتی	13,142	54,413	12.64%	20.12%
2	آرد گندم	4,898	40,126	9.32%	7.50%
3	آهن باب	4,755	27,055	6.29%	7.28%
4	ماشین آلات میخانیکی، مخابراتی و پرزه جات آنها	3,440	26,586	6.18%	5.27%
5	وسایط نقلیه و پرزه جات آنها	3,237	18,900	4.39%	4.96%
6	سمنت	2,977	16,974	3.94%	4.56%
7	روغن خوراکی	2,898	30,219	7.02%	4.44%
8	چوب چارتراش	2,879	30,012	6.97%	4.41%
9	بوره و شیرینی باب	1,895	18,724	4.35%	2.90%
10	سبریجات و لوبیا	1,257	6,827	1.59%	1.92%
11	گندم	1,238	10,117	2.35%	1.90%
12	چوب و اشیای چوبی	1,210	7,799	1.81%	1.85%
13	تنباکو (سگریت، پان و غیره)	1,131	4,362	1.01%	1.73%
14	لبنیات	999	6,830	1.59%	1.53%
15	وسایل پلاستیکی و فلزی	994	8,671	2.01%	1.52%
16	کاغذ و اشیای کاغذی	977	6,466	1.50%	1.50%
17	چای سیاه و سبز	941	8,813	2.05%	1.44%
18	کود کیمیایی	838	8,744	2.03%	1.28%
19	آلات و ابزار ساخته شده از فلزات عادی (فولاد ضد زنگ، المونیم و غیره)	717	5,484	1.27%	1.10%
20	رابر و اشیای رابری	694	6,857	1.59%	1.06%
21	گوشت	690	4,585	1.07%	1.06%
22	محصولات طبی	466	4,863	1.13%	0.71%
	سایر کالاهای وارداتی	13,043	6,915	9.90%	0.00%
	مجموع	5,316	80,341	0.00%	00.00%

ضمیمه 3: 10 قلم مهم وارداتی از ریاست گمرکات افغانستان (2017)

لیست 10 قلم مهم وارداتی که بخش اعظم واردات و همچنان بیشتر از 80 درصد عواید گمرکی کشور را در سال 2017 تشکیل میدهد.

10 قلم مهم وارداتی (به میلیون افغانی)			
2017		ارقام وارداتی	شماره
عواید گمرکی	ارزش مالیات گمرکی		
5,533	49,169	آرد گندم	1
6,923	35,970	نفت (گاز و مواد سوختی)، محصولات نفتی	2
2,829	32,716	چوب چارتراش	3
2,808	32,457	روغنی خوراکی	4
3,936	24,547	ماشین آلات میخانیکی و مخابراتی و پرزه جات آنها	5
1,923	22,237	بوره	6
3,478	21,363	سمنت	7
1,461	17,027	گاز مایع	8
901	10,463	برنج	9
1,158	10,245	وسایط نقلیه و پرزه جات آنها	10
ده کشور مهمی که افغانستان از آنها بیشترین کالا را توريد میکند (به میلیون افغانی)			
2017		کشورها	شماره
عواید گمرکی	ارزش مالیات گمرکی		
10,077	83,456	پاکستان	1
12,432	79,101	ایران	2
8,219	77,672	چین	3
6,408	58,485	قزاقستان	4
3,270	25,300	ترکمنستان	5
3,950	24,574	جاپان	6
3,771	24,293	ازبکستان	7
2,125	23,949	مالیزیا	8
1,924	16,167	هندوستان	9
1,571	13,466	فدراسیون روسیه	10

ضمیمه 4: نقش د افغانستان بانک

سابقه

هدف اساسی د افغانستان بانک حفظ و نگه داری ثبات قیم در افغانستان از طریق تهیه و تطبیق پالیسی های پولی معقول میباشد. در طی دهه گذشته، د افغانستان بانک در کنترل تورم پولی در سطح هدف تعیین شده بصورت متداوم موفق بوده است. برای نیل به هدف حفظ سطح عمومی قیم و اجتناب از تورم پولی و تقلیل میزان پول، ادارات پولی ذخیره پولی را تحت برنامه تمدید شده کریدیت، کاهش فقر و افزایش رشد صندوق بین المللی پول هدف قرار میدهند. نقش صندوق بین المللی پول نظارت از تهیه و تطبیق یک پالیسی درست و معقول پولی در کشور میباشد. در اصطلاحات اقتصادی، رژیم پالیسی پولی افغانستان میتواند تحت نام هدفگیری پولی طبقه بندی شود. هدفگیری پولی عبارت از پالیسی پولی است که میزان رشد تراکم پولی معین را هدف خویش قرار میدهد اساس این نوع رژیم پالیسی پولی روی رابطه بین رشد پول و ثبات قیمتها مبتنی میباشد. دانشمندان علم اقتصاد توافق نظر دارند که هدفگیری پولی برای کشورهای دلخواه است که در آنها خلای شدید معلوماتی و محدودیتهای اطلاعاتی وجود داشته باشند.

ثبات اقتصاد کلان و پولی پیش شرطی برای رشد و سرمایه گذاری محسوب شده گرچه بی نظمی های سیاسی، جنگ، فرار سرمایه و خشک سالی در افغانستان شرایط نامساعدی را برای سرمایه گذاران داخلی و خارجی ایجاد کرده است. مطابق به یافته های سریوی شرایط زندگی در افغانستان، رشد اقتصادی احیا شده ولی کند و بطی باقیمانده (برای سال 2018 در حدود 2.4 درصد پیشبینی شده است) و میزان فقر از 38 درصد در سال 1390 به 55 درصد در سال 1395 افزایش یافته است. طبق یافته های صندوق بین المللی پول، علیرغم بهبودی و تغییرات مثبت در سکتور مالی- به شمول میزان بالای نقدینگی و کاهش نرخ سود که در برابر اوراق بهادار د افغانستان بانک پرداخته میشود، سکتورهای مالی در برابر صدمه ها و شرایط نامساعد آسیب پذیر میباشد.

د افغانستان بانک رژیم مدیریت شده نرخ تبادل شنور را ادامه داده و به منظور کاهش نوسانات شدید در نرخ تبادل در بازار تبادل ارزهای خارجی مداخله مینماید. در سال 2011، پول افغانی در برابر دالر امریکایی به 43 افغانی تبادل میشود، ولی الی ماه اکتوبر 2018، پول افغانی 60 درصد ارزش خویش عمدتاً به سبب نیرومند بودن دالر از دست داده است. در سالهای اخیر، ریال ایرانی (در نتیجه وضع تعزیرات) و روپیه پاکستانی همچنان ارزش شانرا در برابر پول افغانی از دست داده اند. اقلام شامل در بسته صادراتی افغانستان محدود، موسمی و مختص به شرایط افغانستان میشوند. برعلاوه، صادرات تا حد زیادی در برابر قیمتها غیرقابل انعطاف و تغییر ناپذیر هستند. تاثیر نرخ تبادل برای واردات نسبتاً مهم بوده که برای صادرات نوپای افغانستان این را مشکل میسازد تا با کالاهای ارزان خارجی در بازار داخلی رقابت کنند.

نرخ موثر واقعی تبادل با جریان کمکهای خارجی ارتباط متقابل داشته و دلری شدن بیش از حد، پلانگذاری سرمایه گذاری را برای توريد کنندگان و صادرکنندگان پرچالش ساخته است. میزان صادرات بوسیله کاهش اخیر در نرخ موثر واقعی تبادل متاثر شده، در عین حال عواملی چون مشکلات در بخش عرضه داخلی (دسترسی به منابع مالی، برق، زمین و غیره)، هزینه های ثابت بالا (به علت چالش های امنیتی) و دسترسی محدود به بازارهای جهانی توسعه صنایع را در افغانستان تا حد زیادی با موانع روبرو میسازد. تورم پولی اساساً، که با داشتن اثر تلافی کننده نرخ موثر واقعی تبادل قابل ملاحظه بوده، از شرکای تجاری وارد شده در حالیکه کمکهای بین المللی همچنان تاثیر محدود تورمی روی اجناس و خدمات داشته و رقابت را با بازارهای خارجی تضعیف میسازد. افزایش ارزش پول ناشی از کمکهای خارجی همراه با مشکلات در شرایط سرمایه گذاری، روی تعویض واردات و توسعه صادرات تاثیر منفی داشته است.

در حالیکه صادرات از سطح بسیار پایین در طی همین مدت به میزان قابل ملاحظه افزایش یافته ولی نتوانسته با واردات برابری کنند که این کار منجر به کسر کلان تجارت شده است. طبق گزارش بانک جهانی، بین سالهای 2012-2016، صادرات اجناس و خدمات افغانستان از 1.13 میلیارد دالر امریکایی به 1.34 میلیارد دالر امریکایی افزایش یافته که فقط 18.5 درصد افزایش را نشان میدهد. واردات هم به میزان مشابه افزایش داشته (18.7 درصد) که از 8.04 میلیارد دالر امریکایی به 9.54 میلیارد دالر امریکایی بالا رفته است. کسر تجارت ساختاری اجناس و خدمات در سالهای اخیر در حدود 40 درصد تولید ناخالص داخلی باقیمانده و به 42.1 درصد در سال 2016 رسیده در حالیکه صادرات فقط به 6.9 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2016 بالغ شده است. خوشبختانه ذخایر ارزهای خارجی بیشتر از 8.2 میلیارد دالر امریکایی بوده که بیشتر از یکسال واردات را تحت پوشش خویش قرار میدهد. جریان بزرگ کمکهای خارجی (به شمول کمکهای حکومت ایالات متحده امریکا که تا هنوز در اقتصاد کشور دنبال نشده) به کشور باعث تقویت قدرت خرید در سطح ملی شده که چنین عدم توازن را ببار آورده است. اثر ناخوشایند این وضعیت اینست که باوجود اینکه حکومت و کمک دهندگان بین المللی از افزایش اشتغال در داخل کشور ناامید شده، ولی در عوض افغانستان در خارج از کشور اشتغال زایی کرده است.

وضعیت مالی همچنان در مسیر بدتر شدن قرار داشته که این کار میزان سرمایه گذاری عامه را تضعیف میسازد. بیلانس مالی مجموعی به شمول کمکهای بلاعوض از صفر در سال 2016 به کسر 0.6 درصد تولید ناخالص داخلی در سال 2017 افزایش یافته در حالیکه کسر تجارت و کسر حساب جاری تا اندازه زیادی توسط کمکهای بلاعوض کمک دهندگان خارجی تمویل میشود. به عنوان یک اقتصاد کوچک، باز و محاط به خشکه با کسر تجارت طولانی مدت، تغییرات در نرخ تبادل بالای ثبات قیمتهای داخلی اثرگذار میباشد. دلری شدن بیش از حد اقتصاد کشور که در سطح بسیار وسیع مورد استفاده قرار دارد همچنان به این وضعیت کمک نکرده است.

در بخش رسمی سازی تجارت و اقتصاد، رسمی سازی باعث تضعیف تداوم مالی شده و همچنان موثریت فعالیت‌های بانک مرکزی را در بازار محدود میسازد. با توجه به اینکه جریان بزرگ کمک‌های خارجی به کشور باعث افزایش تقاضا برای کالاهای خارجی به عوض تولیدات داخلی شده، که این کار به عوض رشد در داخل باعث رشد در خارج از کشور شده که پالیسی‌ها حالا باید روی این نقیصه بازار و قیمت‌ها غلبه کنند. مجموع قرضه به بخش خصوصی به میزان قبل از سال 2014 باقیمانده است. همراه با توجه به تولید کوچک زراعتی (که بخش کلان آن پایدار نیست) و عدم تمرکز روی زراعت تجارتی در مقیاس بزرگ، افزایش تولیدات نسبتاً کم بوده است. صادرکنندگان هندی و پاکستانی به قرضه‌های صادراتی دسترسی داشته، در حالیکه صادرکنندگان افغانی این دسترسی را ندارند. کالاهای صادراتی افغانستان از نظر کیفیت اطمینانی نبوده که این کار نفوذ به بازار صادراتی را محدود میسازد.

نقش د افغانستان بانک در ستراتیژی یک افغانستان تولیدی

نقش د افغانستان بانک در حمایت از ستراتیژی تولیدی ارائه حمایت غیر مستقیم ولی مهم در سطح پالیسی برای تقویت افغانی سازی و تعویض واردات میباید. هدف اساسی ریاست پالیسی پولی رسیدن به ثبات داخلی قیمت‌ها و کاهش نوسانات شدید در نرخ تبادل از طریق مداخله در بازار داخلی با توجه به تاثیر تلافی کننده نرخ تبادل در تورم پولی میباید. هر دو اقدام برای تحقق اهداف ستراتیژی افغانستان تولیدی مهم بوده چون ثبات قیم و نرخ تبادل در حفظ ثبات اقتصاد کلان نقش مهمی بازی میکنند.

اقدامات حمایت از ستراتیژی

وضع موجود به افغانستان کمک زیادی نکرده چون حکومت افغانستان به مجموعه از ابزارهای اقتصادی که برای تسریع رشد، صنعتی سازی و اشتغال زایی ضروری هستند، تا اندازه زیادی دسترسی کامل ندارد. مجموعه از اقدامات ذیل از همین جهت شناسایی شده که جهت تشویق افغانی سازی، صنعتی سازی جایگزین واردات و تجارتی سازی برای این ستراتیژی مهم میباشند. اولیتهای افغانستان تولیدی در ذیل ارائه میشوند:

- افزایش تلاشها در تشریک مساعی با سایر موسسات اقتصادی و مالی حکومت به منظور کاهش دالری شدن و بهبود نرخ موثر تبادل، افزایش معاملات و خدمات مالی به پول افغانی برای احیای انفاذ پالیسی پولی،
- بهبود میکانیزم انتقال پول جایی که شرایط عمومی اقتصادی مستقیماً بوسیله تصامیم پالیسی پولی متاثر میشوند،
- افزایش شمولیت مالی، افزایش دسترسی به قرضه‌های دارای نرخ پایین سود برای مولدین کوچک، متوسط و بزرگ و تجار،
- انکشاف خدمات بانکی در تمویل اسلامی، اجاره داری، و سایر خدماتی که به تجارتی سازی زراعتی کمک مینمایند،
- شیوه‌های تشخیص برای درک بهتر سطح پایین قرضه گیری سکتور خصوصی از بانک‌های تجارتی. باوجود تلاش‌ها برای ارزان ساختن و قابل دسترس ساختن بیشتر قرضه‌ها، سکتور خصوصی بصورت عموم در اخذ قرضه از بانک‌ها تردید دارند،
- انکشاف بیشتر موسسات مالی قرضه‌های کوچک و غیربانکی برای پیشبرد اجندای افغانی سازی،
- تشویق بانکهای تجارتی برای انکشاف خدمات مالی جدید برای تجار بزرگ و صنعت کاران کوچک که با تمویل مختلط مورد حمایت کمک دهندگان (نرخ پایین تر تخفیف)، کاهش خطر سرمایه گذاری و پایین آوردن نرخ حداقل عاید سرمایه گذاری ارتباط داشته باشد،
- د افغانستان بانک در هماهنگی با وزارت مالیه و سایر ادارات حقوقی و اجرایی حکومت در انکشاف بازار دومی نقش فعال خواهد داشت، و
- کمک به تهیه پالیسی اقتصادی ملی به هدف تسریع افغانی سازی.

